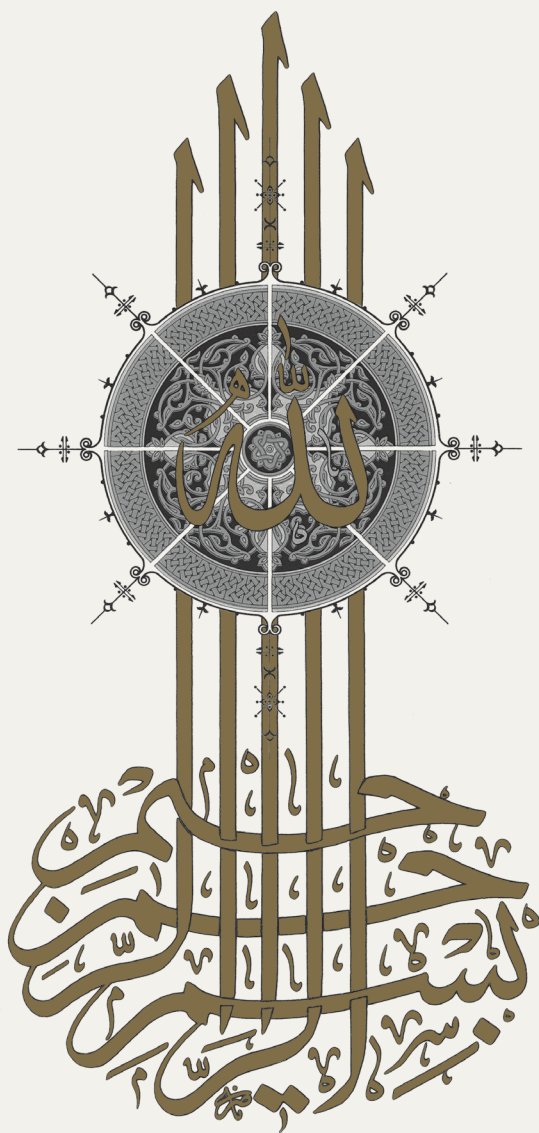
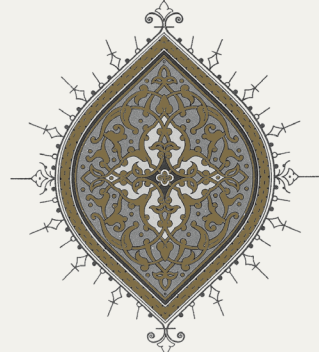






بررسی جامع

حدیث کسا

و پاسخ به شبهات

علی اکبر ملائی داریانی

یاس زندگی

۱۳۹۷

سرشناسه: تلافی، علی اکبر، ۱۳۴۲ -
 عنوان قراردادی: حدیث کسا شرح
 عنوان و نام پدیدآور: بررسی جامع حدیث کساء و پاسخ به شبهات/
 علی اکبر تلافی داریانی؛ ویراستار محمدحسین ضاد.
 مشخصات نشر: تهران: یاس نگار، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: [۱۰۴ص: مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۱۹-۱۷-۳ ریا: ۲۵۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Ali Akbar Talafi Daryani.A study
 of tradition the cloak...
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۹۲ - ۹۸: همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: احادیث خاص (کساء) -- نقد و تفسیر
 موضوع: *Hadiths, Special (Kasa) -- Criticism and interpretation
 رده بندی کنگر: ۱۳۹۷ ات ۴۲۲-۵۰۴/ک-۱۴۵ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۵۸۰۷

یاس‌نگار

بررسی جامع حدیث کساء و پاسخ به شبهات

مؤلف: دکتر علی اکبر تلافی داریانی
 ویراستار: محمدحسین ضاد
 چاپ نخست: زمستان ۱۳۹۷ (همزمان با میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها)
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 آرایه‌ها: امیرخانی، رسولی، اخوین، کیانی، فلسفی، عبدالرضایی، نجفی،
 حسینی، ناصری، ناصری پور، مظلومی پور، نیکو، فرجی، سروری
 صفحه آرای: محمدرضا قراهنانی
 لیتوگرافی: فرابند گویا
 چاپ: آرتا
 صحافی: فرانگر
 مدیریت هنری و تولید: امیر محمد داودی پور
 قیمت پشت جلد: ۲۵۰،۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۱۹-۱۷-۳
 ۰۲۱-۸۸۳۲۲۳۰۹

خیابان کریمخان زند، کوی عسجدی، شماره‌ی ۲
 کلیه‌ی حقوق شرعی و قانونی این اثر فقط برای ناشر محفوظ است.



تقدیم به:

مادرم؛ مادر گیتی

مادر مؤمنان و امامان

محور آل عبا و اهل کساء صلوات الله علیهم

حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا سلام الله علیها

که هر چه دارم از اوست. و هر چه دارم فدای اوست.

اللّٰهُمَّ، عَجِّلْ لَوْلَدِهِ الْمَهْدَى الْفَرَجَ وَ النَّصْرَ وَ الْعَافِيَةَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اعْوَانِهِ.

يَا فَاطِرُ الْحَقِّ فِي طَائِفَتِنَا

سپاس نامه

قال رسول الله:

لا يشكر الله من لا يشكر الناس.

(شيخ صدوق، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۰)

خدای را سپاسگزار نباشد آن که مردم را سپاسگزاری نمی کند.

سپاس و تشکر فراوان از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمدکاظم شاکر (استاد راهنما) که در شرایط دشوار به یاریم شتافت و راهنمایی های عالمانه اش به این پدیده ارزش بخشید. و استاد محترم حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر رحمان ستایش (استاد مشاور) که در مشاوره و راهنمایی دریغ نورزید.

و برادر عزیزم جناب آقای حاج محسن تلافی و دوست گرمی ام آقای حاج محمدحسین ضاد و سرکار خانم مریم انصاری که در پیدایش و پیرایش این اثر سهیم بودند. توفیق روزافزون برای همه این عزیزان از درگاه خداوند مَنان خواستارم.

علی اکبر تلافی داریانی

زمستان ۱۳۹۷



حسنه

سعدی اگر عاشقی کنی جوانی عشق محمد است و آل محمد

هرگز پیش تو نبینایم

و اگر صفیعتی تو نبینیم
نبرد

چکیده

موضوع پایان‌نامه حاضر، بررسی جامع حدیث کساء - که یکی از مدارک مهم برای اثبات امامت و ولایت اهل بیت به شمار می‌رود- و همچنین اعتبارسنجی متن خاصی از آن است که در میان شیعیان رواج دارد. این حدیث به طور کلی نزول آیه تطهیر را گزارش می‌دهد و طی آن مصداق‌های خاص واژه اهل البیت را معرفی می‌کند.

گرچه اصل این حدیث مورد اتفاق دانشمندان مکتب اهل بیت و تأیید جمع بسیاری از دانشوران مکتب خلفا است، اما از دیرباز و در عصر حاضر شبهاتی درباره دلالت این حدیث و اعتبار متن رایج آن مطرح شده است.

پایان‌نامه حاضر بر آن است که به شبهات مطرح شده پاسخ‌هایی مقبول ارائه دهد و برای اعتبار متن رایج حدیث، دلائلی علمی به دست دهد، با این رهیافت که:

- متن رایج این حدیث از نظر صدور معتبر است.
- متن رایج حدیث کساء هیچ گونه مخالفتی با قرآن و اعتقادات مسلم شیعی ندارد و بخش‌بخش آن از نظر محتوایی و گاهی لفظی در احادیث معتبر دیگر آمده است.
- تسامح در ادله سنن و تجویز نقل به معنا راه را برای پذیرش این حدیث و امثال آن آسان کرده است و دلیلی فراگیر برای رد آن باقی نمی‌ماند.

کلیدواژه‌ها: حدیث کساء، آیه تطهیر، اهل البیت، شبهات حدیث کساء، شیعه‌شناسی، عقاید شیعه

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا عَطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

فی تو اے عطا کیا گیا کثرتِ خواہی پس چہ خشکی و تشنہ مانده؟

ایماندار و سچے پیغمبر

اگر شکی
(موجودی)

عام و سچے
موجودی

فهرست عناوین

صفحه	عنوان
۱۲	پیش‌گفتار
۱۴	فصل اول: کلیات
۱۵	۱ - ۱. بیان مسأله
۱۶	۱ - ۲. پرسش‌های تحقیق
۱۷	۱ - ۳. فرضیه‌های تحقیق
۱۷	۱ - ۴. پیشینه تحقیق
۲۲	۱ - ۵. ضرورت تحقیق
۲۳	۱ - ۶. هدف و کاربرد تحقیق
۲۴	۱ - ۷. روش تحقیق
۲۶	فصل دوم: اصل حدیث کساء و اسناد آن
۲۷	سرآغاز
۲۷	۱-۲. نظریه بزرگانی از اهل سنت
۲۸	۲-۲. نظریه بزرگانی از شیعه
۳۰	۲-۳. راویان حدیث کساء
۳۱	۲-۳-۱. طرق اهل سنت و راویان
۳۴	۲-۳-۲. طرق شیعه و راویان
۴۲	فصل سوم: متن رایج حدیث کساء و سند آن
۴۳	۳ - ۱. متن رایج حدیث کساء
۵۰	۳ - ۲. نظریه مراجع، فقها و دانشوران
۵۰	۳-۲-۱. فقیه کبیر آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی (۱۳۳۶-۱۳۳۷ق)
۵۱	۳-۲-۲. آیت‌الله شیخ محمد تقی بهجت (۱۲۹۵ - ۱۳۸۸ش)
۵۲	۳-۲-۳. آیت‌الله شیخ ناصر مکارم شیرازی (۱۳۰۵ش - ...)
۵۲	۳-۲-۴. آیت‌الله شیخ حسین وحید خراسانی (۱۳۰۰ش - ...)
۵۲	۳-۲-۵. آیت‌الله سید صادق حسینی شیرازی (۱۳۲۰ش - ...)





۳-۲-۶. آیت‌الله سیدمحمد حسینی شاهرودی (۱۳۰۴ ش - ...) ۵۳

۳-۲-۷. آیت‌الله سیدصادق روحانی (۱۳۰۵ ش - ...) ۵۴

۳-۳. بررسی سند حدیث رایج کساء ۵۵

۴-۳. بررسی متن رایج حدیث کساء ۷۰

فصل چهارم: شبهات حدیث کساء و پاسخ آنها ۷۸

سرآغاز ۷۹

۴-۱-۱. شبهه اول: فاقد سند بودن متن رایج حدیث کساء و نادرستی

سند موجود آن ۷۹

۴-۱-۲. پاسخ به شبهه اول ۸۲

۴-۲-۱. شبهه دوم: تشریعی بودن اراده در آیه تطهیر ۸۴

۴-۲-۲. پاسخ شبهه دوم ۸۵

۴-۳-۱. شبهه سوم: عدم انحصار «إنما» در معنای حصر ۸۵

۴-۳-۲. پاسخ شبهه سوم ۸۶

۴-۴-۱. شبهه چهارم: شمول اهل بیت بر همسران پیامبر ﷺ ۸۷

۴-۴-۲. پاسخ شبهه چهارم ۸۷

۴-۵-۱. شبهه پنجم: عادی بودن رخداد حدیث کساء ۸۸

۴-۵-۲. پاسخ شبهه پنجم ۸۹

نتیجه گیری ۹۰

منابع و مأخذ ۹۲

۱. کتاب‌های عربی ۹۲

ب. کتاب‌های فارسی ۹۷

ج. مجلات ۹۸

د. نرم افزارها، لوح‌ها و سایت‌ها ۹۸





پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم محمد و أهل بيته
الذين أذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً
و لعنة الله على أعدائهم و منكرى فضائلهم و مناقبهم لعناً وبيلاً

حدیث به عنوان یکی از دو یادگار نفیس و ارزشمند حضرت رسول ﷺ از ابتدای بروز و ظهور، نشیب و فرازهای بسیاری به خود دیده است. گاهی نوشتن و نقل آن را ممنوع کرده‌اند، و زمانی نیز آن را دستخوش تحریف، کتمان و تأویل نابه‌جا نموده‌اند، و وقتی هم با تولید شبهاتی واهی آن را مورد هجمه و حمله قرار دادند.

از آن‌جا که حدیث، بیان و تفسیر قرآن به شمار می‌آید، طبیعی است که مطالب در آن به گونه‌ای آشکار و بدون اجمال عرضه شود. در این رهگذر بسیاری از مطالب آن با



افکار و اندیشه‌های دیگران در تعارض قرار می‌گیرد و یا در اصل اندیشه آنان موافقت دارد ولی با معیارها و ملاک‌های اعتبارسنجی آنان تضاد و تخالف پیدا می‌کند. از این رو عده‌ای با تعیین معیارهایی خاص و پذیرش یک‌جانبه آن به مخالفت با برخی از احادیث برمی‌خیزند، که حدیث معروف و رایج کساء از آن جمله است.

در این پایان‌نامه سعی بر این است که حدیث پیش‌گفته با ملاک‌ها و معیارهای مقبول، بدون تعصب و جانب‌داری مورد بررسی و اعتبارسنجی قرار گیرد. در این راستا مهم‌ترین مطالب درباره حدیث کساء گردآوری شده و مورد داوری قرار گرفته است. البته رویکرد فقها و مراجع عظام تقلید به عنوان متخصصان در امر قرآن و حدیث، و اقبال جامعه تشیع به این حدیث و تأثیر آن در ادبیات زبان عربی و فارسی توانسته در قضاوت نهایی تأثیرگذار باشد.^۱

امید است این تحقیق مورد رضایت و خشنودی خداوند سبحان و مشمول عنایت‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه واسلك بنا مهجته بجاه محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و أولاده المعصومين.
آمین

۱. شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، (قم: اسماعیلیان و تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۸ق) ج ۲۴، ص ۲۰۵ می‌نویسد: ما در این‌جا برخی از کسانی را که حدیث کساء را به نظم درآورده‌اند یاد می‌کنیم، همان حدیثی که شأن بزرگی در میان شیعه دارد و آنان به این حدیث تبرک می‌جویند و آن را از حفظ می‌خوانند. و نیز بنگرید: سیدعلی موحد ابطحي، حدیث کسا و آثار شگفت، چاپ پنجم، ویرایش سوم، (قم: جبل‌المتین، ۱۳۹۰ش) صص ۱۸۴ - ۲۵۷، علی‌اکبر مهدی‌پور، سند حدیث شریف کسا، (قم: کتابخانه جامع التفاسیر شیعه) صص ۳۴ - ۴۶، شیخ علی حیدر المؤید، فی رحاب حدیث کساء، چاپ اول، (قم: دارجلال الدین، ۱۴۲۵ق)، صص ۲۸۹ - ۳۷۶.



فصل اول

کلیات

- ۱ - ۱. بیان مسأله
- ۱ - ۲. پرسش‌های تحقیق
- ۱ - ۳. فرضیه‌های تحقیق
- ۱ - ۴. پیشینه تحقیق
- ۱ - ۵. ضرورت تحقیق
- ۱ - ۶. هدف و کاربرد تحقیق
- ۱ - ۷. روش تحقیق



۱ - ۱. بیان مسأله

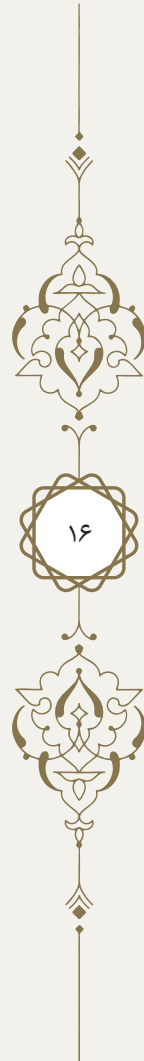
حدیث کساء از احادیث مشهور بین مسلمانان، اعمّ از شیعیان و اهل سنت است که با اصطلاحاتی هم‌چون اصحاب کساء، آل عبا، پنج تن، اهل بیت و نیز با آیه تطهیر ارتباط و همراهی دارد.

شیعیان این حدیث را یکی از مدارک مهم برای اثبات حقانیت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام و نیز امامت و ولایت اهل بیت می‌دانند. از این رو، این حدیث در عقاید و کلام اسلامی دارای چنان جایگاهی است که برای اثبات یکی از مهم‌ترین اصول دینی و مذهبی به آن استناد می‌شود. آن رویداد تاریخی که سرمنشأ حدیث کساء می‌باشد، به مقدار مسلم و مورد اتفاق در آثار فریقین، از این قرار است که روزی حضرت رسول ﷺ امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را نزد خود فراخواندند و بالاپوشی بر سر آنان و خود افکندند و به درگاه خداوند سبحان عرض کردند: «خدایا، اینان اهل بیت من هستند. پس هرگونه پلیدی را از ایشان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه گردان». پس از آن، حضرت جبرئیل امین فرود آمد و آیه تطهیر: ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۲ را به پیشگاه حضرتش نازل کرد.^۳

هم‌چنین متنی خاص از این حدیث در میان شیعیان رواج دارد که به صورت پرشمار منتشر شده است و به طور انفرادی یا جمعی قرائت می‌شود و به گواهی بسیاری از مردم

۲. سورة احزاب، آیه ۳۳.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، (علی‌اکبر غفاری)، چاپ پنجم (تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ش) ج ۱، ص ۲۸۷ و محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، (تهران: المکتبة الإسلامیة) ج ۳۵، صص ۲۰۶ تا ۲۳۶ و محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، (مصطفی عبدالقادر عطا)، چاپ اول، (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق)، ج ۳، صص ۱۵۹ تا ۱۶۰. مدارک این رویداد به طور مفصل در فصل دوم همین پایان نامه آمده است.



در برآمدن حواجی مادی و معنوی مُجَرَّب و مؤثّر بوده است.^۴ با این حال، در سه محور عمده شبهه‌اتی مطرح شده است:

۱. اعتبار سند و متن رایج حدیث کساء.^۵
۲. مصادیق اصطلاح اهل‌بیت در آیه سی‌وسوم از سوره احزاب (آیه تطهیر) که این حدیث به عنوان شأن نزول آن به شمار می‌رود^۶ و دلالت آیه بر اراده تکوینی خداوند در مورد طهارت اهل بیت.^۷
۳. دلالت اصل حدیث کساء بر عصمت و فضیلت اهل بیت.^۸

۱ - ۲. پرسش‌های تحقیق

در مورد حدیث کساء، به ویژه با توجه به شبهه‌هایی که از سوی مخالفان مکتب اهل‌بیت مطرح شده، پرسش‌هایی شکل گرفته است که شایسته است به آنها پاسخی مستدل داده شود. پژوهش حاضر در صدد است تا به این پرسش‌ها پاسخ گوید: اصل حدیث کساء، که در منابع فریقین آمده است، تا چه اندازه‌ای معتبر است؟

اعتبار متن خاص و رایج حدیث کساء از لحاظ اسناد و صدور از ناحیه معصوم و نیز موافقت دلالتی با قرآن کریم و سنت شریف نبوی چگونه است؟

نظر فقها و مراجع تقلید شیعه به عنوان سنگرداران و مرزبانان حریم اهل‌بیت درباره حدیث کساء چیست؟
مهم‌ترین واژه کلیدی حدیث کساء، یعنی اهل‌بیت، به چه کسانی قابل اطلاق است؟

۴. بنگرید به: سیدعلی موحد ابطحی، حدیث کساء و آثار شگفت، صص ۱۰۹ تا ۱۷۸.

۵. بنگرید به: محمد محمدی ری‌شهری، پژوهشی درباره حدیث کساء، چاپ اول (قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش)

۶. بنگرید به: ابوالوفاء اسماعیل ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (بیروت: ۱۳۸۸ق)، ج ۶، ص ۳۷۰.

۷. بنگرید به: احمد بن تیمیه، منهاج السنّة، (محمد رشاد سالم)، (قرطبه، ۱۴۰۶ ق) ج ۴، ص ۲۱.

۸. بنگرید به: نعمت الله صالحی نجف آبادی، بانوی مهربان در کنار پدر، مجله مکتب تشیع، نشریه سه ماهه، شماره ۲، صص ۶۴ تا ۸۵.

۱ - ۳. فرضیه‌های تحقیق

با توجه به پرسش‌های بالا می‌توان فرضیه‌های زیر را ارائه داد:

اصل واقعه مربوط به حدیث کساء و محتوای آن با توجه به شأن نزول آیه تطهیر مورد قبول عموم دانشمندان شیعی و سنی است و روایت‌ها در این موضوع متواتر می‌نماید. متن رایج این حدیث هیچ‌گونه مخالفتی با قرآن و سنت قطعی نبوی و شیوه و سیره اهل بیت ندارد و سند آن صحیح و معتبر می‌باشد.

غالب مراجع تقلید و فقها، صحت سندی و درستی متن رایج آن را پذیرفته‌اند.

به قرینه‌های نقلی و عقلی، تنها مصداق واژه اهل بیت، حضرت پیامبر، فاطمه زهرا، امیرالمؤمنین و یازده امام است. و هیچ کس دیگری در این امر با آنان شریک نیست.

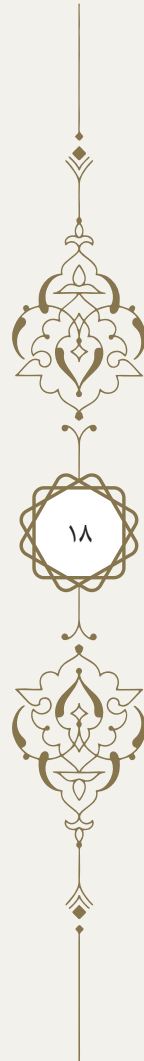
۱ - ۴. پیشینه تحقیق

پژوهش به دلیل تعلق به گستره معینی از علوم، هویت جمعی و تاریخی پیدا می‌کند. زیرا تعلق به یک علم، به معنای تعلق به تاریخ همان علم است. لازمه تعلق به تاریخ علم، تأثر از سلف و تأثیر در خلف است. محقق باید به خوبی از پیشینه تحقیق آگاه باشد و مواضع رخنه و قوت را در تحقیقات پیش از خود بشناسد، بر رهاورد آن‌ها تکیه کند و خط مطالعاتی رایج در آن علم را استمرار بخشد.^۹

در میدان تحقیق، یادکرد تلاش‌های پیشینیان نوعی سپاس‌داری و ادب به شمار می‌رود. و دیگر این که تحقیق را استحکام و اعتبار می‌بخشد. و البته وجه تمایز پژوهش‌های پسین با کار آنان نیز مشخص می‌شود. نیوتن گوید: «اگر من توانسته‌ام بیش از دیگر رجال علم ببینم، به آن علت است که بر شانه‌ی غول‌ها ایستاده‌ام». مراد وی از غول‌ها

۹. احد فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، چاپ چهارم، (مشهد:

دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷ش) ص ۳۶.



پیشگامانی چون دکارت، گالیله و امثال آنهاست.^{۱۰} از پیشینه تحقیق درباره حدیث کساء می‌توان گفت که دانشمندان و محققان اسلامی از دیرباز حدیث کساء را مورد توجه و تحقیق قرار داده‌اند و هریک به اندازه توان و بضاعت علمی خویش در نقل، بررسی و نشر آن کوشیده‌اند. آنان در این کار به سه گروه تقسیم شده‌اند:

گروه الف: اصل حدیث کساء و روایت‌های شأن نزول آیه تطهیر و غیر آن را مورد نقل یا بررسی و نتیجه‌گیری قرار داده‌اند: ۱. سبحانی، جعفر. اهل‌البیت سماتهم و حقوقهم. قم، مؤسسه امام صادق ۷، چ پنجم. ۱۳۹۲ ش، عربی.

در این کتاب مصداق و ویژگی‌های اهل‌البیت به قرینه‌های مختلف از جمله حدیث کساء به نقل از منابع اهل سنت مورد بررسی و تعیین قرار گرفته است.

۲. باقرزاده، عبدالرحمن. پژوهش جدید درباره آیه تطهیر. قم، بوستان کتاب، چ اول، ۱۳۹۱ ش، فارسی.

تحقیقی است جامع درباره آیه تطهیر و پیام‌های کلامی و دلالت‌های اعتقادی آن که با تکیه بر حدیث کساء به اثبات انحصار مصادیق آیه در اصحاب کساء پرداخته است و به ادعاهای و شبهات مختلف بر اساس موازین علمی پاسخ داده است. ۳. عسکری، سیدمرتضی. حدیث الکساء فی کتب مدرسه الخلفاء و مدرسه اهل‌البیت. تهران، المجمع العلمی الاسلامی، چ دوم، ۱۴۰۲ ق، عربی.

نویسنده در این اثر فقط به ذکر مدارک حدیث کساء از فریقین بسنده کرده است.

۴. عاملی، سیدجعفر مرتضی. اهل‌بیت در آیه تطهیر. ترجمه محمد سپهری. قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش، فارسی.

نویسنده نام‌دار در این کتاب جایگاه اختصاصی اهل‌بیت را با توجه به آیه تطهیر مشخص می‌کند و بر این مطلب اصرار می‌ورزد که این بزرگواران یگانه مصداق آن آیه می‌باشند. و

حتی همسران پیغمبر ﷺ مثل ام سلمه هم در این جایگاه شریک نیستند. و به شبهات نیز پاسخ می‌دهد.

۵. حسینی میلانی، سیدعلی. نگاهی به آیه تطهیر. قم، حقایق، ۱۳۹۰ش، فارسی.

۶. فاضل لنکرانی، محمد و اشراقی، شهاب‌الدین. اهل بیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش، فارسی.

در این کتاب به بررسی پنج نکته از آیه تطهیر پرداخته‌اند و آورده‌اند که واژه اهل البیت وصف مشیر است و وصف مقوم نیست. به این معنی که حکم بر مصداق مخصوص و مورد نظر بار شده است و تنها آن مصداق در آیه معرفی می‌شود؛ نه این که وصف مذکور راهی برای به دست آوردن مصداق باشد.

۷. اسماعیل زاده، ایلقار. تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت و اهل سنت با تأکید بر پاسخ‌گویی شبهات قدیم و جدید. قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش، فارسی.

۸. آصفی، محمد مهدی. پژوهشی در مورد آیه تطهیر، مصونیت تکوینی رهبران عقیدتی اسلام. ترجمه محمود افتخارزاده. قم، نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش، فارسی.

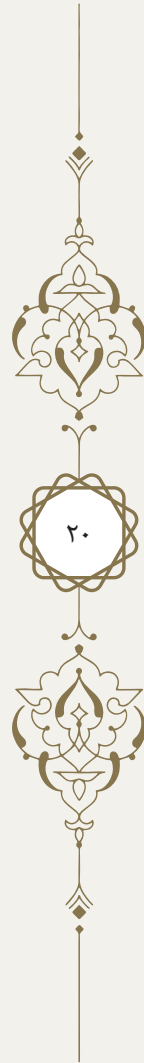
۹. السیلاوی، غالب. إذهاب الرجس عن أئمة الإنس: أو المصباح المنیر فی تحقیق آیه التطهیر، ۱۳۲۶ق، عربی.

۱۰. اسکویی حایری، محمد باقر. رساله تطهیر در تفسیر و تحقیق آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...». تبریز، روشن ضمیر، ۱۳۸۵ش. فارسی.

۱۱. موسوی گرمارودی، ابوالفضل. تدبر در قرآن: چه کسانی اهل بیت پیامبرند؟ قم، دلیل ما، چ اول، ۱۳۸۱ش، فارسی.

۱۲. رفیعی، علی. اهل بیت. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴۶۵ و ۴۶۶. تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چ اول، ۱۳۸۰ش.

۱۳. مولوی، محمد علی. آل عبا. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۸. تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۰ش.



۱۴. اهل بیت. دائرة المعارف تشیع، ج ۲، صص ۶۰۵-۶۱۰. تهران، شهید سعید محبی، چ ششم، ۱۳۸۴ش.
۱۵. اهل البيت. موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۱۹، ص ۳۱ و ۳۲. قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی، چ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۶. آل البيت. موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۱، صص ۲۳۵-۲۵۱. قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی، چ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۷. عاملی، سیدجعفر مرتضی. الصحيح من سيرة الامام علي عليه السلام، ج ۸، صص ۱۲۷-۱۹۷. قم، مرکز نشر و ترجمه مؤلفات علامه محقق آية الله سیدجعفر مرتضی عاملی، ۱۳۸۸ش.
۱۸. جلالی، سیدمحمد رضا. تفسیر الحبري، صص ۵۰۳-۵۲۲. بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۰۸، عربی. در پاورقی این تفسیر یک جلدی، ذیل آیه تطهیر، حدیث کساء به طور مفصل تخریج و منبع یابی شده است.
۱۹. انصاری ملتانی پاکستانی، محمدحیات. حدیث الکساء. خط مؤلف، عربی.^{۱۱}
۲۰. صالحی نجف آبادی، نعمت الله، بانوی مهربان در کنار پدر، مکتب تشیع، نشریه سه ماهه، شماره ۲، صص ۶۴-۸۵. نویسنده حدیث کساء را رخدادی عادی و ساده و در عین حال قطعی تلقی کرده است که با گذشت زمان در زمره افتخارات اهل بیت قرار گرفته است. و اشاره ای به نکات و پیام های الهی و اعتقادی آن ندارد.

گروه ب: متن رایج حدیث کساء و سند آن را نقل یا شرح و یا اعتبار سنجی نموده اند:

۱. مهدی پور، علی اکبر. سند حدیث کساء. قم، کتابخانه جامع التفاسیر شیعه. بی تاریخ، فارسی.
۲. مهدی پور، علی اکبر. حدیث کساء کلید حل مشکل ها. قم، دلیل ما، چ سوم، ۱۳۹۱ش، فارسی.
۳. تربتی کربلایی، حیدر. پژوهش نو پیرامون حدیث شریف کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۱۱. نرم افزار کتابخانه اهل بیت، ردیف ۶۲۹۰، نسخه دوم، ۱۳۹۱ش.



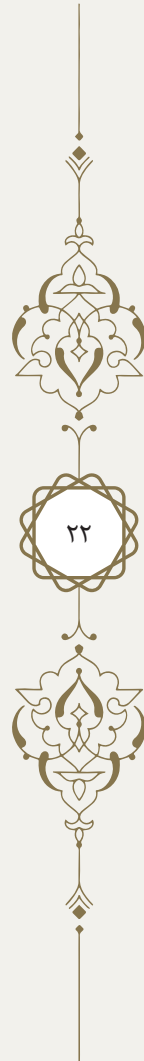
- اصفهان، بنی‌هاشم، چ اول، ۱۳۸۵ش.
۴. کاشانی، سیدعباس. احسن الجزاء فی تصحیح حدیث الکساء. خطی.^{۱۲}
۵. موحد ابطحی، سیدعلی. حدیث کساء و آثار شگفت. قم، جبل المتین، چ پنجم، ۱۴۳۲ق، فارسی.
۶. محمدی ری‌شهری، محمد. پژوهشی درباره حدیث کساء. قم، دارالحديث، ۱۳۸۴ش، فارسی.
- نویسنده ضمن پذیرش قطعی اصل حدیث کساء، متن رایج آن را بی‌پایه و سست قلمداد می‌کند و سند مذکور در عوالم العلوم را مخدوش می‌داند.
۷. فیض‌پور، علی‌اصغر. التحقيق حول سند حدیث الکساء. قم، عصر جوان، چ اول، ۱۳۸۶ش، عربی.
- محقق، یکایک رجال سند متن رایج حدیث کساء را بررسی و وثاقت و اتصال آنها را اثبات کرده است و اعتبار حدیث را از نظر صدور تأیید نموده است.
۸. المؤید، علی حیدر. فی رحاب حدیث کساء. قم، دار جلال‌الدین، چ اول، ۱۴۲۵ق، عربی.
۹. حسینی شیرازی، سیدمحمد. من فقه الزهراء سلام الله علیها. قم، مؤسسه الرسول الأعظم (علیه السلام)، ۱۴۱۵ق.
۱۰. طباطبایی شیرازی، سیدمحمد. شرح حدیث کساء. قم، اکرام، ۱۳۸۷ش، فارسی.^{۱۳}
۱۱. حسینی تبریزی، سیدشهاب‌الدین. حدیث الکساء. قم، ۱۳۵۶ق، فارسی.^{۱۴}
- سلسله سند حدیث کساء را بیان می‌دارد.
۱۲. نه‌اوندی، علی‌اکبر. طور سیناء فی شرح حدیث الکساء. فارسی.^{۱۵}

۱۲. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۶، ص ۳۷۸.

۱۳. سایت lib.ir به نقل از سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

۱۴. شیخ آقابزرگ تهرانی، ج ۶، صفحه ۳۷۸.

۱۵. شیخ آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۸.



۱۳. بحرانی اصفهانی، شیخ عبدالله. عوالم العلوم، ج ۱۱، صص ۹۲۷-۹۳۷. قم، مؤسسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفه ج سوم، ۱۴۱۶ق.

گروه ج: اصل و متن رایج حدیث کساء را مورد نقل، یا اشاره و تأیید قرار داده‌اند:

۱. مؤجد ابطحی، سیدعلی. آیه التّطهیر فی احادیث الفریقین. قم، مؤلف، چ اول، ۱۴۰۴ ق، عربی، ۲ جلد.
 ۲. موسوی کرمانی، سیدحسین. مجمع الانوار یا جلوه‌گاه حق، صص ۱۸-۲۲۸. قم، مؤلف، ۱۳۹۱ق.
 ۳. انصاری زنجانی خونی، اسماعیل. الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۱۹، صص ۳۶۳-۴۸۶. قم، دلیل ما، ج دوم، ۱۳۸۷ش.
 ۴. حائری، سیدمهدی. حدیث کساء. دائرة المعارف تشیع، ج ۶، صص ۱۸۷ و ۱۸۸. تهران، شهید سعید محبی، چ سوم، ۱۳۸۱ش.
 ۵. نجفی مرعشی، سیدشهاب‌الدین. شرح احقاق الحق ج ۲، صص ۵۰۱-۵۶۲ و ج ۳، صص ۵۱۳-۵۳۱ و ج ۹، صص ۸۵-۱۴ و ج ۱۴، صص ۴۰-۱۰۵ و ج ۱۸، صص ۳۵۹-۳۸۳ و ج ۲۴، صص ۲۶-۱۰۵ و ۳۷۹-۳۸۶ و ج ۲۶، صص ۲۲۳-۲۴۲.
- نویسنده با تکیه بر گنجینه خطی و چاپی کتابخانه بزرگ خود ده‌ها منبع از منابع اهل سنت در مورد حدیث کساء را ذکر کرده است.
- تلاش نگارنده با نگاه به پژوهش‌های پیش‌گفته بر این است که پایان‌نامه حاضر، چه از جهت طرح و اسلوب، و چه از حیث شیوه کار و جامعیت، تازگی داشته باشد و رهیافتی جدید برای اعتبار متن رایج حدیث کساء ارائه نماید.

۱ - ۵. ضرورت تحقیق

آیین پاک تشیع به عنوان تنها مکتب حق همواره مورد هجوم مخالفان بوده است و بر هیچ کس پوشیده نیست که در عصر حاضر با شبهات فراوان از راه‌های گونه‌گون روبه‌روست و از میان هزاران شبهه، چندی هم در مورد

حدیث کساء مطرح شده است.

این حدیث هم از جهت مهم‌ترین کلیدواژه‌اش، یعنی اصطلاح «اهل البیت» و هم چنین کلمات دیگرش چون اراده، رجس و ... مورد مناقشه قرار گرفته، و هم از جهت متن رایجش به لحاظ صدور و برخی عبارت‌های آن مورد رد و انکار واقع شده است. دفاع علمی و مستند از حدیث کساء با شیوه‌های مقبول، مبانی مکتب اهل‌بیت را محکم می‌سازد، و هم‌چنین عمل و عقیده شیعیان طی قرون متمادی تثبیت و تأیید می‌گردد. و دیگر این‌که نقل، انتشار و رواج این حدیث و نسبت دادن آن به خاندان نبوی دروغ به شمار نمی‌آید.

این تحقیق در صورت موفقیت، زمینه‌های هدایت مخالفان غیر معاند را فراهم خواهد آورد و سدی استوار در برابر مخالفان ستیزه‌جو ایجاد خواهد کرد، و البته هدایت مؤمنان نیز فزون‌تر خواهد شد. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾.^{۱۶}

هر کس انسانی را در مقابل غیر قتل دیگری یا غیر تباهی در زمین بکشد، چنان باشد که همه مردم را کشته باشد. و هر کس انسانی را زنده کند، چنان است که همه مردم را زنده کرده باشد.

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تأویل این آیه کریمه چنین آورده‌اند:

هر کس انسانی را از گمراهی به طرف هدایت بیرون آورد، او را زنده کرده است و هر کس انسانی را از هدایت به سوی گمراهی بیرون آورد، سوگند به خدای که او را میرانده است.^{۱۷}

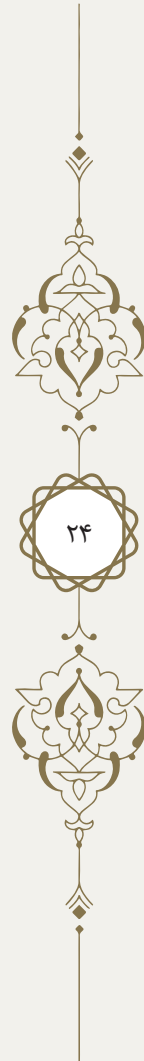
۱ - هدف و کاربرد تحقیق

در پرتو ارائه تحقیق کامل و شامل درباره حدیث کساء، عقاید و باورهای شیعی استحکام می‌یابد و شبهات جای خود را به

۱۶. سورة مائده، آیه ۳۲.

۱۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰.





اطمینان و ایمان می‌دهد. و از این که بگذریم، دفاع از حدیث اهل بیت خدمتی بس سترگ در عرصهٔ مودّت و محبّت به شمار می‌رود که رضایت و خشنودی حقّ متعال را به دنبال خواهد داشت. چنان که فرمود:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.^{۱۸}

بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم نمی‌خواهم جز مودّت در مورد نزدیکانم.

تحقیق حاضر به طور قطع می‌تواند در پژوهش‌های کلامی و عقیدتی مورد مراجعه قرار گیرد و در اثبات حقانیت امامت و برتری اهل بیت و تقویت این باور مهم کاربرد داشته باشد.

۱ - ۷. روش تحقیق

در این پایان نامه، روش درون دینی کاربرد داشته است. بر این اساس، یافته‌ها بر اساس آموزه‌های دینی و سمعی شکل می‌گیرد. طبق این روش، مسألهٔ مورد تحقیق با مراجعه به متون دینی توصیف، توجیه و تبیین می‌شود و شاخص، خود مسأله یا فرد محقّق نیست، بلکه ملاک نظرگاه و روی‌آورد است و فضای حاکم بر تحقیق، سمانتیکی^{۱۹} است. در این فضا قرینه‌های مختلف مقالی و مقامی و قواعد زبانی و نحوی ابزارهایی هستند که با آنها ساختار جمله بررسی می‌شود و مقصود گوینده به‌دست می‌آید. و این بر خلاف فضای هرمنویتیکی^{۲۰} است. زیرا در آن لزومی ندارد که معنی در گرو قصد گوینده باشد و معنی نصیبی است که به مخاطب می‌رسد و مخاطب با دیالوگ می‌تواند راهی برای فهم باطن جملات بیابد. تفاوت اساسی بین این دو فضا آن است که در روی‌آورد هرمنویتیکی، ابزارهای دقیق و روش‌های نظام‌مند وجود ندارد، به خلاف فضای سمانتیکی

۱۸. سورة شوری، آیه ۲۳.

۱۹. Semantics.

۲۰. Hermeneutics.

که بر ابزارهای دقیق استوار است.^{۲۱}

روش گردآوری اطلاعات نیز، اسنادی کتابخانه‌ای است که گاهی به طور مستقیم به کتاب و کتابخانه مراجعه کرده‌ایم، و زمانی نیز از طریق سایت‌ها و نرم افزارهای موجود به منابع دست یافته‌ایم.

شایان ذکر است که آنچه نقل کرده‌ام از مدارک و منابع دست اول بوده است و آن را به چشم خویش دیده و بدون تصحیف و تحریف آورده‌ام، و هرگاه منبعی در دسترس نبوده و به ناچار محتوای آن را از نوشته‌های دیگران نقل کرده‌ام، به رسم امانت علمی مأخذ واسطه را نیز یادآوری نموده‌ام. و دیگر این که در تمامی منقولات این تحقیق، نام نویسنده، اسم کتاب و نشانی دقیق مطلب در زیرنویس همان صفحه درج شده است. و برای این که خوانندگان ارجمند به هنگام مراجعه در میان چاپ‌های متعدد این منابع سرگردان نشوند، در پایان اثر حاضر کتاب‌شناسی کامل همه این مدارک به ترتیب الفبا تنظیم گشته است. و به منظور درک ترتیب زمانی مصادر، در فصل کتاب‌شناسی تاریخ تولد و وفات نویسندگان در حدّ مقدور یادآوری شده است. و نیز، به هنگام نقل یک مطلب از چند منبع در متن یا زیرنویس، تقدّم زمانی رعایت شده است و نمایه این تحقیق نیز می‌تواند برای خوانندگان، رهگشا و مفید باشد.



۲۱. بنگرید به: احد فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، صص ۲۳۰ تا ۲۴۰.



فصل دوم
اصل حدیث کساء و اسناد آن
سرآغاز
۱-۲. نظریه بزرگانی از اهل سنت
۲-۲. نظریه بزرگانی از شیعه
۳-۲. راویان حدیث کساء
۱-۳-۲. طرق اهل سنت و راویان
۲-۳-۲. طرق شیعه و راویان



سرآغاز

اسناد حدیث اجتماع اهل بیت در زیر بالاپوش به اندازه‌ای فراوان است که به حدّ تواتر می‌رسد. و به سبب کثرت، نیازی به بررسی یکایک آنها نیست. در ضمن بزرگان بسیاری از فریقین در طول تاریخ و حتّی برخی از امامان به آن استناد و احتجاج نموده‌اند.^{۲۲} و به گواهی اکثر دانشمندان رجالی در تواتر، عدد ملاک نیست؛ بلکه محور تواتر حصول علم است و بس.^{۲۳}

و از طرف دیگر هیچ روایت صحیح معارض با روایت‌های حدیث کساء در منابع اسلامی به چشم نمی‌خورد. برای اثبات این ادّعا برخی از نظرهای بزرگان و اسناد و راویان هر دو مکتب را ارائه می‌دهیم.

۱-۲. نظریّه بزرگانی از اهل سنت

حاکم نیشابوری (۴۰۵ق) پس از نقل حدیث کساء از عبدالله بن جعفر می‌نویسد:

هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه.^{۲۴}

این حدیث به لحاظ اسناد صحیح است و بخاری و مسلم آن را نیاورده‌اند.

فخر رازی (۵۴۴ - ۶۰۶ق) می‌گوید:

واعلم أنّ هذه الرواية کالمُتَّفَق علی صَحَّتِها بین أهل التفسیر و الحدیث.^{۲۵}

و بدان به یقین این روایت همانند روایت متّفق بر صحتّ آن در میان اهل تفسیر و حدیث است.

ابن تیمیّه (۶۶۱ - ۷۲۸ق) می‌نویسد:

۲۲. نمونه آن در ۲-۳ طرق شیعه و راویان آمده است.

۲۳. بنگرید به: شیخ عبدالله مامقانی، مقباس الهدایه، (محمّدرضا مامقانی)،

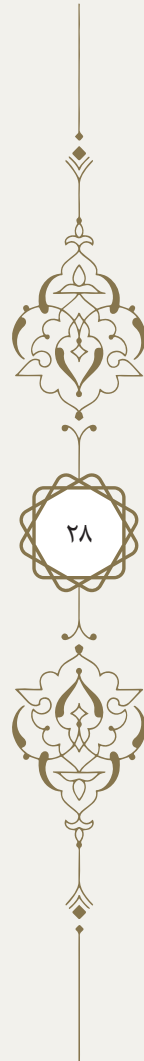
ج ۱، (قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۱ق)، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۸.

۲۵. مفاتیح الغیب، چاپ سوم، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق) ج

۸، ص ۲۴۷.





أَمَّا حَدِيثُ الْكِسَاءِ، فَهُوَ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَ التِّرْمِذِيُّ مِنْ حَدِيثِ
أُمِّ سَلَمَةَ وَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ.^{٢٦}

أَمَّا حَدِيثُ كِسَاءٍ، صَحِيحٌ اسْت. أَحْمَدُ وَ تِرْمِذِيُّ مِنْ حَدِيثِ أُمِّ سَلَمَةَ
أَنْ رَا رَوَايَتَ كَرْدَه‌اند. وَ مُسْلِمٌ نِيز اَنْ رَا رَوَايَتَ كَرْدَه‌ است.

۲-۲. نظریه بزرگانی از شیعه

محمّد تقی مجلسی (۱۰۰۳ - ۱۰۷۰ ق) می‌گوید:

وَ ظَاهِرُ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - أَنَّ الْآيَةَ
نَزَلَتْ فِي النَّبِيِّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْأُمَّةِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.^{٢٧}
وَ ظَاهِرُ أَخْبَارِ مُتَوَاتِرٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - اِنْ اسْت
كِه آیه درباره پیامبر و فاطمه و ائمه - صلوات الله عليهم اجمعين -
می‌باشد.

عبدالحسین امینی در ذیل این بیت ابو محمد عبدی کوفی
می‌نویسد:

لَوْ لَمْ يَكُنْ خَيْرٌ مِنْ وَطْأِ الْحِصَا مَاقَالَ جَبْرِيلُ لَهُمْ تَحْتَ الْعِبَادِ...
أَشَارَ إِلَى مَاوَرِدِ فِي لَفْظِ بَعْضِ رَوَاةِ حَدِيثِ الْكِسَاءِ الصَّحِيحِ
الْمُتَوَاتِرِ الْمُتَّفَقِ عَلَيْهِ مِنْ أَنَّهُ ﷺ أَدْرَجَ مَعَهُمْ جَبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ.^{٢٨}
اگر آنان بهترین مردمی که روی زمین قدم برداشتند نبودند،
جبرئیل به آنها که در زیر عبا بودند نمی‌گفت: ...

اشاره دارد به آنچه در عبارت برخی از راویان حدیث کسای
صحیح متواتر مورد اتفاق همه آمده است که پیامبر ﷺ
جبرئیل و میکائیل را با خاندان خود زیر کساء جا داد.

شیخ محمد فاضل مسعودی می‌گوید:

أَمَّا سَنَدُ حَدِيثِ الْكِسَاءِ، فَهُوَ فِي غَايَةِ الْمَتَانَةِ وَ الصَّحَّةِ، بَلْ يُعْتَبَرُ
مِنْ الْأَحَادِيثِ الْمُتَوَاتِرَةِ وَ لَيْسَ الْمَشْهُورَةِ، بَلْ هُوَ الْمُتَوَاتِرُ اللَّفْظِيُّ.
وَ يَكْفِي فِي ذَلِكَ أَنَّ رَوَايَاتِ جَمَّةٍ تَزِيدُ عَلَى سَبْعِينَ رَوَايَةً مِنْ
طَرِيقِ أَهْلِ السَّنَةِ تَرَوِي هَذَا الْحَدِيثَ الْمُبَارَكِ.^{٢٩}

۲۶. منهاج السنّة، ج ۳، ص ۴.

۲۷. روضة المتّقين، (تهران، بنیاد اسلامی کوشانپور) ج ۵، ص ۴۳۷.

۲۸. الغدير، ج ۲، (تهران، ۱۳۹۶ ق)، ص ۳۰۴.

۲۹. الأسرار الفاطميّة، (سید عادل علوی)، چاپ دوم، (قم: مؤسسه زائر، ۱۴۲۰ ق)،

ص ۱۹۸.

اما حديث شريف كساء در غایت متانت و درستی است، بلکه از احادیث متواتر به حساب می‌آید و مشهور نیست، بلکه متواتر لفظی است. و در این ادعا همین بس که روایات‌ها همگی افزون بر هفتاد روایت از طریق اهل سنت است که این حدیث مبارک را حکایت می‌کند.

سید کمال حیدری می‌گوید:

إِنَّ حَدِيثَ الْكِسَاءِ الَّذِي كَادَ أَنْ يَتَوَاتَرَ مضمونه لتعدّد رواته لدى الفريقين في جميع الطبقات، حافل بتطبيقاتها عليهم بالخصوص.^{۳۰} به یقین حدیث کساء که نزدیک است مضمونش به تواتر رسد به خاطر تعدّد روایانش در همه طبقات روات در نزد اهل سنت و شیعه، دربرگیرنده این است که آیه تطهیر فقط بر اهل بیت تطبیق می‌کند.

محمد حیات انصاری درباره حدیث کساء می‌نویسد:

هذا حدیث صحیح و لیس بعید أن یكون متواتراً لكثرة طرقه.^{۳۱} این حدیث صحیح است، و بعید نیست که به خاطر فراوانی طرقش متواتر هم باشد.

سید ثامر هاشم عمیدی می‌گوید:

إِنَّ حَدِيثَ الْكِسَاءِ الْمُتَوَاتِرَ يُؤَكِّدُ عَلَى حصر مراد الآية بالخمسَةِ أَهْلِ الْكِسَاءِ: و إخراج من عداهم عنها.^{۳۲}

به یقین حدیث متواتر کساء بر این تأکید دارد که مراد آیه تطهیر منحصر در پنج تن اهل کساء است و جز آنان از اهل کساء بیرون است.

سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در تقریظ خود بر کتاب «آیه التطهیر من احادیث الفريقین» می‌نویسد:

إِنَّ اجتماع الذات المقدسة و هم النبى الأكرم و صهره المكرم و بضعته الكريمة و شبلاه تحت الكساء و نزول آية التطهير من

۳۰. علم الامام، (شیخ علی حمود عبادی)، چاپ اول، (قم: دارفراقة، ۱۴۲۹ق)، ص ۳۸.

۳۱. فضائل اهل بیت، خط مؤلف، (قم: نرم افزار کتابخانه اهل بیت: ص ۴۰).

۳۲. دور الشيخ الطوسي قدس سره في علوم الشريعة الاسلامية، مجله تراثنا،

ش ۴، سال ۱۳، ص ۵۹.



المتواترات المعنوية التي لأظن أن يرتاب أحد فيها إلا من كان
سوفسطائياً منكرًا للضروريات و البديهيات.^{٣٣}
به یقین گرد هم آمدن ذوات مقدس پیامبر اکرم و داماد
مکرمش و پاره تش و دو فرزندش در زیر کساء و نزول آیه
تطهیر از متواترات معنوی است و بر این پندار نیستیم که
کسی در آن شک کند جز این که سوفسطائی منکر ضروریات
و بدیهیات باشد.

۳-۲. راویان حدیث کساء
علامه سید محمدحسین طباطبائی در باب روایت‌های شأن
نزول آیه تطهیر می‌نویسد:

... و هی روایات جمّة تزید علی سبعین حدیثاً یربو ما ورد منها
من طریق أهل السنة علی ما ورد منها من طرق الشيعة؛ فقد
روتها أهل السنة بطرق كثيرة عن أمّ سلمة و عائشة و أبي سعيد
الخدري و سعد و واثلة بن الأسقع و أبي الحمراء و ابن عباس
و ثوبان مولى النبي و عبدالله بن جعفر و عليّ و الحسن بن
عليّ عليهم السلام فی قریب من أربعین طریقاً.

وروتها الشيعة عن عليّ و السجاد و الباقر و الصادق و الرضا عليهم السلام
و أم سلمة و أبي ذرّ و أبي ليلى و أبي الأسود الدئليّ و عمرو بن
ميمون الأودي و سعد بن أبي وقاص فی بضع و ثلاثین طریقاً.^{۳۴}
... و آن‌ها روایت‌های فراوان است که افزون بر هفتاد حدیث
می‌باشد که مقدار آن‌ها از طرق اهل سنت بیشتر از طرق
شیعه است.

اهل سنت آن‌ها را از طرق فراوانی از امّ سلمه، عایشه، ابوسعید
خدري و سعد و واثلة بن اسقع و ابوالحمراء، ابن عباس و
ثوبان غلام آزاد شده رسول خدا ﷺ و عبدالله بن جعفر و
علي و حسن بن علي عليهم السلام و به طور تقریبی از چهل
طریق آورده‌اند.

۳۳. سیدعلی موحد ابطحي، آیه التطهیر فی احادیث الفريقین، چاپ اول (قم):

۱۴۰۴ق) ج ۱، ص ۶.

۳۴. المیزان، (قم: جامعه مدرّسین، ۱۴۱۷ق)، ج ۱۶، ص ۳۱۱.



و شیعه آن را از حضرت علی، امام سجّاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام و از امّ سلمه، ابوذر، ابولیلی، ابوالاسود دثلی، عمرو بن اودی و سعد بن ابی وقاص از سی و چند طریق آورده است.

۲-۳-۱. طرق اهل سنت و راویان

الف) مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری به سند خود از عایشه: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ ثَمِيرٍ (و اللفظ لأبي بكر) قالوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشْرٍ عَنْ زَكَرِيَّا، عَنْ مُصْعَبِ بْنِ شَيْبَةَ عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ شَيْبَةَ قَالَتْ: قَالَتْ عَائِشَةُ: خَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ غَدَاةً وَ عَلَيْهِ مِرْطٌ مَرْحَلٌ مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ، فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ. ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ. ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا. ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ فَأَدْخَلَهُ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.^{۳۵}

حدیث کرد ما را ابوبکر بن ابی شیبہ و محمد بن عبدالله بن نمیر (ولفظ از ابوبکر است) گفتند: حدیث کرد ما را محمد بن بشر از زکریّا از مصعب بن شیبہ از صفیّه بنت شیبہ که گفت: عایشه گفت: پیامبر ﷺ صبحگاهان بیرون آمد و بر او بالاپوشی از موی سیاه بود که حسن بن علی وارد شد و او را داخل بالاپوش کرد. آن گاه حسین آمد و او نیز زیر بالاپوش شد. سپس فاطمه آمد و او را هم داخل بالاپوش وارد کرد. و پس از آن علی آمد و او را هم داخل بالا پوش نمود. در آن حال فرمود: جز این نیست که خدا می خواهد هر گونه پلبیدی را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک و پاکیزه قرار دهد.

ب) حاکم نیشابوری به سند خود از واثله بن الأسقع:

حَدَّثَنَا أَبُو الْعَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثنا الرَّبِيعُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْمُرَادِيُّ وَ بَحْرَبْنِ نَصْرَ الْخَوْلَانِيُّ قَالَا: ثنا بَشْرُ بْنُ بَكْرٍ وَ ثنا الْأَوْزَاعِيُّ، حَدَّثَنِي أَبُو عَمَارٍ، حَدَّثَنِي وَائِلَةُ بْنُ الْأَسْقَعِ: أَتَيْتُ عَلِيًّا فَلَمْ أَجِدْهُ، فَقَالَتْ لِي فَاطِمَةُ: انْطَلِقْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَدْعُوهُ. فَجَاءَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَدَخَلَا وَ دَخَلَتْ مَعَهُمَا، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



الحسن و الحسين فأقعد كل واحد منهما على فخذه و أدنى فاطمه من حجره و زوجها، ثم لفّ عليهم ثوباً و قال: إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً. ثم قال: هؤلاء أهل بيتي، اللهم أهل بيتي أحقّ.^{٣٦}

به سراغ علی رفتیم ولی او را نیافتیم. فاطمه به من گفت: برو نزد رسول خدا ﷺ که او را می‌خواند. پس او با رسول خدا آمد و هر دو داخل شدند و من هم با آنان داخل شدم. آن‌گاه رسول خدا ﷺ حسن و حسین را فرا خواند و هر یک از آن دو را در آغوش گرفت و فاطمه و همسرش را نزدیک خود نمود و آن‌گاه لباسی را بر خودشان پیچاند و فرمود: جز این نیست که خدا می‌خواهد هر گونه پلیدی را از شما اهل بیت دور نماید و شما را پاک و پاکیزه قرار دهد. سپس فرمود: اینان اهل بیت منند. خدایا اهل بیت من سزاوارترند.

گفتنی است دانشوران زیر هر کدام به سند یا سندهای خود حدیث کساء را از واثله بن الاسقع نقل کرده اند:^{٣٧}
احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۱۰۷.
الهیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۶.
ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، ج ۷، ص ۵۰۱.
الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۵۶.
القندوزی الحنفی، الحافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودّة، ص ۲۲۹.
ابن المغازلی، الحافظ ابوالحسن علی محمد، مناقب علی بن

۳۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۷ و می‌افزاید: این حدیث صحیح طبق شرط شیخین است ولی آن دو این حدیث را نیاورده‌اند. و باید دانست که قول مؤلف این کتاب مبنی بر عدم ذکر حدیث فوق در صحیح مسلم غفلی است که به اعتراف دانشوران اهل سنت در موارد بسیاری از وی صورت گرفته است. بنگرید به: www.sunnah.org و www.ibnamin.com

۳۷. برای آگاهی از روایت‌های دانشوران دیگر از واثله بن الاسقع بنگرید به:
- سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، شرح إحقاق الحق، (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)، ج ۹، ص ۱-۷ و ۵۹۳، و ج ۱۴، ص ۵۳.
- سیدعلی موحد ابطی، آیه التطهیر فی أحادیث الفريقین، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۸۱.

ابی طالب علیه السلام، ص ۳۵.
الحسکانی الحنفی، الحافظ عبیدالله بن عبدالله، شواهد
التنزیل، ج ۲، ص ۶۴-۷۳.

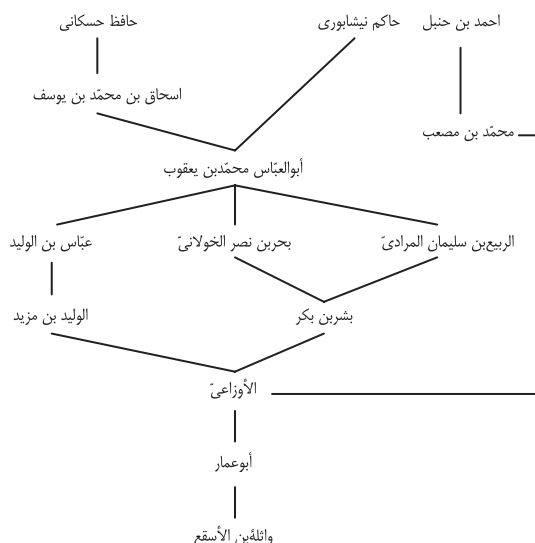
ج (حافظ حسکانی (سده ۵ ق) حدیث کساء را با اسناد فراوان
از صحابیان زیر:

۱. براء بن عازب انصاری، ۲. جابر بن عبدالله انصاری، ۳. حسن
بن علی علیه السلام، ۴. سعد بن ابی الوقاص الزهری، ۵. ابوسعید
خدری، ۶. عبدالله بن عباس، ۷. امیرالمؤمنین علیه السلام،
۸. عبدالله بن جعفر طیار، ۹. عائشه، ۱۰. واثلة بن اسقع، ۱۱.
ابوالحمراء هلال بن حارث خادم النبی ﷺ، ۱۲. فاطمة الزهرا
سلام الله علیها، ۱۳. ام سلمه.^{۳۸}

د) حافظ احمد بن عبدالله ابونعیم اصفهانی (۴۳۰ ق) به اسناد
خود از ام سلمه.^{۳۹}

و اینک نمودار برخی از آن اسناد که پیش تر آمده است:

۳۸. شواهد التنزیل، (شیخ محمدباقر محمودی)، چاپ اول، (تهران: مؤسسه الطبع
و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۱ ق) ج ۲، صص ۱۲۶ - ۱۴۰.
۳۹. النور المشتعل، (شیخ محمدباقر محمودی)، چاپ اول، (تهران: وزارت
ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ق)، صص ۱۷۵ و ۱۷۶. برای آگاهی از روایت های دیگر
دانشمندان اهل سنت از صحابیان بنگرید به: سیدشهاب الدین مرعشی نجفی،
شرح إحقاق الحق، ج ۲، صص ۵۰۱ - ۵۱۲ و ج ۳، صص ۵۱۳-۵۳۱ و ج ۹، صص
۸۵ و ج ۱۴، صص ۴۰ - ۱۰۵ و ج ۱۸، صص ۳۵۹ - ۳۸۳ و ج ۲۴، صص ۲۶-۱۰۵ و
۳۷۹ - ۳۸۶ و ج ۲۶، صص ۲۲۳ - ۲۴۲. و سید علی موحد ابطحی، آیه التطهیر فی
أحادیث الفريقین، ج ۱ و اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، الموسوعة الکبری عن
فاطمة الزهراء، چاپ دوم، (قم: دلیل ما، ط ۲، ۱۴۲۹ ق)، ج ۱۹، صص ۳۷۴ - ۴۸۶.



۲-۳-۲. طرق شیعه و راویان

الف) شیخ محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ ق) به سند زیر نقل می‌کند:

علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس و علی بن محمد عن سهل بن زیاد أبی سعید عن محمد بن عیسی عن یونس عن ابن مسکان عن أبی بصیر قال: ... قال أبو عبد الله عليه السلام: ... فَلَوْ سَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يَبَيِّنْ مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ، لَادَّعَاهَا آلُ فُلَانٍ وَ آلُ فُلَانٍ؛ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ تَصْدِيقاً لِنَبِيِّهِ ﷺ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. فَكَانَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَأَدَّاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَحْتَ الْكِسَاءِ فِي بَيْتٍ أُمِّ سَلَمَةَ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلاً وَ ثَقْلاً، وَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ ثَقْلِي. فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِكَ؟

فَقَالَ: إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ وَ لَكِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي وَ ثَقْلِي.^{۴۰}

... اگر رسول خدا ﷺ سکوت می‌کرد و بیان نمی‌کرد که اهل بیت چه کسانی هستند، آل فلان و آل فلان مدعی



منزلت آنان می‌شدند؛ ولیکن خدای عزوجل در کتاب خود نازل کرد: «جز این نیست که خداوند می‌خواهد هر گونه پلیدی را از خاندان شما دور کند و شما را پاک و پاکیزه سازد». پس علی، حسن، حسین و فاطمه بودند. سپس رسول خدا ﷺ در خانه امّسلمه آنان را در زیر بالاپوش داخل کرد و آن‌گاه فرمود: خدایا هر پیامبری را خاندان و عزیزی باشد و اینان خاندان و عزیزان من باشند.

امّسلمه گفت: آیا من از خاندان شما نیستم؟

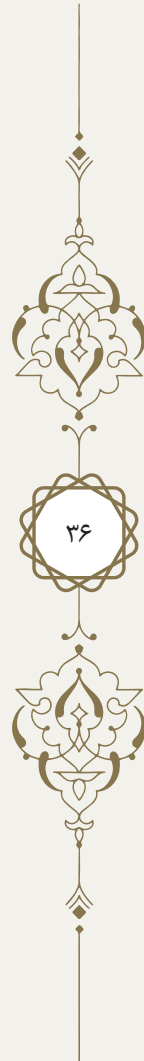
فرمود: توبه سوی خیر هستی ولی اینان خاندان و عزیزان منند. این حدیث از نظر سلسله سند به حضرت صادق علیه السلام متصل است و راویان آن به گواهی کتاب‌های رجال یا بر پایه تحقیقات رجالی، ثقة می‌باشند. و طبق نظر قدمای از دانشمندان شیعی نظر به این که این حدیث دارای قرائن صحت، از جمله روایت آن در کافی است صحیح می‌باشد.^{۴۱} ولی با این حال وثاقت یکایک راویان آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. علی بن ابراهیم: او به گواهی نجاشی در حدیث ثقة و صحیح المذهب است و کلینی او را محور اجزای کافی قرار داده است و او از مصادر توثیق رجال می‌باشد.^{۴۲}
۲. محمد بن عیسی بن عبید بن یقطين: نجاشی او را ثقة، عین، کثیر الروایه و حسن التصانیف دانسته است.^{۴۳}
۳. یونس: یونس بن عبد الرحمن است. و به گواهی نجاشی او در میان اصحاب ما وجه، متقدم و عظیم المنزله است و حضرت رضا علیه السلام در علم و فتوا او را مورد اشاره قرار

۴۱. بنگرید به: محمد بن الحسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، (قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق)، ج ۳۰، صص ۱۹۱ - ۲۱۸ و ۲۴۹ - ۲۶۵ و علی نمازی شاهرودی، الاعلام الهادیة فی اعتبار الكتب الاربعة (مشهد: ۱۳۹۷ ق).

۴۲. بنگرید به: رجال النجاشی، (سیدموسی شیرازی)، (قم: جامعه مدرسین)، ص ۲۶۰ و حسین مظاهری، الثقات الاخیار، (مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء اسلام الله علیها، ۱۳۸۵ش)، ص ۲۵۰.

۴۳. بنگرید به: رجال النجاشی، ص ۳۳۳.



می‌داد و برخی را به او ارجاع می‌فرمود.^{۴۴}

۴. علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی، معروف به علان: از مشایخ محمد بن یعقوب کلینی است و از او در همه اجزای کافی بسیار روایت آورده است و آیت الله خویی به وثاقت وی حکم می‌کند.^{۴۵}

۵. سهل بن زیاد ابوسعید: درباره وی اختلاف کرده‌اند ولیکن او ثقة می‌باشد و بزرگان اهل حدیث از وی روایت می‌کنند و از وی در کتب اربعه بیش از دو هزار حدیث روایت شده است. گر چه احمد بن محمد بن عیسی به او نسبت غلو داده است و او را از قم بیرون کرده است و همین منشأ شهرت او به ضعف شده است، با این حال روایات او را که غلو آمیز دانسته‌اند، از مزیت‌های او به شمار می‌رود؛ از این رو ابن قولویه، علی بن ابراهیم، وحید بهبهانی، بحر العلوم و صاحب وسائل او را توثیق کرده‌اند.^{۴۶}

۶. ابن مسکان: عبدالله بن مسکان است و از اصحاب اجماع به شمار می‌رود و نجاشی وی را توثیق کرده است.^{۴۷}

۷. ابوبصیر: این نام به چند تن از اصحاب امامان باقر و صادق علیهما السلام اطلاق می‌شود: ۱. عبدالله بن محمد اسدی، ۲- لیث بن البختری مرادی، ۳- یحیی بن ابی القاسم اسدی؛ و همگی ثقة و از بزرگانند.^{۴۸}

و نمودار سند فوق چنین است:

۴۴. بنگرید به: رجال النجاشی، ص ۴۴۶، و سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال

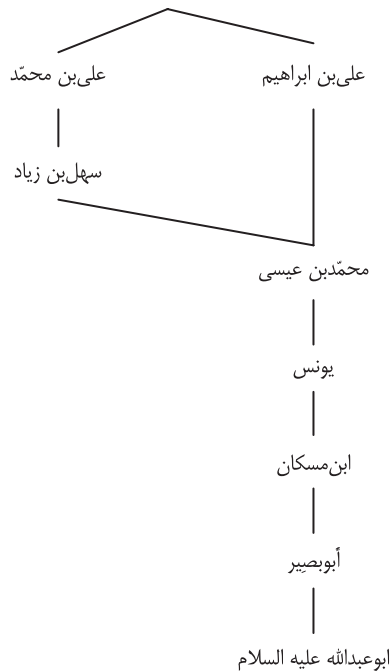
الحدیث، چاپ پنجم (۱۴۱۳ق)، ج ۲۰، ص ۱۹۹.

۴۵. بنگرید به: معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۱۲۷.

۴۶. بنگرید به: حسین مظاهری، الثقات الاخیار، ص ۱۹۲، ش ۶۶۹.

۴۷. بنگرید به: محمد بن الحسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۳۷۵ و ابوالعباس نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۱۴.

۴۸. بنگرید به: علی غازی شاهرودی، مستدرکات علم الرجال، چاپ اول (۱۴۱۵ق)، ج ۸، ص ۳۴۰.



(ب) سليم بن قيس هلالی (۷۶ق) از امیرالمؤمنین علیہ السلام:
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّعَلَّمُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِي كِتَابِهِ: إِنَّمَا
 يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.
 فَجَمَعَنِي رَسُولُ اللَّهِ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فِي كِسَاءٍ ثُمَّ
 قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَجَّتِي وَ عِزَّتِي وَ ثَقَلِي وَ خَاصَّتِي وَ أَهْلُ بَيْتِي،
 فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.
 فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَ أَنَا؟ فَقَالَ لَهَا ﷺ: وَ أَنْتِ إِلَى خَيْرٍ. إِنَّمَا أَنْزَلْتَ
 فِي وَ فِي أَخِي عَلِيٍّ وَ فِي ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ فِي ابْنَتِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ
 وَ فِي تِسْعَةٍ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ خَاصَّةً لَيْسَ فِيهَا مَعَنَا أَحَدٌ غَيْرَنَا.
 فَقَامَ جُلُ النَّاسِ فَقَالُوا نَشْهَدُ أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ حَدَّثَتْنَا بِذَلِكَ فَسَأَلْنَا
 رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَحَدَّثَنَا كَمَا حَدَّثَتْنَا أُمُّ سَلَمَةَ. ^{۴۹}

۴۹. کتاب سلیم بن قیس هلالی، (محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی)، چاپ دوم، (قم: هادی، ۱۴۱۶ق)، ج ۲، ص ۷۱۱. و همو نزدیک به همین مضمون را در ص



ای مردم آیا می‌دانید که خدای تبارک و تعالی در کتابش این آیه را فرستاد: خداوند اراده می‌کند که هر پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

رسول خدا مرا و فاطمه و حسن و حسین را در عبائی گردهم آورد، و عرض کرد: خدایا، اینان محبوبان من و عترت من و یادگاران ارزشمند من و خاصان من و اهل بیت منند، هر پلیدی را از اینان ببر و ایشان را پاک و پاکیزه گردان.

امّسلمه گفت: آیا من نیز هستم؟ حضرتش فرمود: تو رو به خیر هستی، ولی این آیه، تنها درباره من و برادرم علی و دخترم فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین نازل شده است؛ و هیچ کس جز ما در این مورد با ما نیست.

همه افراد حاضر برخاستند و گفتند: ما گواهی می‌دهیم که امّسلمه این حدیث را برای ما نقل کرد و ما از رسول خدا ﷺ پرسیدیم، آن حضرت نیز هم چنان که امّسلمه گفته بود برای ما بیان کرد.

این روایت را شیخ محمد بن ابراهیم نعمانی (سده ۴ قمری) به سند زیر از کتاب سلیم بن قیس نقل می‌کند:

مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ عَقْدَةَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ
بْنِ سُهَيْلٍ وَ عَبْدِ الْعَزِيزِ وَ عَبْدُ الْوَاحِدِ ابْنَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ
الْمَوْصِلِيُّ عَنْ رَجَالِهِمْ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ
عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ، وَ أَخْبَرَنَا بِهِ مِنْ غَيْرِ
هَذِهِ الطَّرِيقِ هَارُونُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ
جَعْفَرِ بْنِ الْمُعَلَّى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَمْرُو بْنُ
جَامِعٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ حَرْبٍ الْكِنْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ
شَيْخٌ لَنَا كُوفِيٌّ ثَقَفٌ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ هَمَّامٍ شَيْخُنَا عَنْ
مُعْمَرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهَلَالِيِّ، وَ ذَكَرَ أَبَانَ
أَنَّهُ سَمِعَهُ أَيْضًا عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ مَعْمَرٌ وَ ذَكَرَ أَبُو هَارُونَ

الْعَبْدِيُّ أَنَّهُ سَمِعَهُ أَيْضاً عَنْ عُمَرُ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ سُلَيْمٍ.^{۵۰}

(ج) سید شرف‌الدین علی حسینی استر آبادی (سده ۱۰ق) به سند زیر از امیرالمؤمنین علیه السلام،

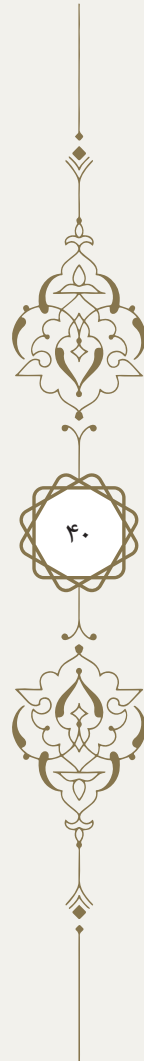
قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ -رَحِمَهُ اللَّهُ-: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَشَّارٍ الْهَاشِمِيِّ، عَنْ قَيْسِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَعَشِيِّ، عَنْ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ، عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَأَتَى بِحَرِيرَةٍ قَدَعَا عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ: فَأَكَلُوا مِنْهَا. ثُمَّ جَلَلَتْ عَلَيْهِمْ كِسَاءٌ خَيْرِيًّا ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَ أَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ.^{۵۱}

رسول خدا ﷺ در خانه ام سلمه بود که برای آن حضرت حلوا آوردند. ایشان علی و فاطمه و حسن و حسین را فرخواند و آنان از آن میل کردند. آن گاه کسای خیریری را بر سر آنان انداخت و فرمود: جز این نیست که خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. ام سلمه عرض کرد: و من هم از آنانم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو به سوی خیر خواهی بود.

(د) ابوالقاسم فرات کوفی (۳۰۷ق) به سند زیر از شهر بن حوشب، حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَكَمِ الْحَبْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مَرْيَمَ قَالَ: حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ أَبِي عَوْفٍ عَنْ شَهْرِبَنْ حَوْشَبٍ قَالَ: أَتَيْتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَةَ النَّبِيِّ ﷺ لِأَسْلَمَ عَلَيْهَا فَقُلْتُ: أَمَا رَأَيْتَ هَذِهِ الْآيَةَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾؟ قَالَتْ: أَنَا وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى مَنَامَةٍ لَنَا تَحْتَنَا كِسَاءٌ خَيْرِيٍّ، فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ وَ مَعَهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَخَّارٌ فِيهِ حَرِيرَةٌ، فَقَالَ:

۵۰. الغيبة، (علی اکبر غفاری)، (تهران: صدوق)، صص ۶۸ - ۷۲.

۵۱. تأویل الآيات الظاهرة، چاپ اول، (قم: مدرسة الإمام المهدی، ۱۴۰۷ق)،



أَيْنَ ابْنِ عَمِّكَ؟ قَالَتْ: فِي الْبَيْتِ. قَالَ: فَأَذْهَبِي فَأَذْعِيهِ. قَالَتْ:
فَدَعْتُهُ فَأَخَذَ الْكِسَاءَ مِنْ تَحْتِنَا فَعَطَفَهُ فَأَخَذَ جَمِيعَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ:
هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً. وَ أَنَا
جَالِسَةٌ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَايَ أَنْتَ وَ
أُمِّي فَأَنَا؟ قَالَ: إِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ وَ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرُّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً﴾ فِي النَّبِيِّ
ﷺ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْحَسَنَ.^{٥٢}

من نزد امّ سلمه، همسر پیامبر ﷺ رفتم تا بر او سلام دهم.
عرض کردم: ای مادر مؤمنان، آیا این آیه را ندیده‌ای: «جز
این نیست که خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل
بیت ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند؟» امّ سلمه گفت:
من و رسول خدا ﷺ در بستر خواب بودیم و زیر ما کسای
خیبری قرار داشت. آن گاه فاطمه به همراه حسن و حسین:
آمد و ظرفی از حلوا در دست داشت. پیامبر ﷺ فرمود:
پسرعمّت کجاست؟ فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: در خانه.
آن حضرت فرمود: برو و او را دعوت کن. امّ سلمه گفت:
فاطمه سلام الله علیها او را فراخواند و حضرتش کساء را از زیر ما
برگرفت و بر سر آنان پهن کرد، آن گاه همه آن را در دست
گرفت و گفت: اینان اهل بیت منند، پس هرگونه پلیدی را از
آنان ببر و آنان را پاک و پاکیزه گردان. من پشت سر رسول
خدا ﷺ نشسته بودم و عرض کردم: ای رسول خدا، پدر و
مادرم فدایت باد! پس من چطور؟ فرمود: به راستی تو به خیر
خواهی بود. و این آیه دربارهٔ پیامبر ﷺ و علی و فاطمه و
حسن و حسین: نازل شد: «جز این نیست که خدا می‌خواهد
هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و
پاکیزه گرداند».

هـ) شیخ صدوق (۳۸۱ق) به سند زیر آورده است:
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِي وَ عَلِيُّ بْنُ
مُوسَى الدَّقَاقِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامٍ الْمُكْتَبِ

وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، قَالُوا: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: حَدَّثَنَا هَيْمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَكِيمٍ عَنْ ثَوْرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مَكْحُولٍ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفِظُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ ﷺ أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنَقِبَةٌ إِلَّا وَ قَدْ شَرَكْتُهُ فِيهَا وَ فَضَّلْتُهُ وَ لِي سَبْعُونَ مَنَقِبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ.

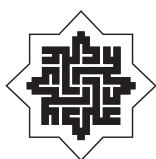
قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَأَخْبِرْنِي بِهِنَّ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

... وَ أَمَّا السَّبْعُونَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَامَ وَ نَوْمِي وَ زَوْجَتِي فَاطِمَةُ وَ ابْنَتِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ أَلْقَى عَلَيْنَا عَبَاءَةً قَطْوَانِيَّةً. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهَا: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾. وَ قَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا مِنْكُمْ يَا مُحَمَّدٌ. فَكَانَ سَادِسَتَا جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^{۵۳}

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: از اصحاب پیغمبر محمد ﷺ آنان که مطالب را نیک به خاطر می‌سپارند، می‌دانند که در میان آنان مردی نیست که دارای منقبتی باشد مگر اینکه من شریک او بوده‌ام و بر او برتری داشتم ولی هفتاد منقبت مرا است که هیچ یک از آنان در آن شریک نیستند.

عرض کردم: یا امیر المؤمنین، مرا از آن‌ها خبر ده. آن حضرت فرمود:

و اما هفتادم این که رسول خدا ﷺ خود خوابید و مرا و همسر فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین را خوابانید و عباۃ قَطْوَانِی خود را به روی همگی افکند. آن‌گاه دربارهٔ ما این آیه نازل شد: همانا خداوند خواسته است که هر گونه پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. جبرئیل عرض کرد: یا محمد من هم از شما هستم. پس نفر ششم ما جبرئیل گردید.



فصل سوم
متن رایج حدیث کساء و سند آن

- ۱-۳. متن رایج حدیث کساء
۲-۳. نظریهٔ مراجع، فقها و دانشوران
۳-۳. بررسی سند حدیث رایج کساء
۴-۳. بررسی متن رایج حدیث کساء



۳ - ۱. متن رایج حدیث کساء

شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی در حاشیه نسخه اصلی عوالم العلوم موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و همچنین در حاشیه نسخه موجود در کتابخانه حجة الاسلام میرزا سلیمان یزد می نویسد:

رَأَيْتُ بَخْطَ الشَّيْخِ الْجَلِيلِ السَّيِّدِ هَاشِمٍ، عَنْ شَيْخِهِ السَّيِّدِ
مَاجِدِ الْبَحْرَيْنِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ زَيْنِ الدِّينِ الشَّهِيدِ الثَّانِي،
عَنْ شَيْخِهِ الْمُقَدَّسِ الْأُرْدَبِيلِيِّ، عَنْ شَيْخِهِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَالِيِّ
الْكُرْكِيِّ، عَنْ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ هَلَالِ الْجَزَائِرِيِّ، عَنْ الشَّيْخِ أَحْمَدَ بْنِ
فَهْدِ الْحَلِّيِّ، عَنْ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ الْخَازَنِ الْحَاضِرِيِّ، عَنْ الشَّيْخِ
ضِيَاءِ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ الشَّهِيدِ عَلِيِّ بْنِ الشَّهِيدِ الْأَوَّلِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ
فَخْرٍ الْمُحَقِّقِينَ، عَنْ شَيْخِهِ الْعَلَّامَةِ الْحَلِّيِّ، عَنْ شَيْخِ الْمُحَقِّقِ، عَنْ
شَيْخِهِ ابْنِ هَمَّالٍ الْحَلِّيِّ، عَنْ شَيْخِهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسِ الْحَلِّيِّ، عَنْ
ابْنِ حَمْزَةَ الطُّوسِيِّ صَاحِبِ «ثَاقِبِ الْمَنَاقِبِ»، عَنْ الشَّيْخِ الْجَلِيلِ
مُحَمَّدِ بْنِ شَهْرَآشُوبٍ، عَنْ الطُّوسِيِّ صَاحِبِ «الْإِحْتِجَاجِ»، عَنْ
شَيْخِهِ الْجَلِيلِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ، عَنْ أَبِيهِ
شَيْخِ الطَّائِفَةِ، عَنْ شَيْخِ الْمَفِيدِ، عَنْ شَيْخِهِ ابْنِ قَوْلُوبِ الْقُمِيِّ،
عَنْ شَيْخِهِ الْكَلِينِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، [عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ] بِنِ
هَاشِمٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزَنْطِيِّ، عَنْ قَاسِمِ بْنِ
يَحْيَى الْجَلَاءِ الْكُوفِيِّ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبِ الْبَكْرِيِّ،
عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدِ الْجَعْفِيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ
فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَمِعْتُ
فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ:

دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
فَاطِمَةُ. فَقُلْتُ: عَلَيْكَ السَّلَامُ. قَالَ: إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا.
فَقُلْتُ لَهُ: أَعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ. فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ،
إِيتِينِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَغَطِّينِي بِهِ. فَأَتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ
فَغَطَّيْتُهُ بِهِ وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ إِذَا وَجْهُهُ يَتَلَأَلُو كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي
لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَ إِذَا بَوَلَدِي الْحَسَنُ قَدْ أَقْبَلَ وَ قَالَ: السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أُمَاهُ! فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي!



فَقَالَ: يَا أُمَاهُ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ. فَقُلْتُ: نَعَمْ؛ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ. فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا صَاحِبَ حَوْضِي! قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَ إِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَاهُ! فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ هَمَّةَ فُؤَادِي! فَقَالَ لِي: يَا أُمَاهُ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. فَقُلْتُ: نَعَمْ؛ إِنَّ جَدَّكَ وَ أَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ. فَدَنَى الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَاهُ! السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ! أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا شَافِعَ أُمْتِي! قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ! فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ. فَقُلْتُ: نَعَمْ؛ هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ. فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ قَالَ لَهُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي يَا وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي وَ صَاحِبَ لَوَائِي! قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلَ عَلِيٌّ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَ قُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ قَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَ يَا بَضْعَتِي! قَدْ أَذِنْتُ لَكَ. فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعاً تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَيُّ رَسُولِ اللَّهِ بِطَرَفِي الْكِسَاءِ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي، لِحْمِهِمْ لَحْمِي وَ دَمُهُمْ دَمِي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ وَ يَحْزَنُنِي مَا يَحْزَنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبُهُمْ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ؛ إِنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ. فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ غُفْرَانَكَ وَ رِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ وَ أَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سَكَّانَ سَمَاوَاتِي، إِنِّي مَخْلَقْتُ
سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَ لَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَ لَا قَمَراً مُنِيراً وَ لَا شَمْساً مُضِيئَةً
وَ لَا فَلَكَاً يَدُورُ وَ لَا بَحْراً يَجْرِي وَ لَا فَلَكَاً يَسْرِي إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ
الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ، وَ مَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟
فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ، هُمْ فَاطِمَةُ
وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا.

فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونُ مَعَهُمْ
سَادِساً؟

فَقَالَ اللَّهُ: نَعَمْ؛ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْوَعْدُ
الْأَعْلَى يُفْرِتُكَ السَّلَامُ وَ يَخْصُكَ بِالتَّحِيَّةِ وَ الْإِكْرَامِ وَيَقُولُ لَكَ:
«وَعَزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَخْلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَ لَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَ لَا
قَمَراً مُنِيراً وَ لَا شَمْساً مُضِيئَةً وَ لَا فَلَكَاً يَدُورُ وَ لَا بَحْراً يَجْرِي وَ لَا
فَلَكَاً يَسْرِي إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ.» وَ قَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ،
فَهَلْ تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيِّ اللَّهَ! إِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ
أَذِنْتُ لَكَ.

فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ لِأَيِّ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى
إِلَيْكُمْ يَقُولُ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.

فَقَالَ عَلِيُّ لِأَيِّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُوسَنَا هَذَا تَحْتَ
الْكِسَاءِ مِنْ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟

فَقَالَ النَّبِيُّ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيّاً، مَا
ذَكَرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ
شَيْعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا إِلَّا وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ
وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا.

فَقَالَ عَلِيُّ: إِذَا وَ اللَّهُ فُرْنَا وَ فَازَ شَيْعَتُنَا وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ.

فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِياً: يَا عَلِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً وَاصْطَفَانِي
بِالرِّسَالَةِ نَجِيّاً، مَا ذَكَرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ
وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا وَ فِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَ فَرَّجَ اللَّهُ

هَمَّهُ، وَ لَا مَعْمُومٌ إِلَّا وَ كَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَ لَا طَالِبٌ حَاجَةً إِلَّا وَ قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.

فَقَالَ عَلِيُّ: إِذَا وَاللَّهِ قُرْنَا وَ سَعِدْنَا، وَ كَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَارُؤَا وَ سَعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَبِّ الْكُتُبَةِ.^{۵۴}

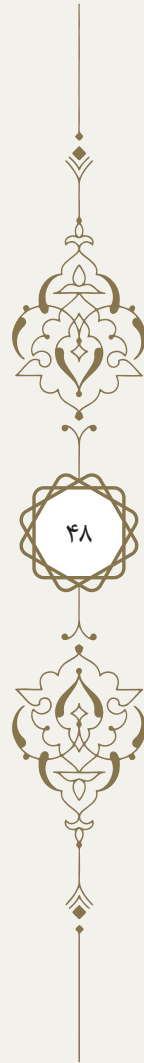
دیدم به خط شیخ جلیل سیدهاشم از شیخ سید ماجد بحرانی، از حسن بن زین الدین شهید ثانی، از شیخ مقدس اردبیلی، از شیخ علی بن عبدالعالی کرکی، از شیخ علی بن هلال جزائری، از شیخ احمد بن فهد الحلّی، از شیخ علی بن خازن حائری، از شیخ ضیاء الدین علی بن شهید اول، از پدرش، از فخرالمحققین، از شیخ علامه حلّی، از شیخ محقق، از شیخ ابن نما حلّی، از شیخ محمد بن ادریس حلّی، از ابن حمزه طوسی صاحب ثاقب المناقب، از شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب، از طبرسی صاحب احتجاج، از شیخ جلیل حسن بن محمد بن حسن طوسی، از پدرش شیخ الطائفه، از شیخ مفید، از شیخ ابن قولویه قمی، از شیخ کلینی، از علی بن ابراهیم، [از پدرش ابراهیم] بن هاشم، از احمد بن محمد بن ابونصر بزنطی، از قاسم بن یحیی جلاء کوفی، از ابوبصیر، از ابان بن تغلب بکری، از جابر بن یزید جعفری، از جابر بن عبدالله انصاری، از فاطمه زهرا سلام الله علیها دخت رسول خدا ﷺ که گفت: شنیدم از فاطمه سلام الله علیها که فرمود:

پدرم رسول خدا روزی بر من وارد شد و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه. عرض کردم: بر تو باد سلام. فرمود: ضعیفی در بدن خود می یابم. عرض کردم: تو را از ضعف در پناه خدا قرار می دهم ای پدر. پس فرمود: ای فاطمه! کسای یمانی را پیش من بیاور و مرا با آن بپوشان. پس کسای یمانی را آوردم و پدرم را با آن پوشاندم و به او چشم دوختم، آن گاه دیدم که رخسارش مانند ماه کامل در شب چهارده می درخشد.

۵۴. عوالم العلوم، (مؤسسه الإمام المهدی)، چاپ سوم، (قم: ۱۴۱۶ق)، ج ۲/۱۱، صص ۹۲۷ - ۹۳۴ و سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، تعلیقات إحقاق الحق، ج ۲، صص ۵۵۳-۵۵۸ به نقل از رساله شیخ محمد باقری یزدی.



پس زمانی نگذشت که ناگاه فرزندم حسن آمد، گفت: سلام بر تو ای مادر جان! گفتم: و بر تو باد سلام ای روشنی دیده من و میوه دل من! او گفت: ای مادر، من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم، گویا بوی جدم رسول خدا است. پس گفتم: آری، همانا جد تو در زیر کساء است. پس حسن به طرف کساء رفت و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار ای رسول خدا! آیا به من اذن می‌دهی که با تو در زیر کساء وارد شوم؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من! اذنت دادم. پس حسن با آن جناب به زیر کساء رفت. ساعتی نگذشت که فرزندم حسین وارد شد و گفت: سلام بر تو ای مادر! گفتم: بر تو باد سلام ای فرزند من و ای نور دیده‌ام و میوه دل! فرمود: مادر جان، من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم گویا بوی جدم رسول خدا ﷺ است. گفتم: آری، همانا جد تو و برادرت در زیر کساء هستند. حسین نزدیک کساء رفت و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار، سلام بر تو ای کسی که خدا او را برگزید! آیا به من اذن می‌دهی که با شما در زیر کساء داخل شوم؟ فرمود: و بر تو باد سلام ای فرزندم و ای شفاعت کننده امت! به تو اذن دادم. پس او نیز با آن دو در زیر کساء وارد شد. در این هنگام ابوالحسن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام وارد شد و فرمود: سلام بر تو ای دختر رسول خدا! گفت: و بر تو باد سلام ای ابوالحسن و ای امیرمؤمنان! فرمود: ای فاطمه، من بوی خوشی نزد تو استشمام می‌کنم گویا بوی برادرم و پسر عمویم رسول خدا ﷺ است؟ گفتم: آری، بدان این او است که با دو فرزندت در زیر کساء هستند. پس علی علیه‌السلام نیز به طرف کساء رفت و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، آیا اذن می‌دهی که من نیز با شما در زیر کساء باشم؟ رسول خدا به او فرمود: و بر تو باد سلام ای برادر من و ای وصی و خلیفه و پرچمدار من! به تو اذن دادم. پس علی نیز در زیر کساء داخل شد. در این هنگام من نیز به طرف کساء رفتم و عرض کردم:



سلام بر تو ای پدرجان ای رسول خدا! آیا به من هم اذن می‌دهی که با شما در زیر کساء باشم؟ فرمود: و بر تو باد سلام ای دخترم و ای پاره تنم! به تو هم اذن دادم. پس من نیز به زیر کساء رفتم.

چون همگی در زیر کساء جمع شدیم، پدرم رسول خدا دو طرف کساء را گرفت و با دست راستش به سوی آسمان اشاره کرد و گفت: خدایا، اینان خاندان من و خواص و نزدیکان من هستند، گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است. هر چه ایشان را بیازارد، مرا آزار می‌دهد و هر چه ایشان را به اندوه درآورد، مرا به اندوه می‌اندازد. من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد و در صلحم با هر که با ایشان در صلح است، و دشمنم با هر کس که با ایشان دشمنی کند و دوستم با هر کس که ایشان را دوست دارد. اینان از منند و من از ایشانم. پس دروذهای خود و برکت‌هایت و مهرت و آمرزش و خشنودیت را بر من و بر ایشان بفرست و پلیدی را از ایشان دور کن و پاکیزه‌شان کن.

پس خدای عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان‌هایم، به‌راستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی این پنج تن، اینان که در زیر کسایند.

پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا کیانند در زیر کساء؟ خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و کان رسانند، آنان فاطمه است و پدرش و شوهر و دو فرزندش.

جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا به من هم اذن می‌دهی که به زمین فرود آییم تا ششمین آنها باشم؟ خدا فرمود: آری، به تو اذن دادم.

پس جبرئیل امین به زمین آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! پروردگار علی‌اعلی سلامت می‌رساند و تو را به تحیت و اکرام مخصوص داشته و می‌فرماید: «به عزت و جلالم سوگند که من آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و

نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را نیافریدم مگر برای خاطر شما و محبت و دوستی شما.» و به من نیز اذن داده است که با شما در زیر کساء باشیم، پس آیا تو هم ای رسول خدا اذنم می‌دهی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: و بر تو باد سلام ای امین وحی خدا! آری، به تو هم اذن دادم.

پس جبرئیل با ما در زیر کساء وارد شد و به پدرم گفت: همانا خداوند به سوی شما وحی کرده و می‌فرماید: حقیقت این است که خدا می‌خواهد پلیدی و ناپاکی را از شما خاندان ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

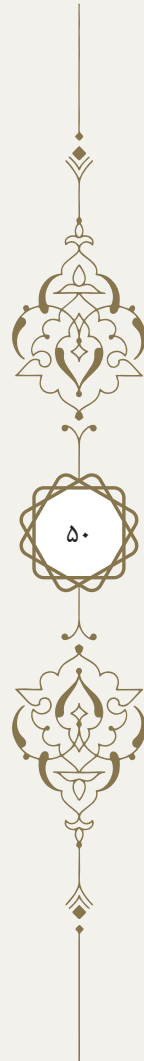
علی علیه السلام به پدرم گفت: ای رسول خدا، به من بگو این جلوس و نشستن ما در زیر کساء چه فضیلتی و چه شرافتی نزد خدا دارد؟

پیغمبر ﷺ فرمود: سوگند بدان خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالت و نجات دادن خلق برگزید که ذکر نشود این خبر و سرگذشت ما در انجمن و محفلی از محافل مردم زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند جز آن که بر ایشان رحمت حق نازل شود و فرشتگان ایشان را فرا گیرند و برای آن‌ها آمرزش خواهند تا آن‌گاه که آنان پراکنده شوند.

علی که این فضیلت را شنید فرمود: با این ترتیب به خدا سوگند ما رستگار شدیم. و سوگند به پروردگار کعبه که شیعیان ما نیز رستگار شدند.

دوباره پیغمبر فرمود: ای علی، سوگند به آن که مرا به حق به نبوت برانگیخت و به رسالت و نجات دادن خلق برگزید، ذکر نشود این خبر و سرگذشت ما در انجمن و محفلی از محافل مردم زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند و در میان آنها اندوهناکی باشد، جز آن که خدا اندوهش را برطرف کند و نه غمناکی جز آن که خدا غمش را بزدايد و نه حاجت‌خواهی باشد جز آن که خدا حاجتش را برآورد.

علی گفت: بدین ترتیب به خدا سوگند، ما کامیاب و سعادتمند



شدیم و هم چنین سوگند به پروردگار کعبه که شیعیان ما نیز در دنیا و آخرت رستگار شدند.

شایان ذکر است که متن حدیث کساء را محدثان و دانشوران زیر به طور مرسل نقل کرده‌اند:

۱. طریحی، شیخ فخرالدین (۱۰۸۷ق)، المنتخب، ص ۲۵۹. گفتنی است که ایشان در بسیاری از علوم زمان خود از جمله لغت، فقه و اصول، تبحر داشته است.

ایشان از مشایخ سیده‌هاشم بحرانی، صاحب تفسیر البرهان و علامه محمدباقر مجلسی به شمار می‌رود.^{۵۵}

۲. دیلمی، ابو محمد شیخ حسن بن ابی الحسن (سده ۸ ق)، غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأقطار.^{۵۶}

دیدگاه راجح درباره ایشان آن است که وی معاصر فخرالمحققین، پسر علامه حلی (۷۷۱ق) است؛ چرا که در کتاب خود ارشاد القلوب، از الفین علامه حلی (۷۲۶ق) مطلب نقل کرده است. و رجال شناسانی نظیر صاحب ریاض و صاحب روضات الجنات وی را به عنوان عالم و محدث ستوده‌اند.^{۵۷}

۳-۲. نظریه مراجع، فقها و دانشوران^{۵۸}
۳-۱. فقیه کبیر آیت الله سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۷ - ۱۳۲۷ق):

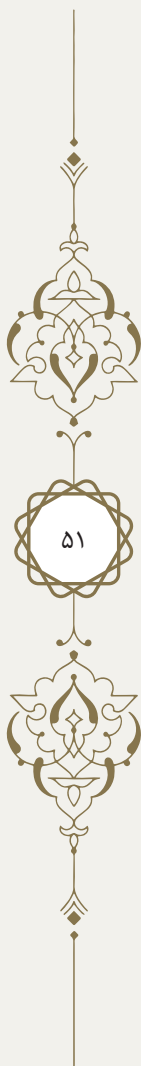
اصل قضیه کسائیه فی الجملة از معلومات است. چنانچه از اخبار کثیره از آنچه در خصوص آیه تطهیر وارد است، مستفاد می‌شود که از جمله آنها خبر منتخب است و آن هر

۵۵. محمدکاظم طریحی، مقدمه ضوابط الاسماء و اللواحق، تألیف شیخ فخرالدین طریحی، ج ۱ (نجف: الحیدری، ۱۳۷۵ق) صص ۱۱ و ۱۹.

۵۶. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۳۶.

۵۷. بنگرید به: علی‌نقی خدایاری، و الیاس پوراکبر، تاریخ حدیث شیعه، چاپ اول، (قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش)، ص ۴۵.

۵۸. شایان ذکر است که سیدعلی موحد ابطی در کتاب حدیث کساء و آثار شگفت، صص ۲۶۵ - ۲۹۰، دیدگاه چهارده تن از مراجع تقلید را از طریق استفتائات کتبی و شفاهی گردآوری کرده است که در این‌جا تنها به نقل برخی از آنها اکتفا کرده‌ایم.



چند مرسل است لکن در عداد آن اخبار است که بسیاری از آنها ضعیف است و ارسال آن مضر نیست.

و اما مکان وقوع این قضیه، پس اخبار در آن مختلف است از چند خبر مستفاد می شود که در خانه ام سلمه بوده است. و از خبری بر می آید که در خانه زینب، زوجه حضرت پیغمبر ﷺ بوده است. و از خبری استفاده می شود که در مسجد بوده. در عرض خبر منتخب این است که در خانه صدیقه علیهما السلام بوده. و ممکن است رفع منافات ما بین آنها به این که این قضیه چند دفعه واقع شده یا پیش از نزول آیه تطهیر یا بعد از آن.

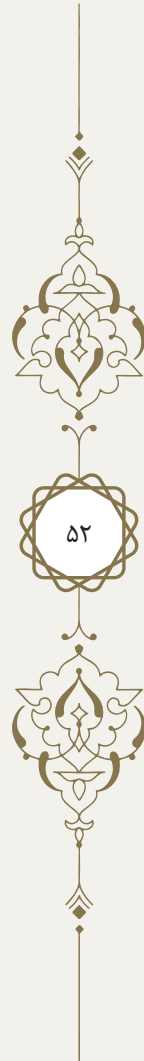
و ممکن است استفاده تعدد وقوع آن از اختلاف اخبار در جامه ای که زیر آن رفته اند چنانچه از جمله ای از اخبار بر می آید که کسای خیبری بوده. و در بعضی تعبیر به فدکی شده. و از بعضی بر می آید که کسای کوفی بوده چنانچه در خبری است که امیرالمؤمنین می فرماید در مقام تعدد مناقب خود: و الی علینا عباء قطوانیه فانزل الله تبارک و تعالی فینا: انما یرید الله ... الی آخر الآیه. و قطوان موضعی است در کوفه ینسب الیه الاکسیه کما فی القاموس.

و در بعضی تعبیر شده است به خمیصه سوداء. و در بعضی دارد: التفع علیهم بثوبه و قال: انما یرید الله الی آخر الآیه. و در خبر منتخب، کسای یمانیه است. پس از این اختلافات ممکن است استفاده تعدد وقوع این قضیه که یک دفعه آن در خانه فاطمه علیهما السلام بوده.^{۵۹}

۲-۲. آیت الله شیخ محمدتقی بهجت (۱۲۹۵ - ۱۳۸۸ ش): حدیث کساء به نقل از کتاب عوالم روایت شده و سند معتبری دارد.

این حدیث نه تنها ضعف محتوایی ندارد، بلکه مضامین عالیّه آن دلالت بر صدور آن از جانب معصوم علیه السلام دارد، بلکه

۵۹. سیدمحمد کاظم یزدی، سؤال و جواب؛ استفتاات و آرای فقیه کبیر سید محمدکاظم یزدی، (به اهتمام سید مصطفی محقق داماد) چاپ اول، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۱)، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.



از معجزات حضرت زهرا علیهما السلام است.^{۶۰}

و در سخنی دیگر از ایشان چنین آورده‌اند:

در پاسخ به شبهاتی که درباره سند این روایت مطرح می‌شد، مطالب روشن‌گری بیان می‌فرمودند؛ به‌عنوان مثال حضرت آیت‌الله بهجت قدس سره معتقد بودند کسانی که اهل تعقل و درایت باشند و با دقت در عجایب این حدیث بنگرند، صحت این روایت را می‌یابند و دیگر نیازی به سند آن ندارند.^{۶۱}

۳-۲. آیت‌الله شیخ ناصر مکارم شیرازی (۱۳۰۵ ش - ...):

از آن‌جا که محتوای حدیث [کساء] اشکال خاصی ندارد و بعضی از علما به قرائت آن اهمّیت می‌دادند و با توجّه به احادیث من بلغ می‌توان آن را به قصد رجا و به امید برآوردن شدن حاجات خواند.^{۶۲}

۳-۴. آیت‌الله شیخ حسین وحیدخراسانی (۱۳۰۰ ش - ...):

صدور اصل حدیث شریف کساء و دلالت آن بر عصمت مطلقه خمس طّیبه-صلوات‌الله-برای اهل روایت و درایت قابل انکار نیست. و خواندن آن به کیفیت مذکوره در بعضی از کتب حدیث رجاء، از مصادیق اخبار من بلغ است، هرچند سند نیز قوی است.^{۶۳}

۳-۵. آیت‌الله سیّد صادق حسینی شیرازی (۱۳۲۰ ش - ...):

حدیث شریف کساء سند معتبری دارد مضافاً به این که هیچ ضعفی ندارد. فصول مختلفه این حدیث شریف در احادیث

۶۰. سیّدعلی موّحد ابطّحی، حدیث کساء و آثار شگفت، ص ۲۷۲.

۶۱. www.bahjat.ir

۶۲. مفاتیح نوین، چاپ چهارم، (قم: امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۹ ش)، ص ۱۳۸۰.

قاعده تسامح در ادله سنن که از اخبار من بلغ مستفاد است می‌گوید: هر عملی که از پیامبر و اهل بیت به ما رسیده است می‌توان آن را به امید کسب ثواب انجام داد، گر چه از آن بزرگواران صادر نشده باشد. به طور مثال در حدیثی صحیح از حضرت صادق علیه‌السلام چنین آورده‌اند: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَقُلْهُ (محمّدبن الحسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۰) یعنی: هر که از پیامبر ﷺ برای او چیزی از ثواب برسد و به آن عمل کند، پاداش آن عمل برای او خواهد بود، گرچه رسول خدا ﷺ آن را نفرموده باشد.

۶۳. سیّدعلی موّحد ابطّحی، حدیث کساء و آثار شگفت، ص ۳۹۰.

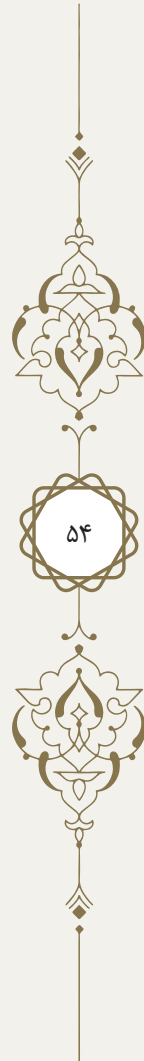
شریفه دیگر که معتبر، مستفیض یا متواتر است به انواع تواتر وارد شده است.^{۶۴}

۳-۶. آیت‌الله سید محمد حسینی شاهرودی (۱۳۰۴ ش - ...) :
و أمّا الدعاء المعروف بحديث الكساء، فلا بأس بقرائته رجاءً
للمطلوبية و الثواب و ترتب الأثر الدنيوي أو الآخروي. بل
نقل أن صاحب العوالم رواه بسند صحيح. و ليس فيه غلو، بل
مضمونه وارد في روايات أهل البيت بل حتى في روايات أهل
السنة. فراجع الغدير ۳۰۰/۲، فقد روى رواية عن أبي هريرة عن
النبي ﷺ تتضمن أن الله تعالى أمر آدم بالتوسل بالخمس
الطيبة و أوحى إليه أنه لولاهم، لما خلقتك و لما خلقت الخلق (الخ).
ثم إنه لا يتنافى مضمونها مع ما ورد في أحاديث السنة و
الشيعة من أن الآية نزلت في بيت أم سلمة و كانت قصة
الكساء في بيت أم سلمة؛ لأن الظاهر من مجموع الروايات
أن الله تعالى أراد أن يؤكد على طهارة أهل البيت و عصمتهم،
فتكرر نزول الآية؛ فمرة كانت في بيت أم سلمة و أخرى في بيت
عائشة و ثالثة في بيت فاطمة سلام الله عليها و لعلمها نزلت المرة
الرابعة و الخامسة، كل ذلك لتسجيل العصمة و التأكيد عليها.
و لذا نرى أن رسول الله ﷺ كان يأتي صباحاً كل يوم إلى بيت
فاطمة سلام الله عليها و يقول: «الصلاة الصلاة!» ﴿إِنَّمَا يريد الله ليذهب
عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً﴾. إلى ستة أشهر،
و كان غرضه تثبيت هذا المطلب و التأكيد عليه كما لا يخفى.^{۶۵}
و أمّا دعای معروف به حدیث کساء، در قرائت آن به امید
مطلوبیت و ثواب و ترتب اثر دنیوی یا اخروی اشکالی نیست.
بلکه نقل کرده‌اند که این حدیث را صاحب عوالم به سند
صحيح روايت کرده است.

در این حدیث هیچ گونه غلو نیست، بلکه مضمون آن در
روایتهای اهل بیت آمده است و حتی در روایتهای اهل
سنت هم ذکر شده است. در این باره به الغدير ج ۲، ص ۳۰۰
مراجعه کنید.

۶۴. همان، ص ۲۷۴.

۶۵. همان، ص ۲۸۲ و ۲۸۳.



از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ در روایتی فرموده است: خداوند متعال آدم را به توسل به پنج تن پاک فرمان داد و به او وحی کرد که چنانچه آنان نبودند، تو را خلق نمی‌کردم و آفریدگان را هم نمی‌آفریدم.

و دیگر این که مضمون این حدیث با آن دسته از روایت‌های اهل سنت و شیعه که درباره نزول آیه تطهیر در خانه امّسلمه آمده است منافعی ندارد؛ چه، از مجموع روایت‌ها چنین برمی‌آید که خداوند متعال بر پاکی و عصمت اهل بیت تأکید دارد تا آنجا که نزول آیه تکرار شد. یک نوبت در خانه امّسلمه، و بار دیگر در خانه عایشه و بار دیگر در خانه فاطمه سلام الله علیها و چه بسا بار چهارم و پنجم هم نازل شده باشد که همگی برای ثبت و تأکید بر عصمت بوده است. از این رو می‌بینیم که رسول خدا ﷺ تا شش ماه همه صبح به سوی خانه فاطمه سلام الله علیها می‌رفت و می‌فرمود: «الصلاة الصلاة ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾» و هدف ایشان تثبیت این مطلب و تأکید بر آن بود، چنان که پوشیده نیست.

۳-۲-۷. آیت الله سیدصادق روحانی (۱۳۰۵ ش - ...) سند کامل این حدیث در جلد دوم شرح احقاق الحق آمده است.^{۶۶} در محتوای آن هرچه تفحص کردم، چیزی که موجب ضعف آشکاری باشد ندیدم. خواندن این حدیث شریف در ماه مبارک رمضان اشکالی به روزه وارد نمی‌کند.^{۶۷}

و ایشان در سخنی دیگر می‌افزاید: سند حدیث کساء از صاحب کتاب العوالم گرفته تا صحابی گرانقدر جابر بن عبدالله انصاری (رضوان الله علیه)؛ در اوج اعتبار قرار دارد و جز قاسم بن یحیی نمی‌توان اعتبار هیچ یک از راویان این حدیث را زیر سؤال برد. البته از دیدگاه ما

۶۶. این سند همان سند منقول در عوالم العلوم است که آن را در ابتدای فصل سوم آورده‌ایم.

۶۷. سیدعلی موحد ابیطحی، ص ۲۷۳.

وی هم راوی ثقه‌ای است چرا که بزنطی، حدیث کساء را از زبان او نقل نموده و آن طور که به اثبات رسیده، بزنطی تنها و تنها از قول راویان ثقه به نقل روایت پرداخته است. صرف نظر از این موضوع، صحت سند بزنطی به تنهایی برای اثبات اعتبار حدیث کساء کفایت می‌کند و نیازی به کنکاش در مورد راویان بعد از وی وجود ندارد؛ زیرا بزنطی در شمار کسانی است که اعتبار روایات صحیح آنها، از اجماع علمای شیعه بهره می‌برد. و بر این اساس، سند حدیث کساء، صحیح بوده و هیچ اشکالی در آن وجود ندارد.

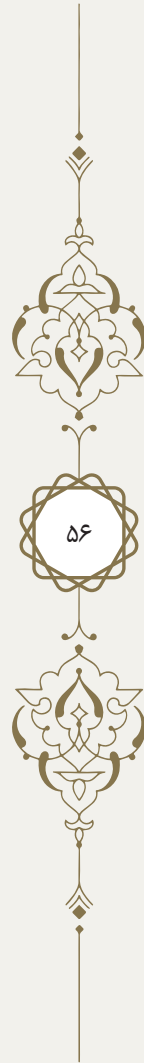
حدیث کساء از مضامین بسیار بلندی برخوردار است و عبارات آن پیرامون فضایل و کمالات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، در احادیث فراوان و معتبر دیگر هم یافت می‌شود؛ بنابراین هیچ تردیدی درباره مضامین و محتوای این حدیث وجود ندارد.^{۶۸}

از جمع بندی نظرهای فقها و مراجع شیعی چنین بر می‌آید که آنان هیچ گاه در صدد انکار و تضعیف متن رایج حدیث کساء نبوده‌اند، و در طی قرون همواره به نقل و قرائت آن همت ورزیده‌اند. و تا آن جا که استقرا و تحقیق نمودیم این حدیث مورد تأیید غالب آنان بوده است. و گر چه برخی از آنان سندش را نپذیرفته‌اند ولی در عین حال با معیارهای دیگر نقل و روایت آن را صحیح دانسته، انتساب آن را به وجود مقدس حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها بی‌اشکال شمرده‌اند.

۳-۳. بررسی سند حدیث رایج کساء

سلسله راویان سند پیش گفته که سی نفرند، همگی از رجال مورد وثوق می‌باشد. و چنانچه در اتصال تاریخی آنان خللی وجود نداشته باشد، سند حدیث صحیح و معتبر خواهد بود. اینک به بررسی وثاقت راویان و اتصال تاریخی آنان می‌پردازیم تا حقیقت مطلب آشکار و هویدا شود.

الشیخ الجلیل السید هاشم (۱۱۰۷ق)



سیدهاشم بن سلیمان بحرانی؛ محدّث، مفسّر و فقیه امامی. نسب او بنا به نقل افندی اصفهانی به سید مرتضی علم الهدی، و از آن طریق به امام کاظم علیه السلام می‌رسد. شیخ حرّ عاملی از وی اجازه روایتی داشته است.^{۶۹} و ریاست دینی و مقام داوری پس از شیخ محمدبن ماجد به او منتقل شد و عهده‌دار امور حسیّه گردید و پس از گذشت چهار سال از مرگ شیخ محمدبن ماجد (۱۱۰۳ق) بدرود حیات گفت.^{۷۰} مشهورترین اثر او البرهان فی تفسیر القرآن است که توسط دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورشا به فارسی برگردانیده شده است. و از دیگر آثار او می‌توان حلیه الأبرار، معالم الزلفی، المحجّة، تبصرة الولی و الهدایة القرآنیة إلى الولاية الإمامیة را برشمرد.

عن شیخه السید ماجد البحرانی (۹۷۶-۱۰۲۸ق)
سید ابوعلی ماجدین هاشم بن علی بن مرتضی بن علی بن ماجد حسینی بحرانی؛ محدّث و فقیه امامی.
شیخ حرّ عاملی می‌گوید: او فاضل، شاعر، ادیب، جلیل القدر در علم و عمل است و دیوان اشعار بزرگی دارد که من آن را دیده‌ام. و صاحب سلافه العصر از ایشان یاد کرده و گفته است: او بزرگ‌تر از آن باشد که گفتاری در توصیف او سزد. پس او را به گونه‌ای رسا و طولانی ستوده است و یادآور شده که او به سال ۱۰۲۸ وفات یافته است.^{۷۱}
در اجازات علامه محمدباقر مجلسی آمده است که او از شیخ

۶۹. یوسف بحرانی، لؤلؤة البحرين، (محمدصادق بحرالعلوم)، (قم: مؤسسه آل‌البیت)، ص ۶۳-۶۴ و سیدمحمدباقر موسوی خوانساری، روضات الجنّات، (اسدالله اسماعیلیان)، (قم: اسماعیلیان)، ج ۸، ص ۱۸۲.

۷۰. محمدبن الحسن حرّ عاملی، امل الأمل، (السیداحمد الحسینی)، (بغداد: الاندلس)، ج ۲، ص ۳۴۱. برای آگاهی بیشتر از زندگینامه سیدهاشم بحرانی بن‌گردد به: حسن طارمی، دانشنامه جهان اسلام، چاپ دوم، (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، باتجديد نظر، ۱۳۷۵ش)، ذیل «بحرانی، هاشم بن سلیمان». و عبدالحسین حائری، دائرة المعارف تشیع، (تهران)، ذیل «بحرانی». و فارس تبریزیان، العلامة السیدهاشم البحرانی، قم، دارالمعروف، چ اول، ۱۴۱۶ق.

۷۱. امل الأمل، ج ۲، ص ۲۳۵.



بهاء‌الدین محمد عاملی اجازه‌روایتی داشته است.^{۷۲} و محمدمحسن فیض کاشانی در مقدمه کتاب الوافی خود او را به عنوان استاد و طریق خود در نقل کتاب‌های چهارگانه شیعه یاد می‌کند.^{۷۳}

او از بحرین به شیراز آمده بود و گفته‌اند نخستین کسی بود که حوزه نشر حدیث را در شیراز سامان بخشید و تا آخر عمر از حوزه علمی شیراز و امامت جمعه و جماعت و منصب قضای آن‌جا پاس‌داری کرد و در جوار امام‌زاده میر سیداحمد (شاهچراغ) فرزند امام موسی کاظم‌علیه‌السلام به خاک سپرده شد.

از آثار وی حواشی بر شرایع الاسلام، حواشی بر تهذیب الاحکام، سلاسل الحدید نام برده شده است.^{۷۴}

شیخ سلیمان بحرانی در رساله تاریخ علماء البحرین می‌نویسد: سیدهاشم البحرانی اسم کتاب سلاسل الحدید را از کتاب سلاسل الحدید فی تقیید اهل التقلید سیدماجدبن هاشم‌بن علی‌بن مرتضی حسینی متوفای سال ۱۰۲۸ق گرفته است.^{۷۵}

عن الحسن بن زین الدین الشهید الثانی (۹۵۹-۱۰۱۱ق) محدث و فقیه امامی

ایشان و سید محمد بن علی عاملی از شاگردان مقدس اردبیلی به شمار می‌روند و سلسله سند روایی آنان به واسطه وی تکمیل می‌شود.^{۷۶}

۷۲. بحارالانوار، ج ۱۰۶، ص ۱۴۷.

۷۳. الوافی، (ضیاءالدین حقایق اصفهانی)، چاپ اول، (اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی، ۱۴۱۲ ق)، ج ۱، ص ۲۸.

۷۴. بنگرید به: جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، چاپ اول، (قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۰ق)، ج ۱۱، ص ۲۳۶ و احمد دیباجی، دانشنامه جهان اسلام، ذیل «بحرانی، سید ماجدین هاشم». و سیداحمد حسینی، تراجم الرجال، (قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ق)، ج ۱، ص ۴۵۹ و سیدمحمدباقر موسوی خوانساری، روضات الجنّات، ج ۶، ص ۷۲-۷۸.

۷۵. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۲، ص ۲۱۰.

۷۶. محمدبن الحسن حرّ عاملی، امل الأمل، ج ۲، ص ۲۳.



عن شيخه المقدّس الأردبيليّ (٩٩٣ق)
شيخ حرّ عاملی درباره ایشان می‌نویسد: وی عالم، فاضل،
مدقق، عابد، ثقه، ورع، عظیم الشان و معاصر شیخ بهایی
است و برخی آثار وی عبارتند از: شرح الارشاد، تفسیر آیات
الاحکام و حدیقة الشیعة.^{۷۷}

عن شيخه علی بن عبدالعالی الکرکی (٩٣٧ق)
شيخ حرّ عاملی می‌نویسد: شأن او در وثاقت و علم و فضل و
جلالت قدر و بزرگی مقام و فراوانی تحقیق مشهورتر از آن
است که ذکر شود و مصنفات او فراوان و مشهور می‌باشد ...
و وفاتش به سال ٩٣٧ قمری است و افزون بر هفتاد سال
عمر کرد ... و از شیخ علی بن هلال جزائری و او نیز از شیخ
احمد بن فهد حلی روایت می‌کند.^{۷۸}

عن الشيخ علی بن هلال جزائری (زنده در ٩٠٩ق)
شيخ حرّ عاملی می‌گوید: ایشان فاضل، متکلم و عالم است.
از شیخ احمد بن فهد روایت می‌کند و شیخ علی بن عبدالعالی
عاملی کرکی از وی روایت می‌آورد.^{۷۹}
و از اجازه وی به محقق کرکی چنین برمی‌آید که او به سال
٩٠٩ در قید حیات بوده است.^{۸۰}

سید علی بروجردي می‌نویسد: شیخ اجل اعلم شیخ الاسلام
و المسلمین زین الملّه و الدین، علی بن هلال الجزائری - که
خدا تربتش را پاک کند - جلیل، با ورع، فاضل و عالم است.^{۸۱}
عن الشيخ أحمد بن فهد حلی (٧٥٧-٨٤١ق)
محدث و فقیه امامی.

ایشان به زهد و تقوی شهره بود و آثاری نیز در اخلاق و
عرفان نوشته است. از استادان وی می‌توان علی بن خازن
حائری، علی بن یوسف بن عبدالجلیل نبلی، ابن متوج بحرانی

۷۷. منتهی المقال، (مؤسسه آل البیت)، چاپ اول، (قم: ۱۴۱۶ق)، ج ۱، ص ۳۱۱.

۷۸. امل الآمل، ج ۱، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

۷۹. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۱۰.

۸۰. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۸.

۸۱. طرائف المقال، (سیدمهدی رجائی)، چاپ اول، (قم: مکتبه آیه الله العظمی

المرعشی النجفی العامّة، ۱۴۱۰ ق)، ج ۱، ص ۹۰.



و مقداد بن عبدالله سیوری را نام برد.
آثار مشهور وی عبارتند از: التحصین فی صفات العارفين، عدة الداعی و المهذب البارع فی شرح المختصر النافع.^{۸۲}
آرامگاه وی در کربلا نزدیک حرم حسینی، باب قبله قرار دارد.
عن الشيخ علی بن الخازن الحائری (زنده در ۷۹۱ق)
محدث و فقیه امامی.

آیت الله خوئی می نویسد: شیخ حرّ عاملی در تذکرة المتبحرین (۵۵۳) گفته است: شیخ زین الدین علی بن الخازن الحائری فاضل، عابد و صالح و از شاگردان شهید است و احمد بن فهد حلی از او نقل حدیث می کند.^{۸۳}
علی بن خازن به سال ۷۹۱ قمری به ابن فهد حلی اجازه روایتی داده است و در سال ۷۸۴ قمری از شهید اول اجازه نقل حدیث دریافت کرده است و شهید اول در آن اجازه وی را چنین ستوده است:

او عالم، باتقوا، باورع و صاحب فضیلت هاست.^{۸۴}
عن الشيخ ضیاء الدین علی بن الشهید الأول (۸۵۶ق)
فقیه امامی

شیخ حرّ عاملی درباره وی می نویسد: او فاضل، محقق، صالح، باورع، جلیل القدر و ثقة بوده است و از پدرش نقل حدیث می کند.^{۸۵}
و به خط شیخ بهایی دیده شده است که او به سال ۸۵۶ ق وفات یافته است.^{۸۶}

عن أبیه (۷۳۴-۷۸۶ق)
شمس الدین ابو عبدالله محمد بن جمال الدین مکی بن محمد بن حامد بن احمد النبطی العاملی الجزینی الشهید؛

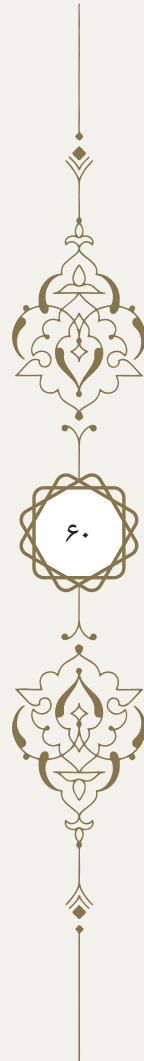
۸۲. حسن انصاری، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، (تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۹ش)، ذیل «ابن فهد حلی».

۸۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۷.

۸۴. بنگرید به: ریاض العلماء، (السید أحمد الحسینی)، (قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی العامة، ۱۴۰۱ ق)، ج ۳، صص ۴۱۲ و ۴۱۴.

۸۵. امل الآمل، ج ۱، ص ۱۳۴، ش ۱۴۱.

۸۶. بنگرید به: محمد بن محمد ابراهیم کلباسی، الرسائل الرجالیة، (محمد حسین الدرایتی)، چاپ اول (قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق)، ج ۲، ص ۵۲۸.



محدث و فقیه بزرگ امامی.
او معروف به شهید اول است و کتاب اللمعة الدمشقیة اثر مشهورش می باشد.
شیخ حرّ عاملی می نویسد: او عالم ماهر، فقیه محدث، محقق متبحر، کامل جامع فنون عقلی و نقلی، زاهد عابد، شاعر ادیب و... است.^{۸۷}
و در مستدرک الوسائل می نویسد: او تاج شریعت و فخر شیعه است.^{۸۸}
عن فخر المحققین (۷۷۱ق)
محمد بن الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر فخرالدین ابوطالب الحلّی.
او فرزند علامه حلّی و مشهور به فخرالمحققین است.
شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد: او از پدرش آیت الله علامه نقل حدیث می کند و هم چنین جمع کثیری از وی روایت می آورند، مثل محمد بن مکی شهید و فخرالدین احمد بن عبدالله بن سعید بن متوج بحرانی و ظهیرالدین علی بن یوسف بن عبدالجلیل نیلی و
برخی از آثار او عبارتند از: الفخریّه، ایضاح القواعد و حاشیه بر ارشاد.^{۸۹}
عن شیخه و والده العلامة الحلّی (۶۴۸-۷۲۶ق)
جمال الدین ابومنصور الحسن بن سدیدالدین یوسف، معروف به علامه حلّی؛ محدث، متکلم و فقیه بزرگ امامی.
شیخ آقابزرگ تهرانی می نویسد: او از پدر و دایی خود محقق حلّی و خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم و علی بن طاوس و احمد بن طاوس دانش های معمول را فرا گرفت و آثار علمی فراوان از خود به یادگار نهاد.
او از بسیاری از عالمان خاصه و عامه روایت می کند. از خاصه نجیب الدین یحیی بن سعید پسرعموی محقق حلّی

۸۷. امل الأمل، ج ۲، ص ۱۸۱.

۸۸. مستدرک الوسائل، الخاتمة، (قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق)، ج ۲، ص ۳۰۲.

۸۹. طبقات اعلام الشيعة، (علی نقی منزوی)، (قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۲ق) ج ۳، ص ۱۸۵.

و حسین بن علی بن سلیمان بحرانی و ... و از اجازه ابراهیم قطفی به امیر معزالدین بن امیر تقی الدین برمی آید که علامه حلی از نجیب الدین محمد بن نما هم روایت می کرده است. ولی صاحب ریاض آن را بعید شمرده است، و این گفته او بجاست. زیرا او را از مشایخ پدر علامه و علی بن طاوس و جز اوست. و از عامه برهان الدین ابوالفضل محمد بن محمد بن سنفی (۸۶ق) و عزالدین فاروقی واسطی نقل حدیث می کند.^{۹۰}

عن شیخه ابن نما حلی (۶۷۶/۶۸۰ ق)

جعفر بن نجیب الدین محمد (۴۵ق) بن جعفر بن ابی البقاء هبة الله بن نما الحلی الشیخ نجم الدین؛ محدث و فقیه امامی. محمدباقر خوانساری می نویسد: او از فضلا و بزرگان دین و مذهب و از مشایخ علامه است و کتاب مثیر الاحزان و همین طور اخذ الثار متعلق به وی می باشد، گرچه احتمال دارد متعلق به نوه اش شیخ نجم الدین جعفر بن محمد بن جعفر معروف به ابن ابریشمی باشد.^{۹۱}

نجیب الدین ابوابراهیم محمد بن جعفر بن محمد بن نما صحیفه سجادیه را از ابن ادریس روایت می کند.^{۹۲}

عن شیخه محمد بن ادریس الحلی (ح ۵۴۳ - ۵۹۸ ق)
فخرالدین ابو عبدالله محمد بن ادریس عجل حلی؛ فقیه بزرگ امامی.

معروف ترین اثر او کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی و مستطرفات السرائر (النوادر) است. علامه محمدباقر مجلسی وی را توثیق کرده است و بسیاری دیگر او را به فقاقت ستوده اند. و برخی مشایخ او را می توان سیدابوالمکارم حمزه بن علی بن زهره، شیخ عربی بن مسافر عبادی و عبدالله بن

۹۰. همان، ص ۵۲.

۹۱. بنگرید به: علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم الرجال، ج ۸، ص ۵۰۶ و سیدمحمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۷۹ و فارس حسون کریم، مقدمه ذوب النصار فی شرح الثار، ابن نما حلی، چاپ اول، (قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ق)، صص ۳۳ تا ۳۷.

۹۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱۰، ص ۵۲.





جعفر دوریستی شمرد. و کسانی چون محیی‌الدین محمد بن عبدالله بن علی بن زهره، فخار بن معد موسوی، نجیب الدین محمد بن نما حلی از وی نقل حدیث کرده‌اند.^{۹۳} عن ابن حمزة الطوسی صاحب ثاقب المناقب (سده ۶ ق) نصیرالدین ابوطالب عبدالله بن حمزة بن عبدالله بن حمزة بن حسن بن علی طوسی مشهدی شارحی؛ عالم امامی. از شاگردان و راویان او می‌توان خواجه نصیرالدین طوسی، قطب‌الدین کیزری، مهذب‌الدین حسین بن رده را نام برد. منتجب‌الدین او را توثیق کرده و کیزری و علامه حلی هم او را بسیار ستوده‌اند. الثاقب فی المناقب اثر معروف او به شمار می‌رود که آن را ظاهراً در سال ۵۶۰ قمری به پایان رسانده است.^{۹۴}

عن الشيخ الجلیل محمد بن شهر آشوب (۴۸۹-۱۶ شعبان ۵۸۸ ق) ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب بن ابی نصر بن ابی الجیش مازندرانی ملقب به رشید الدین و عزالدین؛ محدث، مفسر، ادیب و فقیه امامی.

از شاگردان و راویان وی می‌توان ابن‌ادریس، ابن‌بطریق حلی، ابن‌ابی‌طی حلی و ابن‌زهره حلی را نام برد. و میرداماد اجتهاداً وی را توثیق کرده و پس از آن در کتب رجالی مکرراً به توثیق وی پرداخته شده است.^{۹۵}

برخی از آثار وی عبارتند از: مناقب آل‌ابی‌طالب، معالم العلماء و متشابه القرآن و مختلفه. میرزا حسین نوری می‌گوید: این دانشمند بزرگ از جماعتی از مشایخ بزرگوار نقل حدیث می‌کند که یکی از آنها شیخ جلیل ابومنصور احمد بن ابی‌طالب طبرسی، صاحب کتاب احتجاج معروف است.^{۹۶} عن الطبرسی صاحب الاحتجاج (۵۵۸ ق)

۹۳. بنگرید به: سیدمصطفی محقق داماد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ابن‌ادریس».

۹۴. بنگرید به: احمد پاکتچی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ابن‌حمزه».

۹۵. بنگرید به: احمد پاکتچی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ابن شهر آشوب».

۹۶. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۰.

احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی؛ محدث و فقیه امامی. ابن شهر آشوب شاگرد وی می‌نویسد: شیخ من احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی آثاری دارد که عبارتند از: الکافی فی الفقه، الاحتجاج، مفاخر الطالبیه، تاریخ الأئمه، فضائل الزهراء سلام الله علیها کتاب الصلاه. و شیخ حرّ عاملی می‌نویسد: شیخ ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی عالم، فاضل، فقیه، محدث و ثقه است. و به گواهی میرزا حسین نوری او از شیخ ابو علی طوسی روایت می‌کند.^{۹۷} عن شیخه الجلیل الحسن بن محمد بن الحسن الطوسی (۵۱۵ق) ابوعلی الحسن بن محمد بن الحسن بن علی الطوسی؛ فقیه امامی. شیخ حرّ عاملی در تذکره المتبحرین می‌نویسد: او عالم، فاضل، فقیه، محدث، جلیل و ثقه است و امالی از آثار وی به شمار می‌رود.^{۹۸} عن ابیه شیخ الطائفه (۳۸۵-۴۶۰) ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی؛ فقیه، محدث و مفسر امامی.

نجاشی درباره وی می‌نویسد: در میان اصحاب ما جلیل، ثقه، عین و از شاگردان شیخ ما ابو عبدالله است و آثار او عبارتند از: تهذیب الاحکام، الاستبصار، النهايه و... مشایخ و استادان وی را می‌توان شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی، حسین بن عیبدالله غضائری، احمد بن ابراهیم قزوینی و... شمرد.^{۹۹}

برخی از شاگردان وی هم از این قرارند: آدم بن یونس، ابوعلی حسن بن شیخ الطائفه، ابوالصلاح تقی بن نجم الدین حلبی، ابوابراهیم جعفر حسینی.^{۱۰۰} عن الشیخ المفید (۳۳۸/۳۳۶-۴۱۳ق) ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی؛

۹۷. بنگرید به: مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱ و معالم العلماء، (قم)، ص ۶۱ و امل الامل، ج ۲، ص ۱۷.

۹۸. سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۱۲۳.

۹۹. رجال النجاشی، ص ۴۰۳، ش ۱۰۶۸.

۱۰۰. بنگرید به: حسین کریمان، دائرة المعارف تشیع، ذیل «شیخ طوسی».



فقیه، محدّث و متکلم نامدار امامی.

نجاشی می‌نویسد: او شیخ و استاد ما - که خدای از او راضی باد- فضلش مشهورتر از آن است که در فقه و کلام و روایت و وثاقت و علم به زبان آید. و کتاب‌های او عبارتند از: المقنعه، ارشاد، افصاح در امامت، ایضاح در امامت و...^{۱۰۱}

بنا به نوشته خطیب بغدادی و امالی خود شیخ، هنوز پنج ساله بود که از ابن‌ابی‌الیاس (۳۴۱ق) اجازه روایت حدیث گرفت و پیش از دوازده سالگی از برخی محدّثان اخذ روایت کرده و پیش از بیست سالگی از شیخ صدوق (۳۸۱ق) و در همین سن از حسن بن حمزه طبری علم حدیث را آموخت. مهم‌ترین شاگردان او را می‌توان سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، احمد بن علی بن احمد بن نجاشی، ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی و ابویعلی محمد جعفری برشمرد.^{۱۰۲} عن شیخه ابن قولویه قمی (۳۶۸ق)

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه. محدّث و فقیه امامی.

نجاشی درباره وی می‌نویسد: او از ثقات اصحاب ما و بزرگان آنان در حدیث و فقه است.^{۱۰۳}

او از مشایخ بسیاری بهره برده که از آن میان می‌توان احمد بن ادریس قمی، علی بن بابویه قمی، ابن عقده، محمد بن یعقوب کلینی، ابو عمرو کشی را نام برد.

از روایان ابن قولویه اینان را می‌توان نام برد: ابن عبدون، ابن عیاش جوهری، حسین بن عبیدالله غضائری و شیخ مفید.^{۱۰۴} ابن قولویه دارای تألیفات در حدیث و فقه بوده که مشهورترین آنها کامل الزیارات است.

عن شیخه الكلینی (۳۲۹ق)

ابوجعفر شیخ محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی؛ فقیه

۱۰۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۹، ش ۱۰۶۷.

۱۰۲. بنگرید به: محمد کریمی زنجان، دائرة المعارف تشیع، ذیل «شیخ مفید».

۱۰۳. رجال النجاشی، ص ۱۲۳.

۱۰۴. بنگرید به: حسن انصاری، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ابن قولویه».



و محدث بزرگ و بی نظیر امامی.

نجاشی و ثاقب او را در بالاترین درجه ستوده است و می نویسد: او کتاب بزرگ کافی را در مدت بیست سال تصنیف کرده است.^{۱۰۵}

برخی از مشایخ وی عبارتند از: علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، سهل بن زیاد، علی بن محمد بن ابوالقاسم بندار، محمد بن الحسن بن فروخ الصفار و محمد بن یحیی العطار القمی. و از شاگردان وی می توان ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، ابوالحسن احمد بن الکاتب الکوفی، ابومحمد هارون بن موسی الشیبانی را برشمرد.^{۱۰۶}

عن علی بن ابراهیم (زنده در ۳۰۷ق)

علی بن ابراهیم بن هاشم قمی.

از مشایخ شیخ کلینی و صاحب تفسیر معروف قمی است. و اثبات و ثاقب وی پیشتر در فصل دوم گذشت.

او از پدر خود ابراهیم بن هاشم روایت های بسیاری نقل می کند که در سرتاسر کافی مشهود و عیان است.^{۱۰۷}

عن ایبه ابراهیم بن هاشم

اصل او کوفی است و نخستین کسی است که حدیث کوفیان را در قم نشر داد و بزرگانی مانند علامه مامقانی، محقق داماد، علامه محمدباقر مجلسی و... به وثاقت وی اذعان دارند.^{۱۰۸}

او از راویان بسیاری نقل حدیث می کند که برخی از آنان عبارتند از: ابن ابی نصر و ابن سنان و ابن اسباط.^{۱۰۹}

عن احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی (۲۲۱ق)

او ثقه، جلیل القدر، عظیم الشأن از اصحاب امامان کاظم،

۱۰۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۱۰۶. بنگرید به: حسین علی محفوظ، مقدّمه الکافی، ج ۱، ص ۸۱.

۱۰۷. برای نمونه بنگرید به: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۲، ج ۹ و ص ۲۳، ج ۱۷ و ص ۳۳، ج ۸.

۱۰۸. بنگرید به: علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم الرجال، ج ۱، ص ۲۲۲ و احمد بن عبد الرضا بصری، الفائق، (غلامحسین قیصریه ها)، چاپ اول، (قم): دارالحدیث الثقافیة، ۱۳۸۰ش)، ص ۸۰.

۱۰۹. بنگرید به: سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۰.



رضا و جواد: است و کتاب جامع از آن اوست، ابن‌ادریس از آن کتاب در مستطرفات السرائر نقل حدیث کرده است. او از اصحاب اجماع و از جمله کسانی است که جز از ثقة نقل نمی‌کنند.^{۱۱۰} و ابراهیم‌بن هاشم از وی روایت می‌کند.^{۱۱۱}

عن قاسم‌بن یحیی الجلاء الکوفی
نامی با این مشخصات در موسوعات رجال حدیث نیافتیم بلکه با این نام فقط قاسم‌بن یحیی‌بن الحسن‌بن راشد الکوفی را ذکر کرده‌اند که احمدبن محمدبن ابی‌نصر به واسطه از او نقل حدیث می‌کند، ولی چون با یک‌دیگر هم روزگارند امکان نقل حدیث از او هم وجود دارد. ولی در هر حال نظر به این‌که احمدبن محمدبن ابی‌نصر بزنطی از اصحاب اجماع است و از غیر ثقة نقل حدیث نمی‌کند، خللی در سند حدیث پیش نمی‌آید.
عن ابی‌بصیر (۱۵۰ق)

یحیی‌بن القاسم ابوبصیر الأسدی.
نجاشی می‌گوید: او ثقة و وجیه است و از ابوجعفر و ابوعبدالله و ابوالحسن موسی: روایت کرده است.^{۱۱۲} و کشی او را از اصحاب اجماع برمی‌شمارد.^{۱۱۳}

شیخ طوسی از محمدبن احمدبن یحیی از محمدبن عیسی از قاسم‌بن یحیی از جدش از ابوبصیر از ابوعبدالله نقل حدیث می‌کند.^{۱۱۴}

عن ابان بن تغلب (۱۴۱ق)
ابان بن تغلب بن رباح ابوسعید البکری.
او به گواهی نجاشی در میان اصحاب ما از منزلتی بزرگ برخوردارست و امامان علی‌بن‌الحسین و ابوجعفر و ابوعبدالله: را دیده و از آنان روایت کرده و نزد آنان دارای منزلت و

۱۱۰. بنگرید به: علی‌نمازی شاهرودی، مستدرکات علم الرجال، ج ۱، ص ۴۱۴.

۱۱۱. بنگرید به: سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۶۲۶.

۱۱۲. رجال النجاشی، ص ۴۴۱.

۱۱۳. محمدبن الحسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۲۱.

۱۱۴. تهذیب الأحکام، (السیدحسن الخراسان)، (تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵

ش)، ج ۲، ص ۱۲۲.



پیشینه بوده است.

حضرت باقر علیه السلام به او فرمود: در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده. چه، من دوست دارم در میان شیعیان مانند تو را ببینند.^{۱۱۵}

عن جابر بن یزید الجعفی (۱۲۸ق)

ابوعبدالله جابر بن یزید الجعفی

به گواهی نجاشی امامان باقر و صادق علیهم السلام را ملاقات کرده است و هجده سال در خدمت حضرت باقر علیه السلام بوده است و حضرت صادق علیه السلام برای او رحمت فرستاده است و او ثقة جلیل و صاحب اسرار و کرامات است.^{۱۱۶}

در یکی از سندهای شیخ صدوق در الامالی جابر بن یزید از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است.^{۱۱۷}

عن جابر بن عبدالله الأنصاری (۷۸ق)

او از اصحاب حضرت رسول ﷺ است و در جنگ بدر و هجده غزوة دیگر شرکت داشت و از امامان تا حضرت باقر علیه السلام را درک کرده بود و از حضرت زهرا علیه السلام هم روایت می کند.

جلالت مقام او معلوم است و نیاز به نقل روایتها در اثبات منزلت او نیست.^{۱۱۸}

از بررسی تاریخ زندگانی و موقعیت طبقات روایی راویان فوق روشن می شود که بین آنان اتصال زمانی وجود دارد و نتوان مدعی شد که بین آنان چنان فاصله ای هست که امکان نقل روایت وجود ندارد.

و اینک سلسله راویان در نمودار زیر مشاهده می شود:

۱۱۵. رجال النجاشی، ص ۱۰

۱۱۶. بنگرید به: علی غازی شاهرودی، مستدرکات علم الرجال، ج ۲، ص ۱۰۶.

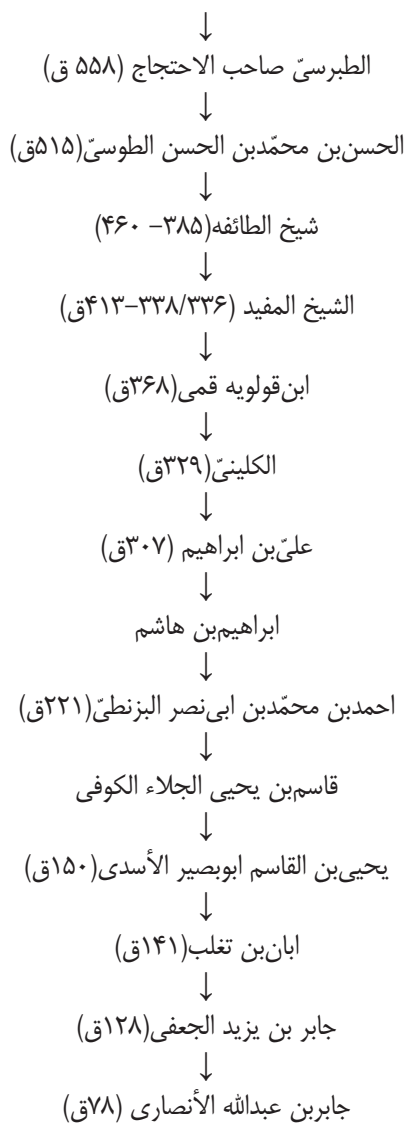
۱۱۷. الامالی، (واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت - قم)، چاپ اول (تهران):

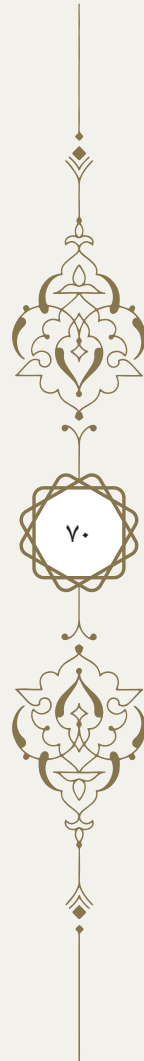
۱۴۱۷ق)، ص ۱۲۴.

۱۱۸. بنگرید به: سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، صص ۱۲ - ۱۶.

السَّيِّد هَاشِم بَحْرَانِي (١١٠٧ق)
 ↓
 السَّيِّد مَاجِد الْبَحْرَانِي (٩٧٦-١٠٢٨ق)
 ↓
 الْحَسَن بَن زَيْن الدِّين الشَّهِيد الثَّانِي (٩٥٩-١٠١١ق)
 ↓
 الْمَقْدَّس الْأَرْدَبِيلِي (٩٩٣ق)
 ↓
 عَلِيّ بَن عَبْدِ الْعَالِي الْكَرْكِي (٩٣٧ق)
 ↓
 الشَّيْخ عَلِيّ بَن هَلَال جَزَائِرِي (زنده در ٩٠٩ق)
 ↓
 الشَّيْخ أَحْمَد بَن فَهْد حَلِّي (٧٥٧-٨٤١ق)
 ↓
 الشَّيْخ عَلِيّ بَن الْخَازَن الْحَائِرِي (زنده در ٧٩١ق)
 ↓
 الشَّيْخ ضِيَاء الدِّين عَلِيّ بَن الشَّهِيد الْأَوَّل (٨٥٦ق)
 ↓
 شَهِيدِ أَوَّل (٧٣٤-٧٨٦ق)
 ↓
 فَخْر الْمَحْقُقِينَ (٧٧١ق)
 ↓
 الْعَلَامَةُ الْحَلِّي (٦٤٨-٧٢٦ق)
 ↓
 ابْنِ نَمَا حَلِّي (٦٨٠/٦٧٦ ق)
 ↓
 مُحَمَّد بَنِ اِدْرِيسِ الْحَلِّي (ح ٥٤٣- ٥٩٨ق)
 ↓
 ابْنِ حَمَزَةَ الطُّوسِي صَاحِبِ ثَاقِبِ الْمَنَاقِبِ (سده ٦ ق)
 ↓
 مُحَمَّد بَنِ شَهْرَآشُوبِ (٤٨٩- ٥٨٨ق)







۳-۴. بررسی متن رایج حدیث کساء

این متن مفصل، گزارش گونه‌ای است از رخدادی تاریخی که توسط حضرت رسول ﷺ با هدف معرفی اهل بیت انجام شده است و راویان فریقین به نقل آن پرداخته‌اند. ولی در این نقل به خصوص، تفصیل بیشتری نسبت به نقل‌های دیگر آمده است و نه تنها نسبت به آنها نقصان ندارد، بلکه زیاده‌های قابل توجه هم در آن دیده می‌شود. از نظر علوم حدیثی این گونه نقل‌ها را نقل به معنی می‌نامند که راوی می‌تواند بر اساس آن با حفظ معنای اصلی حدیث، مطالبی را کم یا زیاد نماید. این کار نزد عالمان علم الحدیث امری روا و پذیرفته شده است.

پدر شیخ بهایی می‌گوید:

اکثر پیشینیان و متأخران از فرقه‌های مختلف اسلامی بر این عقیده‌اند که «نقل به معنی» جایز است به شرط آن که ناقل، یقین داشته باشد معنا را رسانده است.^{۱۱۹}

و شهید ثانی می‌نویسد:

راوی حدیث در صورتی که با واژه‌های زبان عرب و معنای آنها و جایگاه هریک آشنا باشد، می‌تواند نقل به معنی کند.^{۱۲۰} و از این‌ها مهم‌تر، محمد بن مسلم گوید:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: اسمع الحديث منك فأزید و أنقص. قال عليه السلام: إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ، فَلَا بَأْسَ.^{۱۲۱}

به حضرت صادق علیه‌السلام عرض کردم: سخن شما را می‌شنوم و بر آن می‌افزایم یا از آن می‌کاهم. فرمود: اگر نظر به معانی حدیث داری، منعی در این کار نیست.

اینک با نگاهی کلی و فراگیر به متن رایج حدیث کساء

۱۱۹. وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، (السيد عبداللطيف الكوه‌کمری)، (قم)، مجمع‌الذخائر الإسلامية، (۱۴۰۱ق)، ص ۱۵۳.

۱۲۰. بنگرید به: الرعاية في علم الدراية، (عبدالحسين محمدعلي البقال)، چاپ اول، (قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي)، (۱۴۰۸ق)، ص ۳۱۱.

۱۲۱. محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۵۱.

می‌بینیم که نقل به معنا در آن با آگاهی به زبان عرب و جایگاه واژه‌ها صورت گرفته است و آسیبی هم به معنای اصلی آن نرسیده است و پیام اصلی آن با مرویات فریقین در تعارض و تخالف نیست و زیادتی‌های آن از پشتیبانی محتوایی احادیث دیگر برخوردار است. چنان‌که پیشتر در نظریهٔ مراجع و فقها انعکاس یافته بود. ولیکن ما به این مطالب بسنده نمی‌کنیم و فقرات مهم این متن را به احادیث دیگر عرضه می‌کنیم تا سازگاری و همسانی آنها را با یک‌دیگر نشان دهیم. این فقرات به ترتیب عبارتند از:

۱. کَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامُهُ وَ كَمَالُهُ.

فضل بن شاذان به نقل از عمر بن الخطاب روایت می‌کند که گفت:

كُنَّا بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي مَسْجِدِهِ، وَقَدْ صَلَّى بِالنَّاسِ صَلَاةَ الظُّهْرِ، وَ اسْتَنَدَ إِلَى مِحْرَابِهِ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامُهُ وَ كَمَالُهُ، وَ أَصْحَابُهُ مَعَهُ، إِذَا نَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ وَ أَطَالَ النَّظَرَ إِلَيْهَا، وَ نَظَرَ إِلَى الْأَرْضِ وَ أَطَالَ النَّظَرَ إِلَيْهَا ثُمَّ نَظَرَ سَهْلًا وَ جَبَلًا فَقَالَ:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ! أَنْصِتُوا -يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ- وَ اعْلَمُوا أَنَّ فِي جَهَنَّمَ وَادَ [وَادِيًا] يُعْرَفُ بِوَادِ الضَّبَاعِ. وَ فِي ذَلِكَ الْوَادِي بُئْرٌ. وَ فِي ذَلِكَ الْبُئْرِ حَيَّةٌ. فَشَكَتْ جَهَنَّمَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً، وَ يَشْكُو ذَلِكَ الْبُئْرُ حَيَّةً. فَشَكَتْ جَهَنَّمَ مِنْ تِلْكَ الْحَيَّةِ إِلَى اللَّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي كُلِّ يَوْمٍ.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَنْ هَذَا الْعَذَابُ الْمُضَاعَفُ الَّذِي يَشْكُو بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ؟

قَالَ: هُوَ لِمَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ هُوَ غَيْرُ مُلتَزِمٍ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

همراه رسول خدا ﷺ در مسجد بودیم که نماز ظهر را خواند و به محرابش تکیه زد، گویی ماه شب چهاردهم در تمام و کمال بود. و اصحاب هم با حضرتش بودند. در این هنگام آن حضرت به آسمان نگریست و نگاه خود را به آن طولانی کرد و همین‌طور به زمین نگریست و نگاه خود را به آن طولانی کرد. سپس به بیابان و کوه نگاهی انداخت و فرمود:

ای گروه مسلمانان! ساکت شوید -خدا شما را رحمت کند-

و بدانید که در جهنم بیابانی است به نام وادی ضباع. و در آن وادی چاهی است و در آن چاه ماری است. پس جهنم در هر روز هفتاد نوبت به خدا شکایت می‌کند و آن چاه نیز از مار شکایت کند و جهنم از آن چاه به خدا هفتاد نوبت شکایت می‌کند.

گفتند: یا رسول الله، این عذاب دو چندان که عده‌ای از عده دیگر شکایت می‌کند برای کیست؟

فرمود: او برای کسی است که روز قیامت فراپیش بیاید و به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام ملتزم نباشد.

۲. اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ بَيْتِي، وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي، لِحَمَمٍ لِحَمِي، وَ دَمِهِمْ دَمِي. يُؤْمِنُونِي مَا يُولَهُمْ، وَ يَحْزَنُونِي مَا يَحْزَنُهُمْ. أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبَهُمْ، وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ. إِنَّهُمْ مَتِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ.

حاکم نیشابوری به سند خود از زید بن ارقم از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که به علی، فاطمه، حسن و حسین فرمود:

أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ. ۱۲۲

شیخ صدوق به سند خود از ابن عباس روایت می‌کند که گفت: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ: فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ بَيْتِي وَ أَكْرَمَ النَّاسِ عَلَيَّ، فَأَجِبْ مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ أَبْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُمْ وَ وَالٍ مَنْ وَالَاهُمْ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُمْ وَ أَعِنِ مَنْ أَعَانَهُمْ، وَ اجْعَلْهُمْ مَطْهَرِينَ مِنْ كُلِّ رَجَسٍ، مَعْصُومِينَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ أَبْذِهِمْ بِرُوحِ الْقُدُسِ. ۱۲۳

رسول خدا ﷺ روزی نشسته بودند و نزد حضرتش علی، فاطمه، حسن و حسین: حضور داشتند که فرمود:

خدایا، تو می‌دانی که اینان اهل بیت منند و با ارزش‌ترین مردمان بر منند، پس دوست بدار کسانی را که آنان را دوست بدارند، و دشمن بدار کسانی را که آنان را دشمن بدانند، و دشمن بدان کسانی را که آنان را دشمن بدانند، و یاری کن کسانی را که



۱۲۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۱.

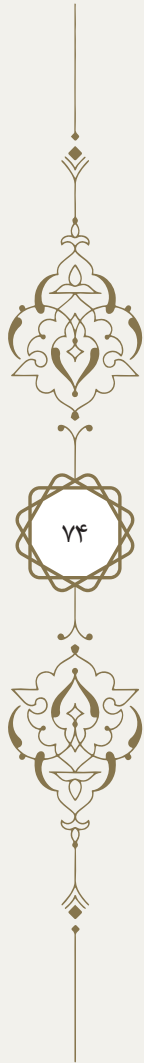
۱۲۳. الامالی، ص ۵۷۴ و ۷۸۷.

آنان را یاری رسانند، و آنان را پاک و پاکیزه از هر گونه پلیدی و معصوم از هر گونه گناه قرار ده و به روح القدس تأییدشان نما. سلیم بن قیس هاللی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت می کند که فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ، أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي كِتَابِهِ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾، فَجَمَعَنِي وَفَاطِمَةَ وَابْنَتِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا ثُمَّ أَلْقَى عَلَيْنَا كِسَاءً وَقَالَ: هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَلِحِمَّتِي، يُولِمُهُمْ مَا يُولِمُنِي وَيُؤْذِينِي مَا يُؤْذِيهِمْ وَيُحَرِّجُنِي مَا يُحَرِّجُهُمْ، فَأَذْهَبَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَنْتِ إِلَى خَيْرٍ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيَّ وَفِي أَخِي [وَفِي ابْنَتِي فَاطِمَةَ] وَفِي ابْنَتِي وَفِي تِسْعَةٍ مِنْ وَلَدِ ابْنَتِي الْحُسَيْنِ خَاصَّةً، لَيْسَ مَعَنَا فِيهَا أَحَدٌ غَيْرُهُمْ. فَقَالُوا كُلُّهُمْ: نَشْهَدُ أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ حَدَّثَتْنَا بِذَلِكَ، فَسَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَحَدَّثَنَا كَمَا حَدَّثَتْنَا بِهِ أُمُّ سَلَمَةَ. ۱۲۴

ای مردم! آیا می دانید که خداوند در کتابش این آیه را نازل فرمود: «جز این نیست که خداوند می خواهد هر گونه پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند»، پس پیامبر ﷺ مرا و فاطمه و دو پسر حسن و حسین را گرد آورد و بالاپوشی بر روی ما انداخت و فرمود: اینان اهل بیت من هستند. آنان را ناراحت می کند آن چه مرا ناراحت می کند. و مرا اذیت می کند آن چه آنان را اذیت می کند. و مرا به تنگ می آورد آن چه آنان را به تنگ می آورد. رجس و پلیدی را از ایشان ببر و آنان را پاکیزه گردان.

ام سلمه عرض کرد: یا رسول الله! من هم با شما هستیم؟ آن حضرت فرمود: عاقبت تو به خیر است، ولی جز این نیست که این آیه درباره من و برادرم و دخترم فاطمه و دو پسر و نه نفر از فرزندان پسر حسن به طور خاص نازل شده است، و هیچ کس جز آنان در این آیه با ما نیست. پس حاضران گفتند: شهادت می دهیم که ام سلمه این مطلب را برای ما نقل کرد و ما همین را از پیامبر خدا ﷺ پرسیدیم



و آن حضرت همان گونه فرمود که امّسلمه به ما گفته بود. شیخ طوسی به سند خود از ابن عباس از حضرت رسول ﷺ روایت می کند که آن حضرت به امّسلمه فرمود: یا امّسلمة! علی منی و أنا من علی، لحمه لحمی و دمه دمی.^{۱۲۵} ای امّسلمه! علی از من است و من از علی، گوشت او گوشت من و خون او خون من است.

۳. إني ما خلقت سماء مبنية و لا أرضا مدحیة و لا شمساً مضیئة و لا قمرأ منیراً و لا فلکاً یدور و لا بحرأ یجری و لا فلکأ یسری إلا لمحبة هؤلاء الخمسة الذین هم تحت الکساء.

حسن میرجهانی طباطبایی جرقویی اصفهانی می نویسد: فی کتاب کشف اللالی لصالح بن عبدالوهاب بن العرنس، أنه روی عن الشيخ إبراهيم بن الحسن الذراق، عن الشيخ علی بن هلال الجزائری، عن الشيخ أحمد بن فهد الحلّی، عن الشيخ زین الدین علی بن الحسن الخازن الحائری، عن الشيخ أبي عبد الله محمد بن مکی الشهید، بطرقه المتصلة إلى أبي جعفر محمد بن علی بن موسی بن بابویه القمی، بطريقه إلى جابر بن یزید الجعفی، عن جابر بن عبد الله الأنصاری، عن رسول الله ﷺ، عن الله تبارک و تعالی، أنه قال:

یا اَحْمَدُ، کَوْلَاکَ کَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلاکَ، وَ کَوْلَا عَلِیَّ کَمَا خَلَقْتُکَ، وَ کَوْلَا فَاطِمَةَ کَمَا خَلَقْتُکُمَا.

ثم قال جابر: هذا من الأسرار التي أمرنا رسول الله ﷺ بكتمانه إلا عن أهله.^{۱۲۶}

به سند مذکور از جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا ﷺ از خداوند تبارک و تعالی روایت است که فرمود: ای احمد، اگر تو نبودی، افلاک را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود، هیچ یک از شما را نمی آفریدم.

۱۲۵. امالی الطوسی، (واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت)، (قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق)، ص ۵۰، ح ۳۴.

۱۲۶. جنة العاصمة، (مؤسسة فرهنگی هنری شمس الضحی)، چاپ دوم، (تهران: شمس الضحی، (ویرایش جدید)، ۱۳۹۰ش)، ص ۳۰۲.

پس جابر گفت: این از اسراری است که رسول خدا ﷺ ما را امر به رازداری آن جز از اهلش کرده است.

و شیخ عبدالله بحرانی به نقل از فرائد السمطين به اسناد خود از ابوهریره از پیامبر ﷺ روایت می کند که فرمود:

لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى آدَمَ أَبَوَ الْبَشَرِ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ، التَّفَتَّ آدَمُ مِثْنَةَ الْعَرْشِ فَإِذَا فِي النُّورِ خَمْسَةُ أَشْبَاحٍ سُجَّدًا وَ رُكْعًا. قَالَ آدَمُ: يَا رَبِّ! هَلْ خَلَقْتَ أَحَدًا مِنْ طِينٍ قَبْلِي؟ قَالَ: لَا، يَا آدَمُ.

قَالَ: فَمَنْ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةُ الْأَشْبَاحُ الَّذِينَ أَرَاهُمْ فِي هَيْئَتِي وَ صُورَتِي؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وَلَدِكَ لَوْ لَا هُمْ، مَا خَلَقْتُكَ. هَؤُلَاءِ خَمْسَةٌ شَقَقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِي. لَوْ لَا هُمْ، مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ، وَ لَا الْعَرْشَ وَ لَا الْكُرْسِيَّ، وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ، وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا الْإِنْسَ وَ لَا الْجِنَّ.^{۱۲۷}

چون خداوند تعالی آدم ابوالبشر را بیافرید و از روح خود در او دمید، آدم به طرف راست عرش نگاهی کرد و ناگاه در نور پنج شبخ دید که در حالت سجده و رکوع اند. آدم عرض کرد: پروردگارا! آیا کسی را پیش از من از گل مرطوب آفریده‌ای؟ فرمود: نه ای آدم.

عرض کرد: پس این پنج شبخ که در شکل و ظاهر شبیه منند کیانند؟ فرمود: اینان پنج تن از فرزندان توسست که اگر آنان نبودند، تو را نمی آفریدم. اینان پنج تن است که پنج نام از نام‌هایم را برایشان مشتق کرده‌ام. اگر آنان نبودند، نه بهشت را می آفریدم و نه دوزخ و نه عرش و نه کرسی و نه آسمان و نه زمین و نه فرشتگان و نه انس و نه جن، هیچ کدام را نمی آفریدم.

۴. ما ذکر خبرنا هذا في محفل من محافل أهل الأرض و فيه جمع من شيعتنا و محبيننا، إلا و نزلت عليهم الرحمة، و حقت بهم الملائكة و استغفرت لهم إلى أن يتفرقوا.

سیدهاشم بحرانی به نقل از ام سلمه روایت می کند که گفت:

شنیدم از رسول خدا ﷺ که می فرمود:

مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا يَذْكُرُونَ فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

وَأَهْلَ بَيْتِهِ إِلَّا وَهَبْتُ الْمَلَائِكَةَ مِنَ السَّمَاءِ يَخْفُونَ بِهِمْ، فَإِذَا تَفَرَّقُوا عَرَجْتُ الْمَلَائِكَةَ إِلَى السَّمَاءِ. فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: إِنَّا نَسْمُ مِنْكُمْ رَائِحَةً مَاشِمُنَاهَا، وَ لَا رَائِحَةَ أَطْيَبَ مِنْهَا! فَيَقُولُونَ: إِنَّا كُنَّا فُتُودًا عِنْدَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، فَعَبَقَ بِنَا مِنْ رِيحِهِمْ. فَيَقُولُونَ: اهْبِطُوا بِنَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانُوا فِيهِ. فَيَقُولُونَ: إِنَّهُمْ تَفَرَّقُوا.^{۱۲۸}

هیچ گروهی فضل محمد و علی بن ابی طالب و اهل بیتش را یاد نمی کنند مگر این که فرشتگان از آسمان به زمین می آیند و پیرامون آنان را احاطه کنند و چون متفرق شوند، فرشتگان به آسمان بالا می روند. فرشتگان می گویند: ما از شما بویی می شنویم که تا به حال نشنیده بودیم و بویی خوش تر از آن نشنیده ایم. آن فرشتگان در پاسخ گویند: ما نزد گروهی نشسته بودیم که فضل محمد و آل محمد را یاد می کردند که بوی آن نصیب ما گردید. پس می گویند: ما را نیز به آن مکانی که بودند ببرید. آنان در پاسخ می گویند: ایشان متفرق شده اند.

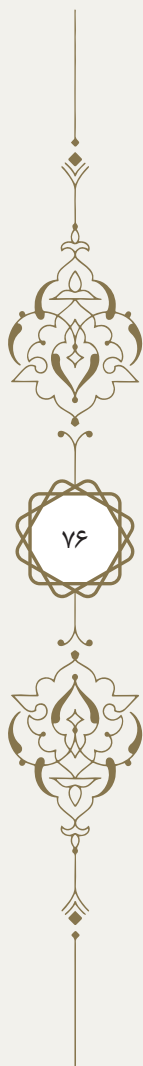
شیخ صدوق به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

تَجْلِسُونَ وَ تَتَحَدَّثُونَ؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، نَعَمْ. قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا. إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا وَ ذَكَّرْنَا عَنْدهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ، غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ.^{۱۲۹}

می نشینید و حدیث می گویند؟ راوی گفت: عرض کردم: جانم به فدایت بلی. فرمود: آن مجالس را دوست دارم، پس امر ما را دوست بدارید. به یقین هر کس ما را یاد کند و نزد او یاد شویم و از چشمش مانند پر مگسی اشک جاری شود، خدای گناهانش را بیامرزد گرچه بیشتر از کف دریا باشد.

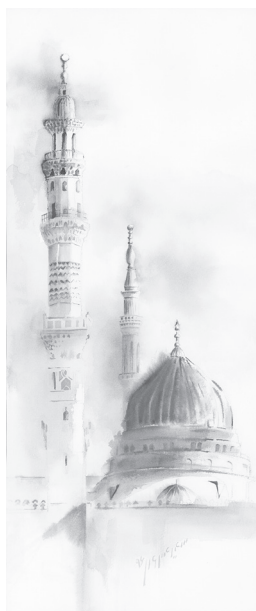
۱۲۸. البرهان فی تفسیر القرآن، (مؤسسه البعثه)، چاپ اول، (قم: ۱۴۱۵ ق)، ج ۵، ص ۳۷۶.

۱۲۹. ثواب الأعمال، (علی اکبر غفاری)، (تهران: نشر صدوق و قم، کتبی نجفی)، ص ۱۸۷.



شیخ کلینی به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ سَوَى الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ فَإِذَا مَرُّوا بِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ قَالُوا قِفُوا فَقَدْ أَصَبْتُمْ حَاجَتَكُمْ فَيَجْلِسُونَ فَيَتَفَقَّهُونَ مَعَهُمْ فَإِذَا قَامُوا عَادُوا مَرْضَاهُمْ وَ شَهِدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ تَعَاهَدُوا غَائِبَهُمْ فَذَلِكَ الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْقَى بِهِ جَلِيسٌ. همانا برای خدا جز فرشتگان کرام کاتبین فرشتگانی گردش گر باشد که هرگاه به گروهی برخورد کنند که محمد و آلش را یاد می کنند گویند: بایستید که به حاجت خود رسیدید آنگاه می نشینند و با آنان تفقه و دانش اندوزی می کنند و هرگاه بایستند از بیمارانشان عیادت کنند و نزد پیکرهای امواتشان حضور یابند و از غائبشان خبر بگیرند و این است همان مجلسی که هر که در آن نشیند نگون بخت نگردد.^{۱۳۰}





فصل چهارم

شبهات حدیث کساء و پاسخ آنها

سرآغاز

۴-۱-۱. شبههٔ اول: فاقد سند بودن حدیث کساء و

نادرستی سند موجود آن

۴-۱-۲. پاسخ به شبههٔ اول

۴-۲-۱. شبههٔ دوم: تشریعی بودن اراده در آیه تطهیر

۴-۲-۲. پاسخ شبههٔ دوم

۴-۳-۱. شبههٔ سوم: عدم انحصار «إنما» در معنای

حصص

۴-۳-۲. پاسخ شبههٔ سوم

۴-۴-۱. شبههٔ چهارم: شمول اهل بیت بر همسران

پیامبر صلی الله علیه و آله

۴-۴-۲. پاسخ شبههٔ چهارم

۵-۴-۱. شبهه پنجم: عادی بودن رخداد حدیث کساء

۵-۴-۲. پاسخ شبههٔ پنجم



سرآغاز

حدیث کساء هم‌چون دیگر دلایل امامت از دیرباز مورد حملهٔ مخالفان قرار گرفته است و شبهات متعدّد آن پیشینهٔ کهن و تاریخی دارد و تا به امروز نیز ادامه داشته است. و این خود نشانگر اهمیّت این حدیث و دلالت‌های مهم عقیدتی و معرفتی آن است. در این فصل به بررسی و پاسخ این شبهات می‌پردازیم تا چهرهٔ درخشان حقیقت بیشتر به دیده آید و راه هدایت به روی طالبان آن هموارتر شود.

۴-۱- شبههٔ اوّل:

فاقد سند بودن متن رایج حدیث کساء و نادرستی سند موجود آن دانشور معاصر جناب آقای محمّدی ری‌شهری می‌نویسد:

در این اواخر حدیثی به عنوان حدیث کساء در میان شیعیان شایع گردیده که پایه و اساسی ندارد.

دلایل بی پایه بودن این حدیث بسیار است که اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. این حدیث در هیچ یک از کتب معتبر فریقین وجود ندارد، حتّی کتاب‌هایی که هدف آنها جمع‌آوری احادیث منسوب به اهل بیت بوده است (هم‌چون بحار الانوار).

۲. تا آن‌جا که ما می‌دانیم، نخستین کتاب که این حدیث را بی‌سند نقل کرده است - همان‌طور که محدّث قمی اشاره کرده - کتاب منتخب طریحی است. و این بدان معنی است که از صدر اسلام تا حدود هزار سال بعد، از این حدیث هیچ اثری در کتب حدیثی دیده نمی‌شود.

۳. شگفت‌انگیز این که این حدیث بی‌سند، در حاشیهٔ نسخهٔ خطی کتاب عوالم العلوم باسند می‌شود که شرح آن چنین است:

رأيت بخط الشيخ الجليل السيد هاشم، عن شيخه السيد ماجد البحراني، عن الحسن بن زين الدين الشهيد الثاني، عن شيخه المقدس الأردبيلي، عن شيخه علي بن عبد العالي الكركي، عن الشيخ علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ أحمد بن فهد الحلبي، عن الشيخ علي بن الخازن الحائري، عن الشيخ ضياء الدين

علی بن الشہید الأول، عن أبيه، عن فخرالمحققين، عن شيخه العلامة الحلي، عن شيخه المحقق، عن شيخه ابن همام الحلي، عن شيخه محمد بن إدريس الحلي، عن ابن حمزة الطوسي صاحب «ثاقب المناقب»، عن الشيخ الجليل محمد بن شهر آشوب، عن الطبرسي صاحب «الاحتجاج»، عن شيخه الجليل الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي، عن أبيه شيخ الطائفة، عن شيخه المفيد، عن شيخه ابن قولويه القمي، عن شيخه الكليني، عن علي بن إبراهيم، [عن أبيه إبراهيم] بن هاشم عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، عن قاسم بن يحيى الجلاء الكوفي، عن أبي بصير، عن أبان بن تغلب البكري، عن جابر بن يزيد الجعفي، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، عن فاطمة الزهراء سلام الله عليها بنت رسول الله ﷺ قال:

سمعت فاطمة أنها قالت: دخل عليّ أبي رسول الله... .

و اینک چند نکته درباره این سند:

الف. تنها مستند سند مذکور، گفته شیخ نورالدین عبدالله بحرانی (مؤلف عوالم العلوم) است که بر فرض ثبوت، می گوید به خط سیدهاشم بحرانی دیدم.... ؛ ولی معلوم نیست چه کسی ضامن صحت تشخیص او در این که آن خط ضرورتاً خط سیدهاشم بحرانی است، خواهد بود!

ب. سیدهاشم بحرانی که این سند منسوب به اوست، این حدیث را در کتابهای خود (تفسیر البرهان و غایة المرام) نیاورده است، با این که او در این کتابها به جمع احادیث همت داشته است، نه ارزیابی و تصحیح آنها؛ بلکه آن چه او در این کتابها آورده سنداً و متناً مخالف چیزی است که این خط به او نسبت می دهد.

ج. بسیاری از محدثان بزرگ شیعه، هم چون: کلینی، طوسی، مفید، طبرسی، و ابن شهر آشوب که در این سلسله سند آمده اند، در کتب خود، حدیث کساء را به همان گونه ای آورده اند که در این جزوه اشاره شد و مخالف متن حدیث کسانی شایع است.

د. سلسله سندی که برای این حدیث در حاشیه عوالم ذکر شده،



به قدری اشکال دارد که اگر کسی کمترین اطلاعی از علم رجال داشته باشد، نادرست بودن آن را آشکارا تشخیص می‌دهد. هـ. متن حدیث علاوه بر این که مخالف همه متن‌های معتبر است، سستی‌هایی دارد که بر اهل درنگ و دقت، پوشیده نیست.^{۱۳۱} آیت‌الله شیخ ناصر مکارم شیرازی می‌نویسد:

این حدیث نخستین بار در کتاب «منتخب طریحی» (متوفای ۱۰۸۵) از علمای قرن یازدهم آمده است. محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی در منتهی‌الآمال، در شرح زندگی امام حسین علیه‌السلام پس از بیان این نکته که حدیث اجتماع خمسة طيبة: تحت کساء از احادیث متواتره است، می‌نویسد: «اما حدیث معروف به حدیث کساء که در زمان ما شایع است، به این کیفیت در کتب معتبر و معروف و اصول حدیث و مجامع متقنه محدثین دیده نشده، می‌توان گفت از خصایص کتاب «منتخب» است».

از این رو جناب ایشان آن را در مفاتیح الجنان نیاورده است و ناشران بر خلاف میل آن بزرگوار آن را در پایان مفاتیح اضافه کرده‌اند.^{۱۳۲}

پس از کتاب منتخب، این حدیث در کتاب عوالم آمده است. صاحب عوالم (شیخ عبدالله بحرانی) از شاگردان مرحوم علامه مجلسی و از علمای قرن دوازدهم است. در این کتاب برای این حدیث سندی ذکر کرده است که از جهاتی جای تأمل دارد:

الف) سند این حدیث مطابق نسخه خطی موجود در کتابخانه یزد موجود است و خط آن نیز با خط متن که دست خط

۱۳۱. پژوهشی درباره حدیث کساء، صص ۱۹-۲۴.

۱۳۲. عالم بزرگوار و استاد زاده گرامی حضرت حجة الاسلام آقای شیخ حسن نمازی به این جانب فرمودند: فرزند مرحوم شیخ عباس قمی جناب حجة الاسلام آقای محسن محدث زاده به من گفت: آقای آخوندی صاحب کتابفروشی دارالکتب الاسلامیه مفاتیح الجنان را به همراه حدیث کساء برای تصحیح نزد پدرم آوردند و ایشان بدون ابراز نارضایتی آنها را پس از تصحیح جهت چاپ تحویل دادند و این نشان می‌دهد که الحاق حدیث کساء به آخر مفاتیح با رضایت ایشان بوده است.



صاحب عوالم است، متفاوت می‌باشد.

ب) برخی از افراد سلسلهٔ سند، حدود هشتاد سال با یک‌دیگر فاصله دارند که قاعدتاً یکی از آنها نمی‌تواند از دیگری نقل حدیث نماید.

ج) بعضی از افراد این سند در کتب رجالی توثیق نشده‌اند. ولی از آن‌جا که محتوای حدیث اشکال خاصی ندارد و بعضی از علما به قرائت آن اهمیت می‌دادند، و با توجه به «احادیث من بلغ» می‌توان آن را به قصد رجا و به امید برآورده شدن حاجات خواند.^{۱۳۳}

۴-۲. پاسخ به شبههٔ اول

در پاسخ به نکات مذکور باید گفت که لازم نیست مؤلفان همهٔ مطالب کتاب‌های خود را به خط خود بنویسند؛ آنان در موارد بسیاری دستیار کاتب داشته‌اند. مانند بحارالانوار که بخش‌هایی از آن به خط علامه محمدباقر مجلسی نیست. و همان‌گونه که در فصل اول این نوشتار گذشت، بسیاری از دانشمندان شیعی به همین خط موجود در حاشیهٔ عوالم اعتماد کرده‌اند، و تفاوت خط را مورد اشکال و ایراد قرار نداده‌اند. و عدم نقل این حدیث در دیگر آثار سیدهاشم بحرانی دلیل بر ضعف و نادرستی آن نمی‌باشد. بلکه از این جهت که او شاگرد شیخ فخرالدین طریحی، ناقل این حدیث بوده است، نقل حدیث کساء از استادش به هیچ وجه بعید نخواهد بود. و ادعای تخالف این نقل با دیگر آورده‌های وی، علیل و بی‌دلیل است.

و دیگر این‌که متن رایج حدیث کساء متن مفصلی است از همان احادیثی که فریقین در کتاب‌های خود آورده‌اند، و راوی با توجه به تجویز نقل به معنا، و بر اساس همان احادیث و احادیثی دیگر، آن را نقل کرده است. و پیش‌تر گفتیم که نقل به معنا در نزد دانشمندان علوم حدیث با تکیه بر روایات صحیح رواست و اختصاص به عصر ائمه علیهم‌السلام

ندارد، بلکه هر راوی در هر عصر و زمانی که باشد می‌تواند با آگاهی به واژه‌های زبان عربی و اطلاع از پیام اصلی حدیث اقدام به نقل معنا کند و این در محاورات عقلایی امری جاری و شایع است و شارع نیز از این رویه، ردعی و منعی نداشته است. محقق حلی برای این مطلب چنین استدلال می‌آورد:

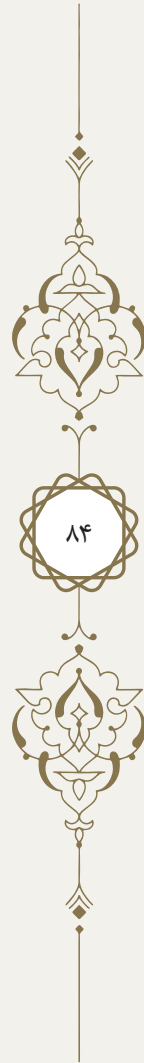
اصحاب پیامبر ﷺ مجالس آن حضرت را پس از سپری شدن آن‌ها و گذشت زمانی طولانی روایت می‌کردند، و به طور عادی بقای خود الفاظ در ذهنشان بعید می‌نماید. و دیگر این‌که خداوند سبحان یک داستان را با واژه‌های گوناگون بیان می‌دارد.^{۱۳۴}

بنابراین توان گفت که این حدیث در هیچ یک از کتب معتبر فریقین و دانشمندانی چون کلینی، مفید و... وجود ندارد، و توان گفت که اصل آن در کتب معتبر فریقین آمده است. و تفصیل آن که در قرون پسین آمده است، پشتوانه حدیثی استواری دارد و با هیچ یک از احادیث معتبر آنان، مخالفت و تعارضی ندارد. و دیگر این‌که وقتی پشتوانه دلالتی حدیث قطعی و معتبر باشد، دلیلی بر جستجو از سند یا عین الفاظ باقی نمی‌ماند. چه بسیار احادیثی در دست است که نیاز به ذکر سند ندارند؛ زیرا محتوای آن‌ها به قدری ارزشمند و محکم است که به تنهایی دلالت بر صدور آن‌ها از مصدر عصمت و طهارت دارد. و نمونه‌ای از آن از مرحوم سید حسن میرجهانی در فصل سوم، ضمن بررسی متن حدیث کساء آمده است.

جالب این‌که جناب آقای محمدی ری‌شهری در تعارض با مطالب پیش‌گفته خود می‌نویسد:

«شیوه عالمان سلف، بر آن بوده است که در نقل ادعیه و زیارات سخت‌گیری سندی نمی‌کرده‌اند و به تسامح در ادله سنن قائل بوده‌اند. این شیوه، با سخت‌گیری در گزارش احادیث فقهی - حقوقی کاملاً متفاوت بوده است.

۱۳۴. معارج الأصول، (قم: مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۳ ق)، ص ۱۵۳.



از این رو مشاهده می‌شود مرحوم شیخ طوسی، احادیث فقهی موجود در کتاب تهذیب الاحکام را با دقت در اسناد گزارش می‌کند؛ ولی در کتاب مصباح المتهجد، شیوه معمول ایشان، گزارش متون ادعیه و زیارت، بدون ذکر اسناد است. بنابراین پیگیری اسناد منضبط و دقیق فقهی در متون ادعیه و زیارات، گاه پژوهش‌گر را دچار مشکل می‌کند؛ چون این شیوه نزد پیشینیان، متعارف و معمول نبوده است.

در تأیید این شیوه می‌گوییم: ... در ارزیابی و سنجش دعا، مضمون و محتوا مورد توجه است، نه بحث و دقت در سند و طریق. از این رو، حتی فراتر از قاعده تسامح در ادله سنن نیز می‌توان مناجات، دعا و زیارت را پذیرا شد.^{۱۳۵}

و هم چنان که پیش‌تر در بررسی سلسله سند متن رایج حدیث کساء آوردیم، این سند صحیح است و بین راویان آن اتصال تاریخی و امکان نقل حدیث از یکدیگر وجود دارد. و عدم نقل حدیث در فاصله تاریخی حدود هشتاد سال بین سیدهاشم بحرانی و سید ماجد بحرانی، استبعادی بیش نیست. زیرا با توجه به تاریخ حیات این دو راوی به خوبی معلوم می‌شود که سیدهاشم امکان نقل حدیث در نوجوانی از استادش، سیدماجد داشته است. و باید دانست که همه آن راویان جز قاسم‌بن یحیی توثیق شده‌اند. و عدم توثیق این راوی با توجه به این که احمدبن محمدبن ابی‌نصر بزنطی جز از ثقه نقل نمی‌کند، خللی در اعتبار سند وارد نمی‌سازد.

۴-۲-۱. شبهه دوم:

تشریعی بودن اراده در آیه تطهیر

برخی از دانشوران بر آنند که اراده الهی در آیه تطهیر اراده تکوینی او مبنی بر تطهیر اهل بیت نیست. بلکه اراده تشریعی متضمن امر و محبت و رضاست. بر این اساس خداوند دوست دارد که اهل بیت در پرتو عمل به وظایف و

۱۳۵. دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه، (عبدالهادی مسعودی)، چاپ اول،

(قم: دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش) ج ۶، ص ۳۸۸.

تکالیف الهی خود از هرگونه پلیدی پاک گردند.^{۱۳۶} ابن تیمیّه می‌نویسد:

فالإرادة هنا متضمنة للأمر و المحبة و الرضا، و ليست هي المشيئة المستلزمة لوقوع المبراد. فإنه لو كان كذلك، لكان قد طهر كل من أراد الله طهارته.^{۱۳۷}

۴-۲. پاسخ شبهه دوم

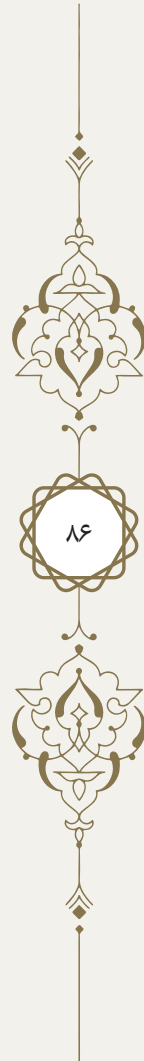
با تکیه بر نظریه عمومی دانشمندان اسلامی، حدیث کساء و از جمله آیه تطهیر در صدد مدح و بزرگداشت خاصّ پیامبر و اهل بیت آن حضرت وارد شده است، و بی‌شک این هدف جز با اراده تکوینی محقق نمی‌شود. و اگر اراده در این‌جا تشریعی باشد، آنان با دیگر مسلمانان تفاوتی نخواهند داشت، و این بدیهی ست که خداوند از همگان می‌خواهد که به وظایف و تکالیف شرعی خویش عمل کنند و از هرگونه آلودگی و پلیدی دور باشند. بنابراین اراده تکوینی الهی به دور بودن اهل بیت از هرگونه پلیدی تعلق گرفته است. و این روی‌آورد، منقبت و امتنانی بس ارزنده برای اهل بیت به شمار می‌رود. و دیگر این‌که تشریعی بودن اراده در این‌جا با حصر موجود در آیه سازگاری ندارد؛ عمل به احکام الهی و پاک بودن در پرتو فرمان‌بری از دستورات دین، اختصاص به گروه و افراد خاصّی ندارد در حالی که در این آیه کلمه «إنّما» از انحصار اراده در مورد اهل بیت حکایت دارد.

۴-۳. شبهه سوم:

عدم انحصار «إنّما» در معنای حصر از آن‌جا که حدیث کساء بر انحصار مصادیق آیه تطهیر در پنج تن آل عبا تأکید دارد و از تفسیر عملی و کرداری پیامبر ﷺ هم بر می‌آید، مخالفان، شبهه عدم انحصار را

۱۳۶. بنگرید به: سیّد محمود آلوسی، روح المعانی، (علی عبدالباری عطیه)، چاپ اوّل، (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق)، ج ۱۱، ص ۱۹۹.

۱۳۷. منهاج السنّه، ج ۴، ص ۲۱.



مطرح ساخته‌اند و می‌گویند: لفظ انما همیشه دلالت بر حصر ندارد؛ زیرا می‌بینیم در مواردی از قرآن این کلمه در غیر معنای حصر به کار رفته است. از جمله در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ يَغْيَرُ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.^{۱۳۸} به یقین خداوند بر شما گوشت مردار، خون، گوشت خوک و هر حیوانی را که به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن گفته شود بر شما حرام کرده است. پس هرکس ناچار شود در حالی که ظالم و تجاوزکار نباشد، خوردن آن‌ها بر او گناهی نیست. خداوند آمرزنده و رحمت‌گر است.

چنانچه «انما» در این آیه معنی حصر داشته باشد، مستلزم این خواهد بود که جز در این چهار مورد حرامی دیگر نباشد، در حالی که به اجماع همهٔ مسلمین حرام‌های دیگر نیز داریم.^{۱۳۹}

۴-۳-۲. پاسخ شبههٔ سوم

اصل وضع و کاربرد لفظ «انما» در معنی حصر است مگر این که قرینه‌ای برخلاف آن به اثبات رسد. چنان که ابن هشام در بحث «ان» می‌نویسد: سخن زمخشری در این که «انما» مثل «انما» مفید حصر است صحیح است.^{۱۴۰} و سیداحمد هاشمی، ادیب مصری، «انما» را یکی از راه‌های حصر دانسته است.^{۱۴۱} و عمدهٔ مفسرین نیز «انما» را در آیهٔ تحریم، حصر گرفته‌اند. منتها باید دانست که حصر خود دو گونه است: اضافی و حقیقی؛ و در این مورد حصر اضافی است. چه؛ مشرکان بر این باور بودند که می‌توان چیزهای خبیث مانند مردار، خون، خوک و گوشت قربانی برای بت‌ها را خورد و آن‌ها را حلال می‌شمردند؛ خداوند برای ابطال این

۱۳۸. سورة بقره، آیه ۱۷.

۱۳۹. بنگرید به: فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۳۸۶.

۱۴۰. ابن هشام، مغنی اللیب، (مازن مبارک و محمدعلی حمدالله)، چاپ اول، (سیف‌زاده، ۱۳۶۸)، ص ۵۹.

۱۴۱. سیداحمد هاشمی، جواهر البلاغه، چاپ دوازدهم، (بیروت: دار احیاء التراث العربی)، ص ۱۸۱.

عقیده فرمود: جز این نیست که گوشت مردار، خون و گوشت خوک و حیوانی که به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن برده شود حرام گردیده است.

۴-۱. شبهه چهارم:

شمول اهل البیت بر همسران پیامبر ﷺ خاستگاه این شبهه سیاق و جایگاه آیه تطهیر در ضمن آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ است که با دلیل قلمداد کردن آن، نظریه اشتراک آنان را با اصحاب کساء ابراز کرده‌اند، مانند این کثیر که می‌گوید:

ثُمَّ الَّذِي لَا يَشْكُ فِيهِ مِنْ تَدْبِيرِ الْقُرْآنِ أَنَّ نِسَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَاخِلَاتٌ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾؛ فَإِنَّ سِيَاقَ الْكَلَامِ مَعَهُنَّ.^{۱۴۲} آن‌چه که انسان متدبر در قرآن در آن شک نمی‌کند این است که همسران پیامبر ﷺ در آیه مذکور داخل هستند؛ زیرا که سیاق کلام با آنان است.

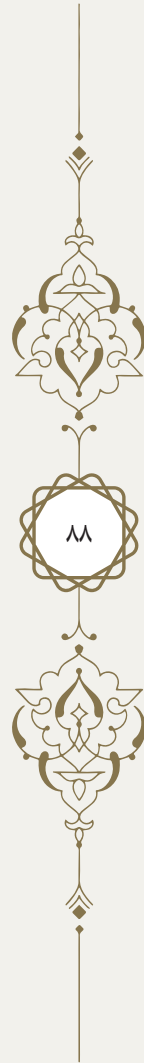
۴-۲. پاسخ شبهه چهارم

امکان دارد سیاق آیه ظهوری ابتدایی برای آن شکل دهد، ولی چنان‌چه ادله‌ای قوی و معتبر بر خلاف آن وجود داشته باشد، قاعده این است که از آن ظهور اولیه دست برداریم و در تفسیر و برداشت از آن آیه بر ادله محکم تکیه کنیم. و این مسلم است که هر جزء از آیات قرآن می‌تواند بیان‌گر موضوع خاصی باشد و لزومی ندارد که آیات قرآن به طور یک‌پارچه و یک‌دست درباره یک موضوع باشد؛ چنان‌که حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ؛ إِنَّ الْآيَةَ يَنْزِلُ أَوَّلُهَا فِي شَيْءٍ وَ أَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ.^{۱۴۳} هیچ چیز مانند قرآن از عقل‌های مردان دورتر نیست؛ چه

۱۴۲. تفسیر القرآن العظیم، (بیروت: ۱۳۸۸ق)، ج ۶، ص ۳۷۰.

۱۴۳. محمد بن الحسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.



اول یک آیه درباره چیزی و وسط آن درباره چیزی و آخر آن درباره چیزی است.

روایت‌های پر شمار از شأن نزول آیه تطهیر تردیدی در این باقی نمی‌گذارد که همسران پیامبر ﷺ از مصادیق واژه اهل‌البیت نیستند. و گذشته از آن، تکرار این کلمه درباره آنان توسط پیامبر و ائمه‌علیهم‌السلام و مذکر آمدن ضمیر بر «عنکم» و عدم ادعای اشتراک توسط همسران، شواهدی بر اختصاص آیه به پنج تن آل عبا است. و در حدیث کساء آمده است که ام‌سلمه درخواست ورود به درون کساء کرد، ولی می‌بینیم که پیامبر ﷺ او را از این کار باز داشت و فرمود: «تو از همسران پیامبری»، و نفرمود: «تو از اهل‌بیت هستی».^{۱۴۴}

۴-۵-۱. شبهه پنجم

عادی بودن رخداد حدیث کساء

نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۵ ش) می‌نویسد: گرچه این واقعه آن روز که اتفاق افتاد یک قصه کاملاً عادی و ساده بود زیرا سبب اصلی آن فقط این بود که دختر پیغمبر به فکر افتاد برای پدرش غذای مطبوعی بپزد و پدرش مایل بود که آن غذا را با عزیزانش تناول کند و پس از صرف غذا بر حسب عادت استراحت کردند، و رسول خدا از روی علاقه مخصوصی که به آنها داشت درباره آنان دعا کرد ولی با گذشتن زمان ارزش تاریخی پیدا کرد؛ و چون از محبوبیت بی اندازه علی و فاطمه و حسنین در نزد پیغمبر حکایت می‌کرد در مقام ذکر افتخارات آنها در چند مورد به آن استدلال شده است.

معمولاً قضایای عادی هنگامی که رخ می‌دهد، چندان مورد توجه و عنایت نیست ولی با گذشتن زمان کم‌کم جنبه تاریخی پیدا می‌کند و برای ذکر افتخارات یا بیان روحیات اشخاص یا توضیح وضع محیط یا امور دیگر از آن استفاده می‌شود.^{۱۴۵}

۱۴۴. بنگرید به: حافظ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۱۲۴.

۱۴۵. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، بانوی مهربان در کنار پدر، مجله مکتب

آن چه نویسنده پیش گفته ادعا نموده است بدون دلیل و هدفدار می باشد؛ زیرا رخداد حدیث کساء همان طور که دانشمندان اذعان دارند در مناسبت ها و زمان های متعدّد تکرار شده است و قضیه ای خاص و خارجی نمی تواند مخصّص اصل موضوع پیام و مغیر حقیقت آن باشد. از دقت در منابع این حدیث از فریقین به طور قطع معلوم می شود که عصمت و پاکیزگی اهل بیت محور اصلی این رخداد پیام دار بوده است و مثل بسیار دیگری از محورهای اعتقادی در مقام بیان به شکل های مختلف در زمان های گونه گون ادا شده است. نویسنده با تکیه به برخی از نقل های این حدیث - مثل روایت فرات کوفی - مهمانی و پذیرایی حضرت زهرا سلام الله علیها را قرینه برای عادی جلوه دادن این رخداد قرار داده است در حالی که بسیاری از نقل های آن فاقد چنین مقدمه ای می باشد، چنان که در روایت های دیگر فرات کوفی هم چنین است. و در همین کتاب روایاتی چند آمده است که حضرت رسول ﷺ صبحگاهان از در خانه فاطمه سلام الله علیها عبور می کرد و آیه تطهیر را قرائت می نمود و بر اهل آن خانه خطاب می کرد: السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة.^{۱۴۶} بی تردید این گونه رفتار پیامبر ﷺ نشان می دهد که حدیث کساء رخدادی اعتقادی و مهم است و از سر عادت و ابراز محبت از جانب آن حضرت نسبت به اهل بیت نبوده است. بر این اساس جایگاه ویژه اهل بیت از همان ابتدا به عنوان مصداق های آیه تطهیر بر همگان روشن بوده است.

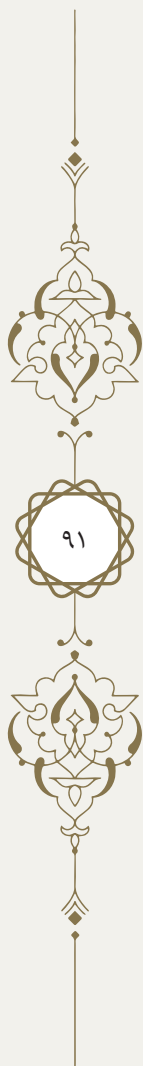
نتیجه گیری

حدیث کساء هم‌چون دیگر احادیث معتبر - مانند حدیث ثقلین، حدیث غدیر و حدیث سفینه - از دلایل مهم و اساسی امامت، عصمت و ولایت اهل بیت به شمار است. این حدیث، به ویژه بیان آیه تطهیر نیز به حساب می‌آید. چنان‌چه حدیث کساء نبود، مصداق اهل‌البیت علیهم‌السلام در آن آیه پوشیده می‌ماند و گمان می‌شد که همسران و دیگر اعضای خانوادهٔ پیامبر ﷺ نیز مشمول آیه تطهیرند؛ چنان‌که ادّعا هم کرده‌اند.

حدیث کساء از نظر چندین دانشمند اهل تسنّن و تشیع و با توجه به روایت‌های فراوان اسلامی، متواتر لفظی و معنوی است؛ و دست کم، بنا بر نظر برخی دیگر از آنان مستفیض می‌باشد. و دلالت آن نیز بر حقانیت عقاید شیعه در باب عصمت و امامت قطعی می‌نماید. و شبهات و تشکیکات در دو جنبهٔ صدور و دلالت واهی و بی‌اساس است.

متن این حدیث که در میان شیعیان رواج بسیار دارد، گزارشی مفصل از رخداد حدیث کساء است. این تحقیق با توجه به پشتوانهٔ کهن و روایی اصل حدیث کساء و عرضهٔ متن رایج آن به قرآن و دیگر روایت‌ها و با پذیرش اخبار من‌بلغ و تجویز نقل به معنی نشان داده است که به طور کلی حدیث کساء قابل انکار و رد نیست و نسبت دادن آن به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها صحیح است. و همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، سیرهٔ عالمان و فقیهان شیعه در نقل ادعیه و زیارت‌های مشتمل بر معارف الهی، مبنی بر تسامح است. و دلیلی نداریم که این گونه‌متون پرمحتوا را با حربهٔ ضعف یا فقدان سند مورد رد و انکار قرار دهیم؛ و برعکس، محتوای نورانی آن متون، خود دلیل استواری بر مقبولیت آنهاست.





منابع و مأخذ

أ. كتابهای عربی

١. قرآن کریم
٢. الصحيفة السجّاديّة الجامعة، قم، مؤسّسة الإمام المهديّ٧، ط ١، ١٤١١ق، ج ١.
٣. آلوسی، سیّد محمود (١٢٧٠ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط ١، ١٤١٥ق.
٤. ابن تیمیّة الحرّانی، احمد بن عبدالحلیم (٦٦١ - ٧٢٨ ق)، منهاج السنّة النبویّة، تحقیق محمّد رشاد سام، قرطبه، ١٤٠٦ ق.
٥. ابن شهر آشوب، محمّد بن علی (٤٨٩ - ٥٨٨ ق)، معالم العلماء، قم.
٦. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل (٧٧٤ ق)، تفسیر القرآن العظيم، بیروت، ١٣٨٨ ق.
٧. ابن نما، جعفر بن محمّد حلی (سده ٧ ق)، ذوب النضار فی شرح الثار، قم، جامعه مدرّسین، ط ١، ١٤١٦ ق.
٨. أفندی الاصفهانی، عبدالله (١٠٦٧ - ١١٣٠ ق)، ریاض العلماء، تحقیق السيّد أحمد الحسينيّ، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي العامّة، ١٤٠١ ق، ج ٧.
٩. امينيّ، عبدالحسين بن احمد (١٣٢٠ - ١٣٩٠ ق)، الغدير فی الكتاب و السنّة و الأدب، تهران، ١٣٩٦ ق.
١٠. ابن المغازليّ، الفقيه الحافظ الخطيب ابوالحسن علیّ بن محمّد بن محمّد الواسطيّ الجلابيّ الشافعيّ (٤٨٣ - ق)، مناقب علیّ بن أبي طالب عليه السّلام، تحقیق و تعلیق محمّد باقر بهبودی، تهران، المكتبة الإسلاميّة، ط ٢، ١٤٠٢ق.
١١. ابن هشام، جمال الدّین (٧٦١)، مغنی اللیب، (مازن مبارک و محمّد علی حمدالله)، چ ١، سیف زاده، ١٣٦٨.
١٢. اصبهانی، ابونعیم الحافظ احمد بن عبدالله (٣٣٤ - ٤٣٠ ق)،



النور المشتعل من كتاب ما نزل من القرآن في عليّ عليه السلام، جمع، ترتيب، تقديم و تعليق شيخ محمدباقر محمودي، تهران، وزارت ارشاد اسلامي، ط ١، ١٤٠٦ ق.

١٣. انصاري، محمدحيات، فضائل اهل البيت، خط مؤلف. قم، نرم افزار كتابخانه اهل بيت.

١٤. انصاري زنجانى خوئينى، اسماعيل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء سلام الله عليها، قم، دليل ما، ط ٢، ١٤٢٩ ق، ج ٢٥.

١٥. بحرانيّ الإصفهانيّ، الشيخ عبدالله بن نورالله (سدة ١٢ ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، تحقيق مؤسّسة الإمام المهديّ، قم، ط ٣، ١٤١٦ ق.

١٦. بحرانيّ، السيّد هاشم (١١٠٧ ق)، البرهان في تفسير القرآن، تحقيق مؤسّسة البعثة، قم، ط ١، ١٤١٥ ق.

١٧. بحرانيّ، يوسف بن احمد (١١٠٧ - ١١٨٦ ق)، لؤلؤ البحرين في الإجازات و تراجم رجال الحديث، تحقيق محمدصادق بحرالعلوم، قم، مؤسّسة آل البيت.

١٨. بروجرديّ، سيّد عليّ (١٣١٣ ق)، طرائف المقال، تحقيق السيّد مهديّ الرجائيّ. قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشيّ النجفيّ العامّة، ط ١، ١٤١٠ ق.

١٩. بصري، احمد بن عبدالرضا (١٠٢٠ - ١٠٨٥ ق)، فائق المقال، تحقيق غلامحسين قيصريّه، قم، دارالحديث الثقافيّة، ط ١، ١٣٨٠ ش.

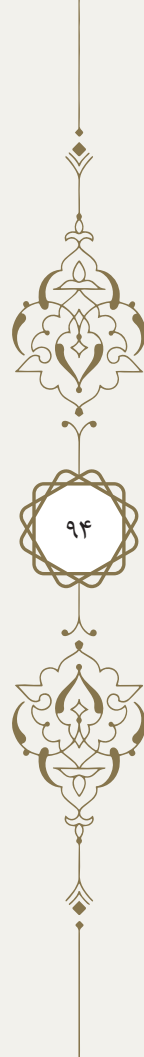
٢٠. بهبودي، محمدباقر، صحيح الكافي، بيروت، الدار الإسلاميّة، ط ١، ١٤٠١ ق، ج ٣.

٢١. تبريزيان، فارس، العلّامة السيّد هاشم البحرانيّ، قم، دارالمعروف، ط ١، ١٤١٦ ق.

٢٢. تهرانيّ، شيخ آقا بزرگ (١٢٩٢ - ١٣٨٩ ق)، طبقات أعلام الشيعة، تحقيق عليّ نقى منزوي، قم، اسماعيليان، ١٣٧٢ ق، ج ٦.

٢٣. -----، الذريعة الى تصانيف الشيعة، قم، اسماعيليان و تهران، كتابخانه اسلاميه، ١٤٠٨ ق.

٢٤. حاكم نيشابوريّ، محمد بن عبدالله (٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، دراسة و تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت،



- دارالكتب العلمية، ط ١، ١٤١١ق.
٢٥. حاكم حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (سده ٥ ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في أهل البيت، تحقيق و تعليق شيخ محمدباقر محمودي، تهران، مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، ط ١، ١٤١١ ق، ٣ ج.
٢٦. حرّ عاملی، محمد بن الحسن (١٠٣٣ - ١١٠٤ ق)، وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤٠٩ق.
٢٧. -----، أمل الآمل، تحقيق السيداحمد الحسيني، بغداد، الاندلس.
٢٨. حسينی الأسترابادی النجفی، سيدشرف الدين على (سده ١٠ق)، تأويل الآيات الظاهره في فضائل العترة الطاهره، قم، مدرسة الإمام المهدي، ط ١، ١٤٠٧ق.
٢٩. حسيني، سيداحمد، تراجم الرجال، قم، كتابخانه آيت الله العظمي مرعشي نجفی، ١٤١٤ق.
٣٠. حلّی، الشيخ نجم الدين ابوالقاسم جعفر بن حسن (٦٠٢ - ٦٧٦ ق)، معارج الأصول، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤٠٣ ق.
٣١. حيدري، سيدكمال (معاصر)، علم الإمام، تقرير شيخ على حمود عبادي، قم، دارفرقة. ط ١، ١٤٢٩ ق.
٣٢. خوئی، سيد ابوالقاسم بن سيد على اكبر (١٣١٧ - ١٤١٣ق)، معجم رجال الحديث، ط ٥، ١٤١٣ق.
٣٣. سبحانی، جعفر، با همكاري گروه علمی مؤسسه امام صادق عليه السلام، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ط ١، ١٤٢٠ق.
٣٤. شهيد ثاني، زين الدين بن علي بن أحمد الجبعي العاملي (٩١١-٩٦٥ ق)، الرعاية في علم الدراية، اخراج و تعليق و تحقيق عبدالحسين محمدعلي البقال، قم، مكتبة آية الله العظمي المرعشي النجفي، ط ١، ١٤٠٨ ق.
٣٥. صدوق، محمد بن علي بن بابويه قمي (٣٨١ق)، الأمالي، تحقيق واحد تحقيقات اسلامي بنياد بعثت - قم، تهران، ط ١، ١٤١٧ق.
٣٦. -----، ثواب الاعمال، تصحيح و تعليق على اكبر غفاري، تهران، نشر صدوق و قم، كتيبي نجفی.



٣٧. ----- ، الخصال، تصحيح

و تعليق على اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين، ١٣٦٢ش.

٣٨. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٣٢١ - ١٤٠٢ق)، الميزان في

تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٧ق.

٣٩. طبراني، الحافظ ابوالقاسم سليمان بن احمد (٣٦٠ ق)، المعجم

الكبير، تحقيق الحمدي عبدالمجيد السلفي، القاهرة، دار احياء

التراث العربي، ط ٢.

٤٠. طريحي، شيخ فخرالدين (١٠٨٥ق)، ضوابط الاسماء و

الواحق، تحقيق محمد كاظم طريحي، نجف، الحيدري، ١٣٧٥ق.

٤١. -----، المنتخب، قم، كتابخانه اروميه.

٤٢. طوسي، ابوجعفر محمد بن الحسن (٣٨٥-٤٦٠ ق)، اختيار

معرفة الرجال.

٤٣. -----، الأمالي، تحقيق واحد

تحقيقات اسلامي بنياد بعثت، قم، دارالثقافة، ط ١، ١٤١٤ق.

٤٤. -----، تهذيب الأحكام،

تحقيق السيد حسن الخراسان، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش.

٤٥. عاملی، الشيخ حسين بن عبد الصمد (٩١٨ - ٩٨٤ق)، وصول

الأخبار الى أصول الأخبار، تحقيق السيد عبد اللطيف الكوه كمری،

قم، مجمع الذخائر الإسلامية، ١٤٠١ق.

٤٦. فخر رازي، محمد بن عمر (٥٤٤ - ٦٠٦ق)، مفاتيح الغيب،

بيروت، دار احياء التراث العربي، ط ٣، ١٤٢٠ق.

٤٧. فيض كاشاني، محمد محسن (١٠٠٧ - ١٠٩١ق)، الوافي،

تحقيق، تعليق ضياء الدين حقايقی اصفهانی، اصفهان، كتابخانه

عمومي امام اميرالمؤمنين علي عليه السلام، ط ١، ١٤١٢ق.

٤٨. قندوزي الحنفي، الحافظ سليمان بن ابراهيم (١٢٢٠-

١٢٩٤ق)، ينابيع المودة، تقديم السيد محمد مهدي السيد حسن

الخراسان، قم، محمدي، ط ٨، ١٣٨٥ق، كاظميه، دارالكتب العراقية.

٤٩. كلباسي، محمد بن ابراهيم (١٣١٥ ق)، الرسائل الرجالية،

تحقيق محمد حسين الدرايتي، قم، دارالحديث، ط ١، ١٤٢٢ق.

٥٠. كليني، شيخ محمد بن يعقوب (٣٢٨-٣٢٩ق)، الكافي، تصحيح

على اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الإسلامية، ط ٥، ١٣٦٣ش.



٥١. كوفي، فرات بن ابراهيم (٣٠٧ق)، تفسير فرات الكوفي، تحقيق و تصحيح محمد كاظم، تهران، وزارت ارشاد اسلامي، ١٤١٠ق.
٥٢. مازندراني، محمد بن اسماعيل (١١٥٩ - ١٢١٦ق)، منتهى المقال، تحقيق مؤسسه آل البيت: قم، ط ١، ١٤١٦ق.
٥٣. مامقاني، عبدالله (١٢٩٠ - ١٣٥١ق)، مقياس الهداية في علم الدراية، تحقيق محمد رضا مامقاني، قم، مؤسسه آل البيت ، ط ١، ١٤١١ق.
٥٤. مجلسي، محمد باقر (١٠٣٧ - ١١١٠ ق)، بحار الانوار، تهران، المكتبة الإسلامية.
٥٥. مجلسي، محمد تقى (١٠٠٣ - ١٠٧٠ق)، روضة المتقين، تهران، بنياد اسلامي كوشانيور.
٥٦. مرعشي نجفي، سيد شهاب الدين (١٣١٥ - ١٤١١ق)، تعليقات احقاق الحق، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
٥٧. مسعودي، محمد فاضل، الأسرار الفاطمية، تقديم سيد عادل علوي، قم، مؤسسه زائر، ط ٢، ١٤٢٠ ق.
٥٨. مسلم بن الحجاج القشيري النيشابوري (٢٠٦ - ٢٦١ ق)، صحيح مسلم، رياض، دار المغني، ١٤١٩ ق، ج ١.
٥٩. مظاهري، حسين (١٣١٢ش - ...)، الثقات الأخيار من رواة الأخبار. مؤسسه فرهنگي مطالعاتي الزهراء سلام الله عليها، ١٣٨٥ش.
٦٠. مؤيد ابطحي، سيد علي، آية التطهير في أحاديث الفريقين، قم، ط ١، ١٤٠٤ق.
٦١. موسوي خوانساري، سيد محمد باقر (١٢٢٦ - ١٣١٣ق)، روضات الجنات، تحقيق اسد الله اسماعيليان، قم، اسماعيليان، ج ٨.
٦٢. مؤيد، علي حيدر، في رحاب حديث الكساء، قم، دار جلال الدين، ط ١، ١٤٢٥ق.
٦٣. نمازي شاهرودي، علي (١٣٣٢ - ١٤٠٥ق)، مستدركات علم الرجال، ط ١، ١٤١٥ق.
٦٤. ----- ، الأعلام الهادية الرفيعة في اعتبار الكتب الاربعة، مشهد، ١٣٩٧ ق.
٦٥. نجاشي، ابوالعباس احمد بن علي بن احمد (٣٧٢ - ٤٥٠ق)، رجال النجاشي، تحقيق سيد موسي شبري زنجاني، قم، جامعه مدرسين.

۶۶. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم (سده ۴)، کتاب الغیبة، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.

۶۷. نوری، حسین (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.

۶۸. هاشمی، سید احمد، جواهرالبلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۶۹. هلالی، سلیم بن قیس (۷۶ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی، قم، هادی، ۲، ۱۴۱۶ق.

ب. کتاب های فارسی

۷۰. حدّاد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ط ۲، باتجدید نظر، ۱۳۷۵ش.

۷۱. خداياری، علی نقی و پوراکبر، الیاس، تاریخ حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، ط ۱، ۱۳۸۵ ش.

۷۲. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۴۰ش - ...)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۴، ۱۳۸۷ش.

۷۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۲۵ش - ...)، پژوهشی درباره حدیث کساء، قم، دارالحدیث، ط ۱، ۱۳۸۴ ش.

۷۴. -----، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با همکاری محمدکاظم طباطبایی و جمعی از پژوهشگران، و ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۳، ط ۱.

۷۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۰۵ش - ...)، مفاتیح نوین، با همکاری احمد قدسی و سعید داودی، قم، امام علی بن ابی طالب، ط ۴، ۱۳۸۹ ش.

۷۶. موحد ابطحی، سیدعلی، حدیث کساء و آثار شگفت، قم، جبل المتین، ط ۵، (ویرایش ۳) ۱۳۹۰ش.

۷۷. موسوی بجنوردی، کاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران،

مرکز دایرة المعارف اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۹ش.

۷۸. مهدی پور، علی اکبر، سند حدیث شریف کسا، قم، کتابخانه جامع التفاسیر شیعه.

۷۹. میرجهانی طباطبائی، سید محمد حسن (۱۲۸۰ - ۱۳۷۱ش)، جنة العاصمه، تقدیم، تصحیح، تحقیق و ویرایش مؤسسه فرهنگی هنری شمس الضحی، تهران، شمس الضحی، ط ۲، (ویرایش جدید)، ۱۳۹۰ش.

۸۰. یزدی، سید محمد کاظم، سؤال و جواب (استفتائات و آرای فقیه کبیر سید محمد کاظم یزدی، به اهتمام: سید مصطفی محقق داماد و دستیاری تحقیقی سید محمود مدنی بجستانی و سید حسن وحدتی شبیری، چ ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۶ش.

ج. مجلات

۸۱. تراثنا، قم، مؤسسه آل البيت.
۸۲. مکتب تشیع، قم.

د. نرم افزارها، لوح ها و سایت ها

۸۳. لوح درس هایی از مکتب اسلام، نشریه مسجد اعظم و مکتب تشیع، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸۴. نرم افزار المکتبة الشاملة.
۸۵. نرم افزار کتابخانه اهل بیت، نسخه دوم، ۱۳۹۱ش.
۸۶. نرم افزار جامع تفاسیر نور، نسخه ۲/۵، ۱۳۹۰ش.
۸۷. نرم افزار کتابخانه اهل بیت، نسخه دوم، ۱۳۹۰ش.
۸۸. www.rohani.ir
۸۹. www.bahjat.ir
۹۰. www.ibnamin.com
۹۱. www.sunnah.org



خدا را با حق
که تو را با حق
که تو را با حق
که تو را با حق

اگر در عوالم
و در امان
و در امان
و در امان

Abstract

The present study aims at reviewing Hadith Kesa comprehensively. This hadith is regarded as one the most significant proof on Imamat and Villayat of Ahlul Bayt; the best attempt has been done to assess the authenticity of wording of a specific version of this hadith which is common among Shia. This tradition reports the reason of descending Tathir Verse and also introduces the exact evidence of the term Ahlul Bayt.

Though all scholars of Ahlul Bayt's school of thought and lots of scholars who follow caliphs school of thought agreed on this hadith, there exists some doubts regarding this tradition and the authenticity of this version. The present study aims at giving acceptable answers to the raised doubts and also introduces scientific proofs on the authenticity of this tradition; to this end , we can claim that:

- 1- This specific wording of this tradition is authentic regarding the source of its issue.
- 2- This common version of hadith has no discrepancy with Quran or Shia assured beliefs; different parts of this hadith have been mentioned in other authentic traditions content-wise or text-wise.
- 3- If we refuse this tradition due to the source of its issue , we should reject lots of other traditions, or ziyarats or supplications.
- 4- The tolerance of religious issues in Sunnah and the permission of narrating traditions meaning-based pave our way to accept this tradition or similar traditions easily and no solid reason remains to refuse it.

Keywords: hadith Kesa, Tathir verse, Ahlul Bayt, doubts on hadith Kesa, Shiology, Shia beliefs

Comprehensive Study of Hadithe kisa and Answer the Doubts

By: A.A Talāfi Dāryāni
WINTER 2019



ياسننگار
YASSENEGAR BOOKS

A Study of Tradition the Cloak

(Hadith-e-Kisa)

Author: Dr. A. A. Talāfi Dāryāni

Editor: M. H. Zād

First Printing : 2019

Circulation: 1000 copies

ISBN: 978-600-8119-17-3

Ornaments: Amirkhani, Rasuli, Akhavein, Kiani, Falsafi, Abdolrezaei,
Najafi, Hosseini, Nasser, Nasseripur, Mazlumipur, Niku, Faraji, Soruri

Layout: M.R. Farahani

Litho processes: Farayand-e Guya

Printing: Arta

Binding: Faranegar

Art Director & Supervision: A.M.Davudipur

Phone: (+9821)88322309 Fax: (+9821)88830343

2, Asjodi St., Karim khan-e-Zand Ave., Tehran, Iran

All rights reserved Copy right © 2019 YasseNegar Books, Tehran, Iran

A Study of Tradition the Cloak

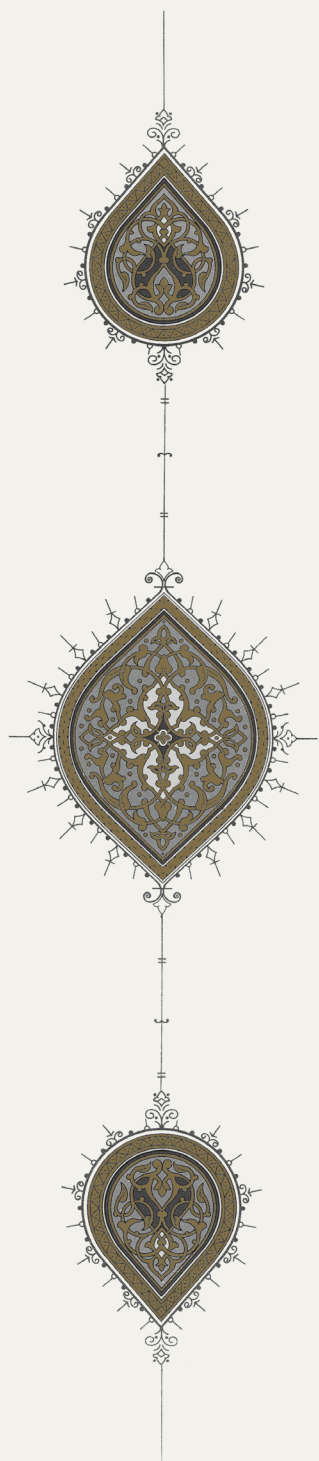
(Hadith-e-Kisa)



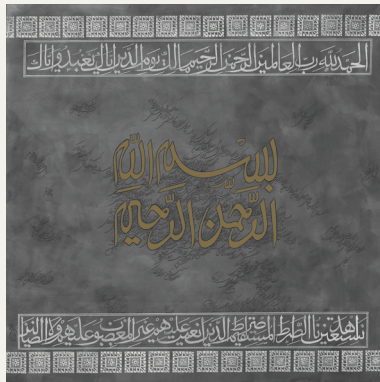
by: Ali Akbar Talāfi Dāryāni

ياسدنگ

2019



In the Name of ALLAH



مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا